



## موسسه آموزش عالی ارشاد دماوند

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

### موضوع:

نظام مجازات های جایگزین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تاثیر بازدارندگی آن

### استاد راهنما:

جناب آقای دکتر امیر مسعود مظاهری سیچانی

### دانشجو:

فاطمه روغنی

نیمسال دوم ۱۴۰۰-۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فرم اصالت و مالکیت اثر

اینجانب فاطمه روغنی دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه موسسه آموزش عالی ارشاد دماوند پدیدآور پایان نامه با عنوان نظام مجازات های جایگزین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تاثیر بازدارندگی آن با راهنمایی استاد دکتر امیر مسعود مظاهری گواهی و عهد می کنم که بر پایه قوانین و مقررات از جمله دستورالعمل بررسی تخلفات پژوهشی و همچنین مصادیق تخلفات پژوهشی مصوب وزارت علوم و تحقیقات و فناوری (۲۵ اسفند ۹۳):

این پایان نامه دستاورد پژوهش اینجانب و محتوای آن از درستی و اصالت برخوردار است.

حقوق معنوی همه ی کسانی را که در بدست آوردن نتایج اصلی پایان نامه تاثیرگذار بوده اند رعایت کرده ام و هنگام کاربرد دستاورد پژوهش های دیگران در آن بادقت و به درستی به آن ها استناد کرده ام.

این پایان نامه و محتوای آن را تاکنون اینجانب با کس دیگری برای دریافت هیچگونه مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نکرده ام .

همه حقوق مادی این پایان نامه از آن دانشگاه است و آثار برگرفته از آن با وابستگی سازمانی دانشگاه منتشر خواهد شد.

در همه ی آثار برگرفته از این پایان نامه نام استاد راهنما و اگر استاد راهنمای نخست تشخیص دهد نام استاد مشاور و نشانی رایانامه سازمانی آنان را می آورم.

در همه ی گام های انجام این پایان نامه هرگاه به اطلاعات شخصی افراد یا اطلاعات سازمانها دسترسی داشته یا آنها را به کار برده ام رازداری و اخلاق پژوهش را رعایت کرده ام .

## تقدیر و تشکر

سپاس ایزد یکتا را که این موهبت را به من ارزانی داشت تا در پرتو تلاش و کوشش این پژوهش را به انجام رسانم. بدون شک این تحقیق با کمک و راهنمایی استاد ارجمند جناب آقای دکتر امیرمسعود مظاهری امکان پذیر گشته است. بنابر این شایسته است تا از همکاری این استاد بزرگوار سپاسگزاری نمایم.

## تقدیم به:

به یاد پدرم، که چون شقایق داغ نبودش را برسینه دارم ...

تقدیم به مادر عزیزم که پیمانه عمرم لبریز از صفا و صمیمیت و مهربانی اوست

و تقدیم به زنده یاد استاد گرامی منصور رحمدل که همواره مشوق من بوده است.

## فهرست مطالب ز

مقدمه.....	۱
طرح مسأله.....	۴
ضرورت و اهمیت پژوهش.....	۴
سئوالات یا فرضیه‌های پژوهش.....	۵
الف) سوالات اصلی.....	۵
ب) سوالات فرعی.....	۵
الف) فرضیه‌های اصلی.....	۵
ب) فرضیه‌های فرعی.....	۶
سابقه تحقیق.....	۶
روش تحقیق.....	۷
فصل دوم.....	۸
ادبیات موضوع.....	۸
۲-۱ بیان مفاهیم.....	۹
۲-۱-۱ تعریف زندان.....	۹
۲-۱-۲ ماهیت حبس.....	۱۰
۲-۲-۱ تعریف مجازات‌های جایگزین حبس و اهداف آن.....	۱۲
۲-۲-۲ انواع مجازات‌های جایگزین حبس.....	۱۳
۲-۲-۲-۱ جایگزین‌های سنتی.....	۱۵
۲-۲-۲-۱-۱ جزای نقدی.....	۱۵
۲-۲-۲-۱-۲ محرومیت از حقوق اجتماعی.....	۱۸
۲-۲-۲-۲ جایگزین‌های نوین.....	۲۴

- ۲۴..... ۲-۲-۲-۲-۱ دوره مراقبت در مجازات جایگزین حبس
- ۳۲..... ۲-۲-۲-۲-۲ خدمات عمومی رایگان در مجازات جایگزین حبس
- ۳۳..... ۲-۲-۲-۲-۳ جزای نقدی روزانه در مجازات جایگزین حبس
- ۳۸..... ۲-۲-۲-۲-۴ خدمات عمومی رایگان
- ۴۷..... ۲-۳ پیشینه حبس در ایران و کشورهای دیگر
- ۵۳..... ۲-۴ بازدارندگی مجازات و پیشگیری از جرم
- ۵۶..... فصل سوم
- ۵۶..... آزمون فرضیات
- ۵۷..... ۳-۱ نحوه اعمال مجازات های جایگزین حبس
- ۵۷..... ۳-۱-۱ شرایط تقنینی
- ۵۹..... ۳-۱-۲ شرایط اقتصادی
- ۶۰..... ۳-۱-۳ شرایط آموزشی
- ۶۱..... ۳-۱-۴ شرایط اجتماعی
- ۶۲..... ۳-۲ رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به مجازات های جایگزین حبس
- ۶۴..... ۳-۲-۱ ویژگی های مجازات های جایگزین حبس
- ۶۴..... ۳-۲-۱-۱ مشارکتی و جامع بودن
- ۶۵..... ۳-۲-۱-۲ دو سویه و توافقی بودن
- ۶۵..... ۳-۲-۱-۳ تعیین و اجرای آن از سوی دادگاه
- ۶۶..... ۳-۲-۱-۴ ضرورت گذشت شاکی خصوصی
- ۶۹..... ۳-۲-۱-۵ وجود جهات تخفیف
- ۷۱..... ۳-۲-۱-۶ اصل تناسب
- ۷۳..... ۳-۲-۱-۷ الزامی یا اختیاری بودن صدور آنها

- ۸-۱-۲-۳ امکان صدور دو نوع مجازات به طور همزمان در یک حکم و امکان صدور همزمان مجازات های جایگزین با مجازات های تتمیمی یا تبعی ..... ۷۵
- ۹-۱-۲-۳ تکلیف دادگاه بر تعیین مدت مجازات حبس ضمن صدور حکم ..... ۷۷
- ۱۰-۱-۲-۳ قابل بازگشت بودن و تصریح و تفهیم آثار تخلف از مفاد حکم به محکوم ..... ۸۰
- ۳-۳ موارد منع اعمال مجازات های جایگزین حبس و تغییر در آن ..... ۸۱
- ۱-۳-۳ ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ..... ۸۲
- ۲-۳-۳ ارتکاب جرایم عمدی متعدد ..... ۸۵
- ۳-۳-۳ ارتکاب جرایم عمدی با مجازات قانونی بیش از یکسال حبس و تخفیف آن به کمتر از یکسال ..... ۸۷
- ۴-۳-۳ تخفیف و تبدیل ..... ۸۹
- ۵-۳-۳ تشدید ..... ۹۲
- ۶-۳-۳ توقف موقت ..... ۹۳
- ۷-۳-۳ لغو مجازات های جایگزین حبس ..... ۹۵
- ۵-۳ تاثیر جایگزین های حبس بر بازدارندگی از جرم ..... ۹۶
- ۶-۳ میزان استقبال قضات از مجازات های جایگزین ..... ۹۹
- نتیجه گیری: ..... ۱۰۲
- پیشنهادها: ..... ۱۰۵



## چکیده

مجازات حبس با وجود تبعات منفی برای افراد، جامعه و دولت، سهم بالایی در احکام صادره دادگاه‌ها داشته و در عین حال بر پیشگیری از تکرار جرم تأثیر کمی دارد. مجازات‌های جایگزین حبس به عنوان بارزترین تلاش برای رفع این نقیصه محسوب می‌شود. این پژوهش به بررسی قابلیت جلوگیری ارتکاب جرم مجازات‌های جایگزین حبس می‌پردازد. مجازات جایگزین حبس تحت تاثیر اندیشه‌های مکاتب مختلف و در راستای انتقادهای فراوانی که بر کیفر حبس وارد گردیده، بوجود آمد. زندان بعنوان یک مجازات نه تنها در راستای اهداف اصلاح و درمان موثر نبوده بلکه نتایج زیانبار قابل توجهی بدنبال داشته. امروزه سیستم‌های عدالت کیفری از کیفرگرایی محض به رویکردهای نوین اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی مجرمین رو آورده‌اند و دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری بر این اساس استوار می‌باشد که استفاده از زندان تنها بعنوان آخرین حربه برای مقابله با مجرمان خطرناک مدنظر باشد، لیکن تحقق این امر بصورت ریشه‌ای و بنیادین مستلزم تغییر نگرش دستگاه قضایی و البته تغییر فرهنگ جامعه است مبنی بر اینکه دیگر مجازات سالب آزادی با توجه به مضرات عدیده‌ای که دارد با شکست مواجه شده و اعمال جایگزین‌ها (مجازات‌های اجتماعی نوین) بهترین روش برای اعمال مجازات‌های هدفمند اصلاحی درمانی می‌باشد تحقیق حاضر سعی در بررسی تاثیر جایگزین‌ها بر بازدارندگی از جرم دارد که پس از مطالعات صورت گرفته به این نتیجه رسیده‌ایم که قطعاً جایگزین‌ها در مقایسه با زندان تاثیرات بیشتری بر اصلاح مجرمان و جلوگیری از تکرار جرم خواهد داشت اما این مهم دست یافتنی نیست مگر با رعایت اصول و شرایط ویژه آن ازسوی کلیه‌ی افراد جامعه چه محاکم قضایی و عوامل دست‌اندر کار چه افراد عادی که گمان نمی‌رود نقشی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: مجازات، حبس، مجازات جایگزین، تکرار جرم

## مقدمه

مجازات حبس به عنوان یک مجازات اصلی از قرن هجدهم در نظام کیفری کشورها وجود داشته است. در نتیجه‌ی این سیاست جمعیت کیفری در سراسر جهان افزایش یافته است، چنانکه جز در برخی کشورهای دارای سیاست‌های کیفرگریز، جمعیت زندان‌های آمریکا، آسیا، آفریقا و بسیاری از کشورهای اروپایی افزایش یافته است (غلامی، ۱۳۹۵، ص ۳۸۶)

مجازات جایگزین حبس مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت اجرای کیفری با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برایشان و جامعه خطرناک و ناضروری است. به کار گرفته می‌شود. به بیان دیگر جایگزین‌های سالب آزادی بدیل‌هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم در زمان اجرای مجازات مطرح می‌شوند. قاضی در زمان صدور حکم حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی گزاردن زندانی در زندان و خارج کردن او را از حبس دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰). آموزش و تولید جرم، هدر رفتن منابع مادی و معنوی جامعه، فروپاشی خانواده‌ها، تشدید فقر و شکاف طبقاتی از جمله دلایلی هستند که توسعه و گسترش زندان را نامعقول می‌نمایند. مطالعات جرم‌شناسی و کیفرشناسی نشان می‌دهند که تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان‌ها در دو سده گذشته متأثر از جنبش اصلاح نظام زندان‌ها صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان منجر شده است، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۷)

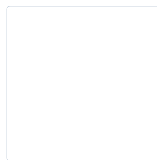
حال انتظار آن است که پیرو این رویکرد نوین قانونگذار، ابلاغ و آموزش قوانین مربوط در آراء قضایی عینیت یابد، اما بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، تاکنون در کمتر از یک درصد آراء صادرشده، از مجازات‌های جایگزین حبس استفاده شده است. این در حالی است که در ۱۵ درصد احکام، قابلیت استفاده از مجازات‌های

جایگزین حبس وجود داشته است (رحمانیان، ۱۳۹۵، ص ۳) این اتفاق از یک سو برخلاف اصل مهمّ حق بر مجازات نشدن و مبانی متنوّع آن، یعنی حق بر کرامت انسانی، حق بر زندگی، حق بر آزادی، حق بر امنیت و حق بر رفتار کرامت مدار است (غلامی، ۱۳۹۵، صص ۱۷۸-۱۸۴).

تحقیق حاضر مشتمل بر سه فصل می‌باشد که فصل اول با عنوان کلیات به بیان مساله تحقیق، سوال، فرضیه، پیشینه و درکل چرایی موضوع پرداخته و فصل دوم با عنوان ادبیات موضوع شامل مواردی چون تاریخچه و تعاریف و مبانی حبس و جایگزین‌ها و فصل سوم با عنوان آزمون فرضیات عناوینی مانند نحوه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، رویکرد قانون مجازات ۹۲ و... را در برمی‌گیرد.

فصل اول

کلیات



## طرح مسأله

با توجه به شیوه‌های نوین علمی در سال‌های اخیر و اثبات مشکلات و مسائل و آسیب‌های ناشی از مجازات سالب آزادی، قانونگذار تغییراتی را در نحوه تعیین مجازات در پیش گرفته است که دیگر به مجازات حبس بعنوان مجازاتی اصلاح گر و بازدارنده نگریسته نمی‌شود. با تغییر رویکرد قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قدمی در راه اصلاح و بازپذیری مجرم‌ان گذاشته شده است. تلاش قانونگذار و معتقدان به مجازات جایگزین حبس بر اینست که با اتخاذ تدابیر درمان مدار زمینه اصلاح مجرم‌ان و بازگشت آنها به جامعه فراهم شود. چراکه در پی آسیب‌هایی که مجرم‌ان را در طول دوران حبس و بعد از آن درگیر می‌کند نه تنها خودشان از جامعه طرد می‌شوند بلکه این آسیب‌ها گریبان خانواده‌های آنها را خواهد گرفت و چه بسا فرزندان که در پی متولد شدن در زندان‌ها و یا بزرگ شدن در خانواده‌ای که یکی از افراد محبوس می‌باشد، در آینده احتمال مجرم بودنشان افزایش داشته است. پس هرچه این راهبرد جدی‌تر و درست‌تر اعمال و پیگیری شود شاهد نتایج مثبت و کارآمد در جامعه خواهیم بود. مسأله‌ای که وجود دارد اینست که با وجود تغییرات قانونی صورت گرفته رویکرد نظام قضایی و قضا و حتی مجرم‌ان نسبت به مجازات‌های جایگزین حبس چه بود و در این ۷ سال اخیر تا چه اندازه این قوانین موفق شده است به هدف اصلیش نزدیک شود و ایرادات و مشکلات پیش آمده تا به حال شناسایی شده تا در مسیر حل مسایل و مشکلات موجود در صدد ارائه راه حل‌ها و راهکارهای مفید برآییم. همچنین شناسایی محدودیت‌های قانونی و اجرایی پیش‌روی قضا و برای اعمال این دست از مجازات‌ها و میزان اثرگذاری اعمال مجازات‌های جایگزین حبس بر کاهش آمار زندانیان می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد.

## ضرورت و اهمیت پژوهش

مجازات حبس در طی سالیان طولانی نتایج منفی بسیاری را در پی داشته که منجر به وقوع آسیب‌های جبران ناپذیری به مجرم‌ان و اطرافیان آنها و در نهایت به جامعه و زندگی اجتماعی بسیاری از افراد جامعه وارد ساخته

است. بدیهی است انجام تحقیقاتی در زمینه‌ی مجازات‌های جایگزین همچنان ضروریست زیرا که این نوع مجازات در قانون کشورمان به تازگی تصویب شده و جهت شناخت ایرادات و مسائل پیش روی مجریان می‌تواند انجام این تحقیقات کمک کننده باشد. همچنین با بررسی میزان کارآمد بودن این مجازات‌ها که در نتیجه این تحقیقات بدست خواهد آمد، میتوان گامی در جهت رسیدن به اهداف نظام سیاست گذاری کیفری برداشت. می‌بایست عوامل استفاده و یا عدم استفاده از این مجازات‌ها بررسی شود. همچنین مشخص شود قضات برای استفاده از این ابزارهای اصلاحی با چه مشکلاتی روبرو هستند. جهت رسیدن به این پاسخ و رسیدن به اهداف مورد نظر، انجام تحقیقاتی این چنینی لازم می باشد.

## سوالات یا فرضیه‌های پژوهش

### الف) سوالات اصلی:

۱. نظام جایگزین حبس به چه نحوی ممکن است بر پیشگیری از تکرار جرم موثر واقع شود؟

### ب) سوالات فرعی

۱. جهت تاثیر بهتر جایگزین‌های حبس چه ملاک‌هایی می‌بایست اعمال گردد؟

۲. مجازات‌های جایگزین تاچه اندازه از طرف قضات مورد استقبال قرار گرفته است؟

### الف) فرضیه‌های اصلی

۱. به نظر می‌رسد جایگزین‌های حبس با تدبیر قضات و انتخاب به جا و درمورد مجرمین خاص اگر صورت پذیرد و همزمان در جامعه فرهنگ سازی شود موجب کاهش تکرار جرم خواهد شد.

## ب) فرضیه های فرعی

۱. جهت تاثیر بهتر جایگزین های حبس می بایست مجرم بعد از اعمال مجازات هر چند جایگزین همچنان تحت نظر مددکاران و مشاوران متخصص قرار داشته و تدابیری وجود داشته باشد تا ادامه زندگی را بصورت مردم عادی و بدون اثرات مخرب مجرمیت بتواند سپری کند.

۲. به نظر می رسد با توجه به اختیاری بودن این نوع مجازات و اینکه جایگزین ها قوانین تازه تصویب می باشند هنوز در حد انتظار مورد توجه قرار نگرفته اند.

## سابقه تحقیق

من باب مجازات های جایگزین حبس در ایران و کشورهای دیگر در طول سالیان تحقیقاتی صورت گرفته از جمله

۱- پژوهش «موریس کرادول» (۱۹۵۱) ناظر به تکرار جرم و تعلیق مراقبتی می باشد که نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۸۶۲ بزهکار در آلاباما بود. در این پژوهش عوامل سن، وضعیت اشتغال، تعداد جرایم ارتكابی، محکومیت های سپری شده در کانون اصلاح و تربیت و طول مدت نظارت برای تعلیق مراقبتی مهم ترین عوامل مؤثر بر نتیجه ی تعلیق مراقبتی بیان شده اند. و در پایان نتیجه می گیرد که تعلیق مراقبتی یک روش مؤثر درمان اجتماعی است، زیرا ۷۷ درصد از بزهکاران با موفقیت مقررات تعلیق مراقبتی را رعایت کرده و دوباره مرتکب جرم نشده اند (Cradwell, ۱۹۵۱: ۳-۱۱).

۲- مقاله جایگاه جایگزین های حبس در نظام عدالت کیفری ایران. نوشته ی حسن حاجی تبار فیروز جایی، که در این مقاله ضمن معرفی و بررسی گونه های سنتی و نوین جایگزین حبس نتیجه می گیرد نه تنها تصویب قوانین شفاف مفید و ضروری است بلکه اجرای موفقیت آمیز آن نیازمند فرهنگ سازی در جامعه است همچنین مقالات:

۳ - عوامل موثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس، غلامی، حسین-خاکسار، داوود، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۳۹۸.

۴ - مجازات‌های جایگزین حبس و تاثیر آن بر کاهش جمعیت کبفری زندان، داچک، هادی، مجله پژوهش ملل، ۱۳۹۹.

نیز قابل اشاره است. اما با توجه به اینکه این قانون بصورت جدی از سال ۱۳۹۲ در ایران تصویب شده است و اکثر تحقیقات صورت گرفته بصورت مقاله می‌باشد بدیهی است که همچنان جا دارد در مورد این موضوع، بحث و تحقیقات خیلی بیشتری انجام شود زیرا که از نتایج این تحقیقات است که ایرادات و موانع و مشکلات شناسایی می‌شوند و مورد پیگیری قرار می‌گیرند.

### **روش تحقیق:**

در این پژوهش اطلاعات به روش تحلیلی و توصیفی با ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری خواهد شد.



فصل دوم:

ادبیات موضوع

## ۲-۱ بیان مفاهیم

### ۱-۱-۲ تعریف زندان

زندان در لغت‌نامه دهخدا جایی است که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند. این کلمه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به جای حبس پذیرفته شده‌است. در زبان پهلوی «زیندان»، ارمنی «زندن»، اوستی «زیندون»، جایی که گناهکاران را در آنجا توقیف کنند، بوده است.

همچنین واژگان بندی‌خانه، سجن، دوستاخ، دوستاقخانه، بند، حصیر، محبس، سجن، دوستاق، نیز معنی شده. این واژه در فرهنگ عمید به معنای بندی‌خانه، محبس خانه و قیدخانه، جایی که محکومان و تبهکاران را در آنجا نگهداری می‌کنند و محبس است. زندان مکانی است که اشخاص از نظر فیزیکی، محدود و توقیف و معمولاً از آزادی های شخصی محروم می‌شوند. زندان‌ها به‌طور قراردادی، سازمان‌هایی هستند که بخشی از نظام قضائی یک کشور محسوب می‌شوند و به منظور اجرای کیفر حبس، به‌عنوان یک مجازات قانونی که به صورت حکم از سوی دادگاه صادر شده‌است، به دلیل ارتکاب جرم بکار می‌روند. در بیان عامیانه در خیلی از کشورها، واژه زندان به عنوان یک مترادف برای بازداشتگاه نیز بکار می‌رود. در حالی که از نظر قانونی این واژه‌ها به دو نهاد مختلف اختصاص دارند. بازداشتگاه‌ها ویژه نگهداری اشخاصی هستند که در انتظار محاکمه‌اند یا هنوز احکام به آن‌ها ابلاغ نشده‌است، برای کمتر از یک سال. در صورتی که زندان‌ها میزبان افرادی هستند که دارای محکومیت قطعی می‌باشند (fa.Wikipedia.org).

محل نگهداری متهمین بازداشتگاه یا توقیفگاه نامیده می‌شود و زندان و ندامتگاه به محل نگهداری کسانی اختصاص دارد که محکوم به حبس یا سلب آزادی شده‌اند. اما در زبان رایج بین مردم و حتی در کتب تخصصی و قوانین گاهی واژه‌های مشترک برای بیان هر دو مفهوم بکار گرفته می‌شوند. در آیین نامه های جدید التصویب در نظام جمهوری اسلامی ایران حتی مفاهیم و نام های جدیدتری نیز وضع و به کار گرفته شده مثل

«بازداشتگاه امنیتی» و «بازداشتگاه موقت» که از لحاظ مفهوم و کارکرد تفاوتی با بازداشتگاه به معنی عرفی و اعم کلمه ندارند، این اسامی تنها نشانگر طبقه بندی افراد توقیف شده و فراهم کردن زمینه برخورد متفاوت و اغلب شدیدتر با برخی از مرتکبین جرائم خاص و مسامحه با برخی دیگر، یعنی سیاست کیفری افتراقی در بخش اجرا و اعمال است (صفاری، ۸۶).

## ۲-۱-۲ ماهیت حبس

مفهوم حبس با هر شکل و عنوانی که اجرا شده یا نامیده شود عبارت از سلب آزادی است. علی رغم وجود ارتباطاتی بین زندانی و دنیای خارج وی (موضوع سه فصل از بخش سوم «آیین نامه زندان ها سال ۱۳۸۴» مواد ۲۲۹-۱۸۰) همانند استفاده از وسایل ارتباطی مثل تلفن به ویژه تلفن همراه و رایانه توسط متهمان، موضوع تبصره ماده ۱۱ «آیین نامه بازداشتگاه های موقت - ملاقات، حتی در قالب ملاقات خصوصی (موضوع ماده ۱۸۵» آیین نامه زندان ها سال ۱۳۸۴» برای هر دو دسته متهمین و محکومین). مرخصی های گوناگون حتی به دلیل شلوعی زندان، آزادی های دیگر برای فرد زندانی، در مقایسه با سایر انواع محدودیت های قانونی برای تصرفات آزادانه افراد در امور خود به آن «سالب آزادی» یعنی سلب مطلق آزادی گفته می شود. از این رو، هرگونه تنگناهای دیگر برای افرادی که مرتکب نقض قانون می شوند سالب آزادی نیست بلکه محدود کننده آزادی یا حق آنها و سالب برخی حقوق خواهد بود (کیانی، ۸۷). این مفهوم یعنی «سلب مطلق آزادی» با توضیح بالا در حوزه علوم مربوط به جرم و کیفر وبسته به نوع کاربرد و هدفی که از آن مد نظر بوده سه ماهیت قابل تفکیک یافته است:

یکی، ماهیت کیفری و محدودیت با آزار روحی و تا اندازه ای جسمی که ذات این نوع کیفر است و نشان می دهد حبس کردن فرد یا سلب آزادی وی قبل از هر چیز دارای ماهیتی کیفر دهنده و به معنی کیفر کردن اوست (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

دوم، ماهیت اعتباری یا حقوقی حبس است که بسته به نوع نظام حقوقی و تعبیرهای پذیرفته شده در آن، به صفات خاصی متصف می گردد و این صفات علی الاصول برای فردی که در آن زندان خاص قرار می گیرد، دارای بار حقوقی و آثاری خاص می باشد. مثال بارز برای این امر، تقسیم بندی کیفر حبس یا محل اجرای آن یعنی زندان در دوره ای از نظام حقوقی قبل از انقلاب اسلامی به حبس جنایی، جنحه ای و خلافی با درجات مختلف بود که هر یک از لحاظ ماهیت کیفری و آثار حقوقی با یکدیگر متفاوت بودند. مثلاً محکومیت به حبس جنایی شرایط سخت تری را برای محکوم به دنبال داشت و نیز آثار محروم و محدود کننده اجتماعی آن بیش از سایر انواع حبس بود. در حال حاضر این تقسیم بندی ها منسوخ گردیده ولی مقنن اسلامی ایران از اصطلاحات حبس تعزیری و بازدارنده سخن گفته است و حبس از نوع حد نیز در قوانین کیفری وجود دارد که جز در زمینه مرور زمان با هم تفاوتی ندارند و از نظر احتساب به عنوان سابقه محکومیت موثر کیفری نیز مدت حبس ملاک است و نوع آن تاثیری ندارد (کیانی، ۸۷).

سوم، ماهیت اجبار کنندگی و نگه دارندگی حبس و سلب آزادی است. یعنی فرد محکوم به مجازات نشده تا به عنوان کیفر آزادی اش سلب شود (خارج از دسته اول) و به همین دلیل از شمول عناوین حقوقی مذکور در دسته دوم نیز خارج می شود. حالت سوم مربوط به فردی است که محکوم به پرداخت یا استرداد وجه یا مالی گردیده یا بایستی برای آزادی خود کفیل یا وثیقه ای معرفی نماید ولی قادر یا مایل به آن نیست یا محکوم به کیفری شده که فعلاً زمینه اجرای آن فراهم نیست یا با مانعی موقتی رو به روست. به همین دلیل با زندانی شدن تحت نظر یا اجبار قرار می گیرد و به محض تامین آنچه از وی خواسته شده یا حتی توافق یا ذی نفع یا فراهم آمدن زمینه اجرای کیفر مورد نظر از زندان آزاد می گردد (حاجی تبارفیروز جایی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

## ۱-۲-۲ تعریف مجازات های جایگزین حبس و اهداف آن

مجازات جایگزین حبس، دسته ای از مجازات ها هستند که به جای حبس قاضی مخیر یا مکلف است به آن ها حکم دهد. این مجازات ها که در ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی قرار دارند به دو دسته اختیاری و الزامی تقسیم می شوند. به این معنا که در برخی موارد دادگاه ملزم است حکم به مجازات جایگزین حبس دهد و در برخی موارد مختار است. اصولاً به دلیل مشکلاتی که اجرای مجازات حبس به خصوص حبس های کوتاه مدت دارند، قانونگذار در پاره ای جرایم، قاضی را مخیر یا ملزم نموده تا مجازات دیگری غیر از حبس را در خصوص متهم اجرا نماید. مجازات های جایگزین حبس شامل دوره مراقبت، جزای نقدی، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی می باشد (زینالی، ۹۹).

مجازات جایگزین حبس، مجازاتی هستند که میان حبس و آزادی مشروط قرار دارند و در حقیقت نه سلب کننده آزادی اند و نه آزادی، از این رو مجازات بینابین نیز خوانده می شوند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۴۸). مجازات جایگزین حبس مجازاتی است که برای اجتناب از آثار و عواقب زیان بار کیفر حبس پیش بینی شده اند (مارک آنسل، بی تا). تعریف آنسل از مجازات جایگزین حبس، در راستای موانع مجازات جایگزین و برقراری راهکارها و در آخر رسیدن به هدف برقراری مجازات جایگزین حبس که دوری از آثار زیانبار حبس است؛ میباشد. هدف مجازات، تنها برقراری تعادل اجتماعی و تنبیه خطای اخلاقی ارتكابی به لحاظ عدم رعایت وظایف اجتماعی و ارضای افکار عمومی نگران و منزجر نیست؛ بلکه باید هر مجازات، آنطور انتخاب و اجرا شود که برای دیگران عبرتی باشد و کارکرد پیشگیرانه سودمندی را نیز ایفا کند. مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان تکرار نشود (بولک، ۱۳۸۶، ص ۳۱). آن چه مجازات در اسلام بر آن مبتنی است، عبارت است از اصلاح و تربیت بزهکار و رحمت و احسان به او و جامعه و با اندکی تأمل در مجازات جایگزین به این نتیجه میرسیم مجازات مزبور نیز درصدد همین نتیجه است (قربان نیا، ۱۳۷۷، ص ۴۳۳) فوریت و قاطعیت در اجرای مجازات، لازمه دستیابی به اهداف پیش بینی شده برای مجازات است. هدف مجازات

به هیچ وجه آزار رساندن و رنجاندن بزهکار نیست، بلکه نخست بازداشتن او از زیان رساندن دوباره به دیگران است و در خلال آن بازگرداندن دیگران از راهی است که تازه در آن گام نهاده‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). اساس و جوهر ضمانت اجرای اجتماعی مبنی بر این است که بزهکار ملزم به اجرای برخی وظایف و تعهداتی گردد که منجر به اجتماعی شدن مجدد او شود و از آنجاییکه مجازات جایگزین، هدف اصلاح و درمان مجرمان را سرلوحه کار خود قرار داده است؛ باید به عنوان نظامی جدید از مجازات در کنار سایر مجازات و نیز مجازات حبس قرار گیرد تا هم اجرای مؤثرتری داشته باشد و هم هدف خود را با کارایی کامل محقق سازد. (عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). مجازات جایگزین حبس، برخلاف مجازات زندان، هدف‌های متنوعی را برآورده می‌کند. این مجازات تک بعدی نیست بلکه ابعاد مراقبتی سزا دهی، اصلاح و درمان را دنبال می‌کند. چندانکه بودن این اهداف سبب می‌شود تا نظام عدالت کیفری نرمش پذیرتر شده و در صورت باز ماندن از یک هدف به هدف دیگر خود دست پیدا کند (گودرزی، بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴، ص ۱۳). به نظر می‌رسد از آن جهت که مجازات حبس نتوانسته اهدافی از قبیل باز پذیرسازی اجتماعی مجرم، اصلاح و درمان و بازدارندگی را برآورده نماید؛ دارای مخالفانی است که معایبی را برای آن برشمرده‌اند. حال اگر مجازات جایگزین حبس بتواند به اهداف مزبور جامه عمل بپوشاند در این مسیر موفق خواهد بود (جعفری، ۱۳۹۹، ص ۳).

## ۲-۲-۲ انواع مجازات های جایگزین حبس

جایگزین حبس در معنی عام در یک تقسیم بندی از لحاظ زمانی به جایگزین های پیش از محاکمه و جایگزین های پس از محاکمه تقسیم می‌شوند که به جایگزین های دسته اول، جایگزین های بازداشت موقت و به جایگزین های دسته دوم، جایگزین های کیفر حبس گفته می‌شود. به عبارت دیگر جایگزین های مجازات سالب آزادی در مرحله دادسرا(قبل از محاکمه) و دادگاه(بعد از محاکمه) قابل تصور باشد که آنچه مدنظر ما در این نوشتار می باشد، جایگزین های بعد از محاکمه می‌باشد.

در خصوص جایگزین‌های بازداشت موقت که در مرحله دادسرا می‌باشد، بحث‌های زیادی مطرح می‌شود که در راستای صدور قرار تأمین مناسب توسط قاضی دادسرا و استفاده معقول و ضروری از بازداشت موقت به عنوان تأمین کیفری و رعایت حقوق قانونی متهم مثل حق اعتراض و غیره می‌باشد. چون اصل بر برائت متهم است مگر اینکه خلاف و مجرمیتش ثابت شود و بازداشت متهمین با اصل برائت، حق دفاع و نهادهای دیگر حقوق جزا همچون تعلیق که خود از حربه موثر مبارزه با مجرمیت اند ناسازگار است (آشوری، ۱۳۷۶، صص ۸-۵).

جایگزین‌های پس از محاکمه تدابیری هستند که به منظور اجتناب از توسل به کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند، که نمونه‌هایی از آنها عبارتند از: تعلیق اجرای مجازات، کیفرهای سالب حقوق یا محدودکننده حقوق (مانند ضبط گواهینامه رانندگی و ضبط دسته چک، محرومیت از شرکت در انتخابات، ضبط وسیله جرم و ضبط پروانه شکار) انجام خدمات عام المنفعه مانند مرمت اموال تخریب شده و جزای نقدی روزانه و غیره (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۹۷).

بعد از ایفا نقش دادسرا در کاهش جمعیت کیفری زندانها، محاکم می‌توانند با سودجویی از ابزارهای دیگری به جز زندان مراعات حال مجرمین را نموده و زمینه بازگشت بزهکاران را به آغوش جامعه فراهم آورند. اقداماتی که پس از وقوع جرم صورت می‌گیرد. اگر اقدامات سنجیده و معقولی باشد به نوبه خود سهم عظیمی در جلوگیری از تکرار جرم و بازسازی و اصلاح مجرم خواهد داشت (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸).

مجازات‌های جایگزین حبس به دو نوع سنتی و نوین تقسیم می‌شوند که به بررسی هر کدام می‌پردازیم.

## ۱-۲-۲-۲ جایگزین های سنتی

جایگزین های سنتی عبارتند از جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط منظور از جایگزین های سنتی همانگونه که از عنوان آن برمی آید، این است که از زمان حقوق کیفری مدون (مکتب کلاسیک به بعد) یا در همان سال های اولیه قانونگذاری در هر کشور به عنوان مثال کشور ایران در قوانین آن کشورها پیش بینی شده باشد (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ۹۹ ص).

با توجه به اینکه بحث ما در مورد قانون مجازات اسلامی می باشد، و مبحث مجازات های جایگزین حبس، یک فصل جداگانه ای را در قانون مجازات ۹۲ به خود اختصاص داده است که مجازات های جایگزین احصا شده در آن عبارتند از: جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی، خدمات عمومی رایگان و جزای نقدی روزانه و دوره مراقبت، لذا تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، هر چند از تدابیری هستند که موجب کاهش جمعیت زندان می شوند لکن مجازات جایگزین حبس به مفهوم مورد نظر در قانون ۹۲ نمی باشند. مثلاً در تعلیق اجرای مجازات، بدو مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد، لکن اجرای آن با حصول شرایطی معلق می شود یا در بحث آزادی مشروط، در حین اجرای مجازات حبس، با حصول شرایطی اعمال می شود. به همین دلیل صرفاً به موارد قید شده در قانون ۹۲ می پردازیم.

## ۱-۲-۲-۱-۱ جزای نقدی

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، قانونگذار صراحتاً در ماده ۶۴ جزای نقدی را به عنوان یکی از جایگزین های حبس معرفی کرده است که بیانگر اهمیت آن در سیاست حبس زدایی و کاهش استفاده از کیفر زندان می باشد. البته از جمله امتیازهایی که برای جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس قید شده است :



۱- نا چیز بودن آثار نامطلوب آن ۲- ابقای اثر تنبیهی و ارعابی در برابر تکرار جرم ۳- تناسب با شدت و اهمیت جرم ارتكابی ۴- سازگاری با شخصیت مجرم ۵- آسانی ترکیب با سایر ضمانت اجراها ۶- بهترین واکنش در جرم های مالی ۷- سود بردن دولت و از جمله معایب ذکر شده برای جزای نقدی:

۱- تناقض با اصل شخصی بودن مجازات ۲- تعارض با اصل برابری مجازاتها ۳- نداشتن وصف حتمیت و قطعیت اجرا ۴- بی اثر بودن جزای نقدی در صورت پرداخت توسط خویشان و... می باشد (آشوری، ۱۳۸۲، ۲۱۸-۲۱۵).

قانونگذار در تعیین میزان کیفر جزای نقدی از سیاست های گوناگونی پیروی کرده است تا با توجه به وضعیت مجرم و ماهیت جرم ارتكابی، در نیل به اهدافش که از جمله آن اصلاح و باز پروری مجرم و حفظ نظم و امنیت در اجتماع و جلوگیری از تکرار بزه توسط مجرم می باشد، موثر افتند.

ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص میزان جزای نقدی مقرر داشته است که میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است :

جرایم موضوع بند (۱) ماده ۸۲ تا نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال

جرایم موضوع بند (۲) ماده ۸۲ از نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال

جرایم موضوع بند (۳) ماده ۸۲ از هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال

جرایم موضوع بند (۴) ماده ۸۲ از سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هفتاد و دو میلیون (۷۲,۰۰۰,۰۰۰)

ریال

کارکرد امروزی جزای نقدی در حقوق کیفری کشورها جایگزینی جزای نقدی با مجازات زندان می باشد در میان مجازات های جایگزین حبس، جزای نقدی از اهمیت زیاد برخوردار می باشد. زیرا هنگامی که بحث ناکارآمدی مجازات زندان مطرح شد و فکر یافتن جایگزین هایی برای آن قوت گرفت، جزای نقدی، نخستین و مهمترین

کیفری بود که ذهن قانونگذاران و اندیشمندان کیفری را به خود جلب کرد. لذا در اغلب کشورها جزای نقدی جایگزین واقعی برای مجازات زندان در جرم‌های کم‌اهمیت یا زندان‌های کوتاه مدت است (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷). با توجه به دیدگاه‌های نوینی که در راستای کاهش آثار سوء زندان، نزد جرم‌شناسان و حقوقدانان ایجاد شده است، مجازات جریمه نقدی (جزای نقدی)، جایگزین مناسب و ممتاز برای زندان به شمار می‌آید (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸). جزای نقدی از زمره مجازات‌هایی است که گاه به صورت مجازات اصلی (مثلاً ماده ۵۴۱ ق.م.ا) و گاه به صورت مجازات تکمیلی (تتمیمی) اجباری (ماده ۷۷ ق.م.ا) یا اختیاری (ماده ۷۰۸ ق.م.ا) مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد. جزای نقدی دارای کارکردهایی است که از جمله آنها جایگزینی جزای نقدی با زندان می‌باشد (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷).

به عبارت دیگر جزای نقدی یکی از برنامه‌های مجازات‌های بینابین یا جایگزین است چه به شکل مستقل و چه به شکل کیفر تبدیلی که در کشورهای زیادی من جمله ایران از آن به عنوان مجازات مجرمین استفاده می‌شود. به عنوان مثال در کشور هلند، کیفر جزای نقدی به لحاظ قانونی فرض شده است، بلکه به عنوان کیفر ترجیحی برای هر نوع از جرم می‌باشد و به موجب بند ۶ ماده ۳۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری هلند قضات مکلفند که در هر موردی که جزای نقدی را تحمیل نمی‌کنند، دلایل را ارائه نمایند.

در آلمان در سال ۱۹۸۶ برای ۸۱ درصد از کلیه مجرمین بزرگسال محکوم شده، دستور پرداخت جزای نقدی صادر کرده بودند که ۷۳ درصد از آن مجرمین به جرم خشونت محکوم شده بودند (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹).

یکی از کارکردهای جزای نقدی که اصلی‌ترین کارکرد جزای نقدی محسوب می‌شود، اعمال جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی در سیاست کیفری کشورهاست. کارکرد سنتی جزای نقدی عبارتست از پاسخ‌های رسمی سیاست جنایی هر کشور به پدیده مجرمانه که به صورت مستقل و در کنار سایر کیفرها همچون زندان اعمال می‌شود. این کارکرد، اصلی‌ترین کارکرد جزای نقدی است که هر چند در سده‌های متمادی توسعه یافت، ولی

تغییر مفهومی پیدا نکرد و اینک نیز با حفظ آن، بخش عمده ای از زرادخانه ی کیفری کشورها را به خود اختصاص داده است(آشوری، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶) میزان جریمه نقدی در قوانین کیفری کشورها به دو شکل ثابت و نسبی می باشد. جزای نقدی ثابت همانگونه که از نام آن برمی آید، تعیین مبلغی ثابت یا تعیین کمترین و بیشترین(حداقل و حداکثر) میزان جریمه نقدی می باشد. در شیوه تعیین حداقل و حداکثر قاضی با توجه به وضعیت مجرم و نوع جرم ارتكابی، اختیار تعیین میزان جریمه نقدی را دارد.

شیوه دیگر جزای نقدی نسبی یا متغیر می باشد که به تناسب مقدار و میزان واحد جرم تعیین می شود به بیان دیگر جزای نقدی نسبی جریمه ای است که قانونگذار آن را برحسب مورد معادل یا دو برابر یا نصف ضرر ناشی از جرم یا سود بدست آمده از آن تعیین می کند. مانند مجازات جرایم کلاهبرداری، ارتشاء یا اختلاس که چون میزان خسارت مالی بزه دیده یا سود بدست آمده از جرم برای مجرم متغیر می باشد، مبلغ جریمه نقدی نیز به تبع آن متفاوت خواهد بود(آشوری، ۱۳۸۲، ص ۲۰۹).

## ۲-۱-۲-۲-۲ محرومیت از حقوق اجتماعی

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، قانونگذار در ماده ۶۴ صراحتاً محرومیت از حقوق اجتماعی را در بحث مجازاتهای جایگزین حبس ذکر نموده است.

مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی گاهی به عنوان مجازات اصلی در حقوق کیفری کشور ما تجلی پیدا کرده است. نظیر محرومیت از اشتغال در نهادهای دولتی، محرومیت حرفه ای، مالی که در حقوق کیفری ایران اعمال می گردد.

البته محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات اصلی به دو دسته ی محدود کننده آزادی و سالب حقوق اجتماعی تقسیم می شوند که ذیلاً به آنها خواهیم پرداخت :

در حقوق کیفری ایران مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی بیشتر در قالب ضمانت اجرای تکمیلی (تتمیمی) و تبعی آورده شده است مجازات تکمیلی، مجازات اضافی است که دادگاه علاوه بر مجازات اصلی با توجه به نوع جرم در حکم خود قید می کند(زراعت، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶). قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در مواد ۱۹ و ۲۰ به مجازاتهای تکمیلی و تتمیمی اشاره کرده است و در م ۱۹ ق.م.ا عنوان داشته که «دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید». که در این ماده محرومیت از حقوق اجتماعی برخلاف ماده ۱۷ ق.م.ا که به عنوان مجازات اصلی و بازدارنده بیان شده بود، به عنوان مجازات تتمیمی و تکمیلی بیان شده است. محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تکمیلی، گاهی اختیاری است و اختیار آن برعهده دادگاه است(م ۱۹ ق.م.ا) و گاهی نیز اجباری می باشد و دادگاه باید به آن حکم دهد. این نوع محرومیت از حقوق اجتماعی به صراحت قانون فقط در جرایم عمدی می باشد و تنها در خصوص مجازاتهای تعزیری و بازدارنده به کار می رود و در مورد قصاص و دیات نمی توان آن را به کار برد. همچنین به صراحت ماده ۲۰ ق.م.ا اعمال مجازات تتمیمی می بایست با جرم و خصوصیات مجرم متناسب باشد(زراعت، ۱۳۸۰، صص ۱۷۵-۱۷۳).

از مصادیق این نوع محرومیت از حقوق اجتماعی علاوه بر ماده ۱۹ و ۲۰ ق.م.ا، ماده ۷۱۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ می باشد. همچنین محرومیت های اجتماعی موضوع حقوق مالی(ماده ۱۰ ق.م.ا و ماده ۵۲۲ ق.م.ا) در ماده ۳ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۷۱ مجازات فوق به عنوان مجازات تبدیلی اصلی(البته به اختیار دادگاه) تعیین شده است. ضمانت اجرای تخلف از اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین بر اساس ماده ۲۰ ق.م.ا، جزای نقدی یا زندان است. گاهی محرومیت از حقوق اجتماعی در قالب مجازات تبعی می باشد که مصداق بارز آن در م ۶۲ مکرر

الحاقی اردیبهشت ۱۳۷۷ و تبصره‌های آن می‌باشد، در این ماده مصادیق حقوق اجتماعی و تعریف آن بیان شده است. تفاوت عمده این ماده و ماده ۱۹ ق.م.ا در این است که ماده ۱۹ ق.م.ا به شکل تخییری بیان شده است و دادگاه در اعمال محرومیت از حقوق اجتماعی نسبت به شخص بزهکار اختیار دارد. لکن در ماده ۶۳، ارتکاب جرایم مذکور در ماده فوق خود به خود محرومیت‌های پیش‌بینی شده را به همراه دارد.

محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی باید از احکام سایر مجازات‌ها برخوردار باشد اما به دلیل قهری بودن این مجازات، احکام مزبور را نمی‌توان جاری کرد البته تبصره ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی اشاره‌ای به تعلیق آثار تبعی حکم داشت یعنی اگر در زمان محرومیت از حقوق اجتماعی، محکوم حسن رفتار نشان دهد این امکان وجود داشته باشد که از تعلیق مجازات تبعی برخوردار شود اما در حال حاضر چنین مقرراتی وجود ندارد (زراعت، ۱۳۸۰، ص ۴۹۴).

در فصل دوم قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به مجازات‌های تکمیلی و تبعی اشاره شده است. در مواد ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تکمیلی و تبعی مورد بحث قرار گرفته است.

ماده ۲۳ مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه ۶ محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید:

اقامت اجباری در محل معین

منع از اقامت در محل یا محل‌های معین

منع اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

انفصال از خدمات دولتی و عمومی

منع از رانندگی با وسیله نقلیه موتوری یا تصدی وسایل موتوری

منع از داشتن دسته چک یا اصدار اسناد تجارتي

منع از حمل سلاح

منع از خروج اتباع ایران از کشور

اخراج بیگانگان از کشور

الزام به خدمات عمومی

منع از عضویت در احزاب، گروهها و دسته‌جات سیاسی یا اجتماعی

توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم

الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

الزام به تحصیل

انتشار حکم محکومیت قطعی

ماده ۲۵ مقرر می‌دارد: محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در

مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

۱- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

۲- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه

مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار

۳- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.

تبصره یک- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادرشده از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد، مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

تبصره دو - در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره سه- در آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

در ماده ۲۶ حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح ذیل آمده است :

داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا

عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور

تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری

انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم

عضویت در هیأت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف

اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی

استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمانها و شرکت‌های وابسته به آنها، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداریها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاههای مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها

اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری

انتخاب شدن به سمت قیّم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام

انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی

استفاده از نشانهای دولتی و عناوین افتخاری

تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکتهای دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.

در ماده ۶۴ نیز محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از اقسام مجازات‌های جایگزین حبس احصا گردیده است و شرایط اعمال آن قید شده است. مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی در معنای اعم، نیز واجد وصف کیفری بوده و تابع اصول حاکم بر مجازاتها می‌باشد که دارای اهدافی از قبیل پیشگیری از ارتکاب جرم، اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها، اجتناب از مجازات حبس یا کاهش استفاده از مجازات حبس به لحاظ معایب و ایراداتی که بر این مجازات وارد شده است از قبیل هزینه بر بودن، جرم زا بودن محیط زندان و ... البته محرومیت از حقوق اجتماعی هر چند دارای وصف کیفری و مجازاتی بوده اما در زمره تدابیری است که بیشتر جنبه تأمینی دارند و در واقع هدف عمده این تدابیر پیشگیری از سقوط مجدد محکوم علیه در



بزهکاری از طریق ایجاد موانع در انجام فعالیت مجرمانه و دور کردن او از محیط‌هایی است که جنبه جرم‌زایی برای وی دارند (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷).

## ۲-۲-۲-۲ جایگزین‌های نوین

از جمله مباحث مطرح شده من باب جایگزین‌های نوین توسط حقوقدانان تعویق تعقیب، میانجی‌گری، تعلیق مراقبتی فشرده، حبس در منزل، پادگان آموزشی و اصلاحی، نظارت الکترونیکی و درمان (آشوری، ۱۳۸۲) می‌باشد.

در نظام تقنینی ایران بدو در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان مصوب ۱۳۸۴ و سپس قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ جایگزین‌های نوین مجازات حبس، مورد بررسی قرار گرفتند که عبارتند از: ۱- دوره مراقبت ۲- جریمه روزانه ۳- خدمات عمومی رایگان که به ذکر این موارد که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ بیان شده می‌پردازیم.

### ۱-۲-۲-۲-۲ دوره مراقبت در مجازات جایگزین حبس

در ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص جرایم مشمول دوره مراقبت هم به جرایم عمدی و هم به جرایم غیرعمدی اشاره شده است و در خصوص جرایم عمدی، حداکثر مجازات ذکر شده شش ماه تا یکسال حبس بوده و در خصوص جرایم غیرعمدی نیز دو تا چهارسال حبس می‌باشد. به نظر می‌رسد که قانونگذار احکام دوره مراقبت را در جرایم کوچک و متوسط قابل اجرا دانسته و جرایم مهم را شامل نمی‌شود و در خصوص نوع مجازات‌ها نیز جرایم دارای مجازات‌های تعزیری و بازدارنده را شامل می‌شود و در احکام حدود و قصاص و دیات دوره مراقبت اعمال و اجرا نمی‌شود. دوره مراقبت دوره‌ای می‌باشد که در طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای زیر و به میزان معین محکوم می‌گردد. اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، حرفه آموزشی یا اشتغال به حرفه ای خاص، پرداخت نفقه

افراد واجب النفقه، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی با استفاده از وسایل موثر در آن، خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی، خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه.

مدت دوره مراقبت در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس می‌باشد، تا شش ماه، در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس می‌باشد و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده، شش ماه تا یک سال، در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال می‌باشد، یک تا دو سال، در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال می‌باشد. در خصوص اصلاح دوره مراقبت باید گفت که در کتب حقوقی و در مباحث مربوط به جایگزین‌های نوین حبس، اصطلاح دوره مراقبتی کمتر بحث شده است و مباحث مرتبگی که بیشتر به چشم می‌خورد و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اصطلاحات تعلیق مراقبتی و نظارت فشرده می‌باشد. البته مباحث مطرح شده در این زمینه مربوط به حقوق کشورهای اروپایی (فرانسه و انگلستان) و آمریکا می‌باشد. در حقوق ایران مقرراتی در خصوص تعلیق مراقبتی و نظارت فشرده یا تعلیق مراقبتی فشرده به چشم نمی‌خورد. تنها موضوع تعلیق اجرای مجازات که در واقع به نوعی همان تعلیق مراقبتی ساده می‌باشد، در قانون مجازات اسلامی مطرح گردیده است (بی‌نا، ۱۳۹۰ ص ۹۱)

تعلیق مراقبتی یا تعلیق مراقبتی ساده در مواردی است که مجازات زندان تعلیق شده و محکوم علیه در اختیار مددکار اجتماعی قرار می‌گیرد و معادل آن در سیاست کیفری و تقنینی کشور ما، بحث تعلیق اجرای مجازات می‌باشد که این نوع تعلیق مجازات، جایگزین حبس محسوب نمی‌شود بلکه تاسیسی است که به موجب آن، اجرای مجازات قانونی بنا به شرایطی معلق شده است. به عبارت دیگر در تعلیق مراقبتی، مجازات اصلی همچنان

کیفر حبس می‌باشد، ولی بنا به شرایطی تعلیق می‌شود، همانگونه که تعلیق اجرای مجازات موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی اینگونه می‌باشد.

لکن تاسیس تعلیق مراقبتی فشرده یکی از ضمانت‌اجراهای نوین است که برای کاهش آثار تبعی زندان، از جمله هزینه‌های سرسام‌آور زندان و سایر مشکلات ذکر شده ایجاد گردیده است. لذا با توجه به اینکه دوره مراقبتی نیز در عمل همان شرایط و آثار تعلیق مراقبتی فشرده را دارا می‌باشد و یک ضمانت اجرای مستقل جانشین حبس محسوب می‌شود. از آنجا که هدف از نظارت به عنوان یک تدبیر اصلاحی-اجتماعی، به کارگیری تدابیر پشتیبان نسبت به مجرمان بیرون از محیط رسمی زندان یا موسسه‌های اصلاحی تربیتی است، این نظارت ممکن است به شکل‌های مختلفی انجام گیرد. نظارت ممکن است ساده و بدون تحمیل شرایط فوق‌العاده باشد. از جمله آنکه مجرم موظف باشد هر ماه خود را به پلیس و سایر ارگان‌های رسمی مسئول معرفی کرده و گزارشی از حضور خویش در حوزه قضایی محل کار و غیره ارائه کند. در مقابل ممکن است مشدد یا فشرده باشد، همچنان که ممکن است موضوع، نظارت بر بهره‌ور آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی باشد (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۲۹۱).

از پروبیشن در حقوق فرانسه با توجه به ساختار آن تعبیر به تعلیق مراقبتی شده است (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۸؛ آشوری، ۱۳۸۲، ص ۱۸۴). تعلیق در حقوق جزا یعنی اجرای مجازاتی که به تاخیر و تعویق می‌افتد. تعلیق مراقبتی در فرانسه با تعلیق اجرای حکم (تعلیق ساده) در فرانسه و یا در انگلیس از این جهت با هم شبیه‌اند که در هر دو قاضی مرتکب را محکوم و مجازاتی برای وی تعیین نماید سپس اجرای آن مجازات را به تعلیق می‌اندازد. با این تفاوت که در تعلیق ساده، قاضی اجرای مجازات را بدون اعطای دستورات و تکالیفی به مجرم و نیز مراقبت و نظارت بر آن از سوی ماموران تعلیق مراقبتی، معلق می‌نماید در حالیکه تعلیق مراقبتی بالعکس می‌باشد. تعلیق مراقبتی به اقتباس از حقوق فرانسه و سایر کشورها می‌باشد و حتی دوره مراقبت در حقوق کیفری ایران فعلاً جایگاهی ندارد البته لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان مصوب سال ۸۴- ۱۳۸۳ نهاد دوره مراقبتی و کلیه ساز و کارهای آن طی مواد ۱۱ الی ۱۵ لایحه عنوان گردیده بود و در قانون

مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نیز در فصل نهم در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس، در ماده ۸۳، به تعریف دوره مراقبتی، شرایط و مدت آن پرداخته است و در قسمتی از آن در بحث دستوراتی که می‌بایست از سوی محکوم انجام شود، به قسمت تعویق مراقبتی ارجاع گردیده است. مجازات دوره مراقبتی یا به اصطلاح دیگر تعلیق مراقبتی فشرده یا نظارت فشرده یا آزادی مشروط فشرده برای بزهکاران در آستانه خطری که مجازات زندان برای آن‌ها نامناسب به نظر می‌رسد طرح‌ریزی شده است. این مجازات امکان نظارت نزدیک بر بزهکاران را به کمک ماموران آموزش دیده و انجام مشاوره‌های فردی فراهم می‌سازد و هدف اصلی آن کاهش جمعیت زندان، صرفه‌جویی در هزینه‌های عدالت جنایی، اصلاح و بازپروری بزهکاران و حفظ امنیت عمومی می‌باشد (ترنر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶). «دوره مراقبت به عنوان یکی از جایگزین‌های نوین مجازات حبس از نظر نوع جرایم، در مورد کلیه جرایم قابل اعمال است به جز در برخی کشورها و آن هم در مورد جرایم مهم (نظیر هتک ناموس به عنف، سرقت، صدمات شدید بدنی، قتل عمدی) قابل اعمال نیست یا منوط به شرایطی می‌باشد. برای مثال در فیلیپین، مجرمینی که به بیش از ۶ سال حبس محکوم می‌شوند واجد شرایط استفاده از دوره مراقبتی نخواهند بود، یا در استرالیا اجرای دوره مراقبتی برای مجرمین خطرناک فقط در صورت وجود شرایط مخففه ممکن است یا در مجارستان هرگاه حداکثر مجازات قانونی جرم، سه سال حبس یا کمتر باشد، اعمال دوره مراقبتی مجاز است. محکومیت به زندان چنانچه حداکثر مدت آن یکسال یا کمتر (یا در شرایط خاص دوسال یا کمتر) باشد قابل تعلیق خواهد بود» (حاجی‌تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱). البته مشروط بر اینکه دادگاه باید در هر مورد صدور آن را با شدت جرایم توجیه کند (همان).

در خصوص بهره‌وران باید گفت که علاوه بر مرتکبان جوان و بزرگسال شامل بزهکاران نوجوان نیز می‌شود. در آمریکا برخی از پژوهش‌ها درباره نوجوانانی که مرتکب جرم‌های جنایی شده و نخست در برنامه تعلیق مراقبتی فشرده قرار گرفته بودند، نشان داد که «برنامه تعلیق مراقبتی فشرده نوجوانان» جانشین موثری برای زندان است و به عنوان یک عامل بازدارنده از تکرار جرم می‌باشد (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۰۷). برای اعمال و اجرای دوره مراقبت

حصول یکسری شرایط و مقدماتی لازم و ضروری می‌باشد که این شرایط یا از حیث مدت دوره مراقبت یا وظایف محکوم و به اصطلاح بهره ور از دوره مراقبت و یا از حیث وظایف ماموران مراقبت می‌باشد، که اکثر کشورها قواعد و مقررات (شرایط) استاندارد و کلی دارند. معمولاً مدت زمان دوره مراقبتی به اهمیت جرم و رفتار شخص مجرم بستگی دارد (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹). مدت زمان اعطای دوره مراقبت در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. در برخی از کشورها ممکن است برای دوره مراقبت حداقل و حداکثر در نظر بگیرند. برای مثال در بریتانیا (انگلستان و ولز) حداقل طول زمان دوره مراقبت ۶ ماه و حداکثر ۳۶ ماه است. در ژاپن طول زمان دوره مراقبت برابر است با مدت زمان مجازات معلّقی که دوره مراقبت جایگزین آن گردیده است. اما متوسط مدت زمان دوره مراقبت در اغلب کشورها حداقل ۶ ماه و حداکثر ۳۶ ماه و ۶۰ ماه می‌باشد (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲ به نقل از هامایی و همکاران، ۱۳۷۷، صص ۱۳۸-۱۳۷).

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نیز مدت دوره مراقبت به تناسب میزان مجازات جرایم از سیستم حداقل و حداکثر تبعیت نموده و حداقل زیر شش ماه و حداکثر دو سال در جرایم عمدی و حداقل دو و حداکثر چهار سال در جرایم غیر عمدی می‌باشد. برای هر مجرمی که تحت دوره مراقبتی قرار می‌گیرد ممکن است دستورات و شرایطی مقرر شده باشد که باید به آنها عمل نماید. اکثر کشورها قواعد و مقررات (شرایط) استاندارد بسیار کلی دارند که عبارتند از: ۱- قبول سرپرستی و ارشاد و خدمات دوره مراقبتی و تبعیت از کلیه دستورات (استرالیا، نیوسات، ولز) ۲- تبعیت از دستورالعمل‌های دادگاه یا مامور دوره مراقبتی، برقراری تماس منظم با ماموران دوره مراقبتی، رفتار منضبط (سوئد) ۳- رفتار خوب داشتن، انطباق با دستورات مامور سرپرست و مطلع کردن مامور دوره مراقبت از تغییر محل سکونت یا وضعیت استخدامی (اسکاتلند). همچنین اکثر کشورها علاوه بر شرایط استاندارد کلی بعضی از مقررات و شرایط اضافی هم دارند:

۱- مجرم باید به هر شرط دیگری که مربوط به بازپروری او باشد تن در دهد و این شرایط نباید به طور نامشروع تهدیدکننده آزادی او باشد و باید با آزادی وجدان او معارض نباشد (فیلیپین).

۲- درمان طبی و روانشناختی همچون استرالیا، مجارستان، فیلیپین، انگلستان و ولز

۳- برنامه‌های مواد مخدر و الکل : استرالیا، کانادا، مجارستان، فیلیپین، انگلستان و ولز

۴- جبران خسارت مالی : استرالیا و کانادا و پاپوا گینه جدید.

۵- خدمات اجتماعی / ترمیم خسارات اجتماعی : استرالیای جنوبی، استرالیای غربی، اسکاتلند و پاپوا گینه جدید(حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص، ۱۴۱).

در ایالات متحده آمریکا برنامه‌های مختلف تعلیق مراقبتی فشرده (نظارت فشرده) که در واقع همان دوره مراقبتی می‌باشد من جمله برنامه‌های جورجیا، کالیفرنیا، نیوجرسی، ماساچوست، کالیفرنیا جنوبی وظایفی را برای بهره‌وران از این برنامه‌ها در نظر گرفته است. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در ماده ۸۳، قانونگذار در تعریف دوره مراقبت عنوان داشته که طی آن محکوم به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی محکوم می‌گردد و در واقع وظایف محکوم را در این قسمت به مبحث تعویق مراقبتی در فصل پنجم ارجاع داده است. در مبحث مربوط به تعویق مراقبتی، قانونگذار پس از تعریف تعویق صدور حکم و ارکان و اقسام آن در ماده ۴۲ عنوان داشته که در تعویق مراقبتی دادگاه صادر کننده قرار می‌تواند با توجه به جرایم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورات زیر در مدت تعویق ملزم نماید :

۱- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

۲- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

۳- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

۴- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه

۵- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

۶- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

۷- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

۸- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی،

اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

ضمانت اجرای تخلف از دستورات دادگاه در م ۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اینگونه بیان شده است که به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رای دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار مجازات حبس اجرا می‌گردد. به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای فوق (اجرای مجازات اصلی در صورت تخلف از دستورات از ناحیه مجرم یا ارتکاب جرم جدید در دوره مراقبت) در همه کشورهای که مجازات دوره مراقبت (تعلیق مراقبتی فشرده) در آنها پذیرفته شده است، مورد قبول بوده و در مقررات آنها پیش بینی شده باشد. وظایف ماموران دوره مراقبتی در اکثر کشورهای دنیا عبارتند از :

۱- اقدام به تهیه گزارش قبل از صدور حکم محکومیت، بدین معنا که ماموران دوره مراقبتی قبل از صدور حکم محکومیت اقدام به تهیه گزارش در مورد مجرم، اوضاع و احوال زندگی وی و اوضاع و احوال ارتکاب جرم، طرز تلقی و تفکر مجرم از جرم می‌نمایند که آیا مجرم مستحق استفاده از خدمات سازمان دوره مراقبتی است یا خیر. به عبارت دیگر با تهیه گزارشی قبل از مجازات و جمع‌آوری اطلاعات در مورد مجرم، پیشنهادهایی را در خصوص نحوه برخورد با مجرم و نوع مجازاتی که دادگاه باید در نظر بگیرد می‌کند و در واقع اقدام فوق، به نوعی همان تشکیل پرونده شخصیت در مورد مجرم می‌باشد که در راستای فردی کردن مجازات مجرم و دادرسی عادلانه می‌باشد.

۲- ارزیابی نیاز مجرم و توسعه و تکمیل طرح پرونده شخصیت از طریق مراجعه مجرم برای تعیین تأمین کنندگان متناسب خدمات.

۳- بررسی پیشرفت مجرم و مختومه کردن طرح فوق از نظر تکامل یا نقض شرایط و دستورات

۴- ارزیابی پاسخ مجرم به سرپرستی و به علاوه ارزیابی کیفیت خدماتی که در مجموع به مجرم ارائه گردیده است.

۵- نظارت بر افراد تحت دوره مراقبتی از طریق تماس‌های شخصی با مجرم و خانواده ایشان و نظارت بر جبران خسارت توسط مجرم در موارد مقتضی.

۶- اعمال مدیریتی که بر اساس آن مشکلات مالی، اعتیادی، روان پزشکی، روان شناختی، سلامتی شخصی یا سایر موارد مربوط به رفتار مجرمانه مرتفع گردد.

۷- اجرای مجازات‌های جامعی به وسیله مجرمین قابل اعتماد.

۸- انجام مشاوره با مجرمین به گونه ای که دوباره به جامعه برگردند (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

همچنین بازدیدهای اتفاقی و بدون اطلاع بهره‌وران، نگهداری پیشینه هویت بهره‌وران و جوانان تحت نظارت، ملاقات با بهره‌وران دست کم ۴ بار در هفته و تماس هفتگی با پدر، مادر، مدرسه، انجام مشاوره‌هایی در خصوص اشتغال و ... (آشوری، ۱۳۸۲، صص ۳۱۴-۳۱۳).

ماموران دوره مراقبتی باید دارای ویژگی‌های ذیل باشند :

۱- صبور و بی طرف، بالغ و مسئول باشند.

۲- قادر به جلب اعتماد و اطمینان مجرمان باشند.



۳- قادر به مدیریت وضعیت های تنش زا(سخت) باشند(همان).

البته در قانون مجازات اسلامی ۹۲ تدابیری در خصوص ماموران مراقبتی پیش بینی نشده است و قانونگذار در ماده ۸۳ تنها به این مورد که تحت نظارت قاضی اجرای احکام، بزهکار(محکوم) می بایست یکسری دستورات را انجام دهد بسنده کرده است. و اینکه نحوه عملی اجرای این ماده به چه شکل می باشد و چگونه قاضی اجرای احکام می بایست بر اجرای مجازات دوره مراقبت نظارت کند، مشخص نشده است و به نظر می رسد که می بایست طی یک آئین نامه جداگانه، نحوه اجرای این مجازات جایگزین حبس تبیین شود. البته در خصوص ارزیابی برنامه های دوره مراقبت یا نظارت فشرده در سایر کشورهایی که این برنامه ها اجرا شده، نظرات مختلفی ارائه شده که عده ای معتقد به کارآمدی برنامه های تعلیق مراقبتی فشرده در خصوص جلوگیری از تکرار جرم، کاهش تورم جمعیت زندان و ... بوده اند و عده ای دیگر نیز معتقدند که تفاوتی بین این برنامه ها و برنامه های تعلیق مراقبتی ساده نبوده است و مهمترین موضوعی که استناد کرده اند بالاتر بودن میزان تکرار بازداشت بهره وران برنامه های نظارت فشرده نسبت به بهره وران تعلیق مراقبتی عادی است(آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹).

#### ۲-۲-۲-۲-۲ خدمات عمومی رایگان در مجازات جایگزین حبس

خدمات عمومی رایگان مانند نظافت شهر و... خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح زیر مورد حکم واقع شده و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می شود:

در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس می باشد، تا دویست و هفتاد ساعت، در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس می باشد و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده، دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت، در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال می باشد، پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت، در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت. در خصوص خدمات عمومی رایگان ساعات

انجام خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نمی‌باشد. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش معمول محکوم گردد. در صدور حکم به ارائه خدمت عمومی می‌بایست همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور را در نظر گرفت. دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین نامه حکم دهد. در هر حال در صورتی که محکوم، به انجام خدمات عمومی، رضایت نداشته باشد مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود. قاضی اجرای احکام می‌تواند بر حسب وضعیت جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد کند. (بی‌نا، ۱۳۹۰، ص ۹۹)

### ۳-۲-۲-۲-۲ جزای نقدی روزانه در مجازات جایگزین حبس

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که از وی وصول می‌شود محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت کند.

همانطور که در مبحث مربوط به جزای نقدی توضیح داده شد، جزای نقدی به عنوان یکی از جایگزین‌های سنتی مجازات حبس دارای مزایا و معایبی می‌باشد. از جمله معایبی که برای جزای نقدی قابل ذکر است، تناقض با اصل شخصی بودن مجازات، تعارض با اصل برابری مجازات‌ها، فقدان اثر اربابی نسبت به اغنیا، نداشتن وصف حتمیت و قطعیت، فرستادن محکوم علیه به زندان در صورت عجز از پرداخت جزای نقدی که کاملاً با فلسفه جایگزینی جزای نقدی به جای مجازات حبس مغایر است. لذا همه این موارد موجب شده است که مجازات جزای نقدی نتواند رسالت و کارکرد خود را به عنوان یک مجازات با موفقیت انجام دهد و نیز در بحث جایگزین حبس نیز نتوانسته آنگونه که باید موثر واقع شود. و چه بسا در موارد بسیاری در خصوص بازداشت بدل از جزای نقدی،

موجب افزایش جمعیت کیفری و بحران زندان‌ها گردیده است. لذا اندیشمندان و صاحب‌نظران برای کاستن ایرادات فوق، شیوه جدیدی از مجازات را برای عادلانه کردن اجرای جزای نقدی پیشنهاد کرده‌اند که آن جزای نقدی روزانه (جریمه روزانه) است (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳).

جریمه نقدی روزانه از این جهت راهکار مفیدی می‌باشد که نه تنها از مشکلات اجرایی جزای نقدی می‌کاهد، بلکه تعدیل‌کننده ایرادات وارده بر جزای نقدی نیز می‌باشد و همچنین جزای نقدی روزانه در راستای رعایت اصل فردی کردن مجازات و نیل به سیستم دادرسی عادلانه می‌باشد. چرا که یکی از ایرادهای اساسی وارده بر جزای نقدی این بوده که افراد ثروتمند و قدرتمند بدون اینکه هیچگونه تاثیرپذیری از مجازات داشته باشند مبلغ جزای نقدی را می‌پردازند و افراد فقیر و بیچاره که مرتکب جرم می‌شوند، به علت فقدان تمکن مالی، نه تنها قادر به پرداخت جزای نقدی نمی‌باشند بلکه به علت عجز از پرداخت جزای نقدی می‌بایست روانه زندان شوند. لذا با این تفاسیل، افراد ثروتمند متنهبه نشده بلکه متجری گردیده و هیچ ابایی از ارتکاب جرم ندارند و نسبت به افراد بیچاره نیز رسالتی که از جزای نقدی در جایگزینی مجازات حبس انتظار می‌رود ابر می‌ماند و مشکلات مجازات حبس مجدداً آشکار می‌شود. در این قسمت راجع به مفهوم جزای نقدی روزانه، تاریخچه آن، موجبات، میزان و شرایط اعمال جزای نقدی روزانه بحث خواهیم کرد.

جریمه روزانه به عنوان یکی از جایگزین‌های نوین مجازات حبس در حقوق کیفری کشور ما مطرح گردید و اعمال اجرای این مجازات در راستای اصل تساوی مجازات‌ها و اصل فردی کردن مجازات‌ها و در نهایت ارتقا نظام عدالت کیفری یک جامعه می‌باشد تا به عنوان یک مجازات علاوه بر داشتن آثار ارعایی و تنبیهی، موجبات اصلاح و بازپروری مجرمین و بازگشت ایشان را به اجتماع فراهم آورد و مانع تکرار جرم از ناحیه ایشان شود. به خصوص در جرایم کم اهمیت که توسل به مجازات زندان ممکن است آثار مخرب بسیاری برای فرد بزهکار در درجه اول و خانواده ایشان و جامعه داشته باشد. توسل به جزای نقدی روزانه که در واقع متناسب با جرم ارتكابی و درآمد و

معیشت فرد می‌باشد، نقش موثری را ایفا می‌نماید. در این قسمت موجبات و موارد (قلمرو) اعمال جزای نقدی روزانه و شرایط اعمال و اجرای آن را با تکیه بر قانون مجازات اسلامی بررسی می‌کنیم.

در خصوص موجبات (قلمرو) اعمال جزای نقدی و میزان آن در حقوق کشورهای مختلف مباحث متفاوتی مطرح گردیده است. البته اختلاف عمده مباحث مطرح شده در این زمینه، بیشتر در خصوص میزان جریمه‌های روزانه می‌باشد. در خصوص قلمرو اعمال مجازات جریمه روزانه و جرایم مشمول آن، کشورهای مختلف تقریباً رویه واحدی دارند که در قسمت‌های بعد به صورت جداگانه توضیح خواهیم داد.

در نظام‌هایی که طبقه بندی سه گانه جرم (جنایت، جنحه و خلاف) را پذیرفته‌اند (همانند فرانسه) جریمه‌ی روزانه، تنها نسبت به محکومان بزرگسال و در خصوص جرم‌های جنحه‌ای اجراشدنی است و اجرای آن در مورد جرم‌های نظامی و اشخاص حقوقی امکان پذیر نیست هرچند جریمه‌ی روزانه یکی از انواع جایگزین‌های مجازات حبس به شمار می‌رود، به محض کوتاهی محکوم از پرداخت آن، زندانی شدن او را به دنبال خواهد داشت. متهم در گزینش میان جریمه‌ی نقدی روزانه و رفتن به زندان در مرحله صدور حکم، حق گزینش دارد (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۸۵). در حقوق کیفری ایران، هرچند که از قبل در خصوص مجازات جریمه روزانه، سابقه‌ای در قانونگذاری ایران وجود ندارد، لکن در قانون مجازات اسلامی ۹۲ در ماده ۸۴ که بحث جزای نقدی روزانه را مطرح کرده است، در خصوص نوع جرایمی که مشمول جزای نقدی روزانه می‌باشد، به ماده ۸۲ در باب دوره مراقبت ارجاع داده است که همان مباحث مطرح شده در خصوص قلمرو دوره مراقبت و نوع جرایم مشمول آن در اینجا نیز ساری و جاری می‌باشد. به نظر می‌رسد که جزای نقدی روزانه نیز در خصوص جرایم کوچک و متوسط قابل اجرا می‌باشد و جرایم مهم را شامل نمی‌شود و نیز در حقوق کیفری ایران همانطور که قبلاً نیز عنوان شد، شامل جرایمی می‌باشد که دارای مجازات‌های تعزیری و بازدارنده است و در حدود و قصاص و دیات جاری نمی‌شود. (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۸۵). در خصوص بزهکارانی که قابلیت برخورداری از این مجازات را دارند، باید گفت که بزهکاران در همه گروه‌های سنی به جز اطفال که قواعد و قوانین خاص خود را دارند، مشمول این

مجازات جایگزین خواهند بود. البته تعیین جریمه روزانه مانند سایر مجازات‌های جایگزین حبس با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از آن، سن، مهارت، وضعیت و شخصیت و سابقه مجرم و وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال طبق قانون می‌باشد. در نظام جریمه روزانه مبلغ و میزان جریمه در دو مرحله مشخص می‌شود. در مرحله نخست قاضی بر حسب نوع جرم ارتكابی و اهمیت آن، شمار روزهای پرداخت جریمه را در یک محدوده قانونی (حداقل و حداکثر قانونی) معین می‌کند. مثلاً جریمه روزانه تعیین شده برای جرمی ۱ تا ۳۰ روز می‌باشد و قاضی ۱۵ روز را به عنوان مجازات تعیین می‌کند. که در بیشتر کشورها حداقل جریمه روزانه، یک روز می‌باشد ولی حداکثرها متفاوت است. برای نمونه حداکثر شمار این روزها در سوئد ممکن است به ۱۲۰ روز و در آلمان فدرال به ۳۶۰ روز بالغ شود (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۸۵).

در مرحله دوم قاضی به تناسب درآمد روزانه محکوم، مقداری را برای مخارج مجرم و خانواده‌اش در نظر می‌گیرد و بقیه را به عنوان جریمه از آن کسر می‌کند. سپس مقدار کسر شده به عنوان جریمه را در مقدار روزهایی که از قبل تعیین شده، ضرب می‌کند و مجموع جریمه‌ای که مجرم باید بپردازد تعیین می‌شود. در برخی کشورها نیز مبلغ جریمه روزانه به گونه‌ای تعیین می‌شود که از پس انداز روزانه محکوم تجاوز نکند.

به عنوان مثال مبلغ جریمه روزانه در سوئد از ۲ تا ۵۰۰ کورون و در آلمان از ۲ تا ۱۰۰۰ مارک در نوسان است. در برخی کشورها مثل فنلاند و دانمارک، قانونگذار ملاک ثابتی را برای جریمه روزانه در نظر گرفته و ماخذ آن را مجموع درآمدهای روزانه مجرم دانسته است (آشوری، ۱۳۸۲، صص ۳۸۵-۳۸۴).

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نیز میزان جزای نقدی روزانه یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه فرد به تناسب نوع و میزان مجازات قانونی جرایم از ۱۸۰ روز تا ۱۴۴۰ روز تعیین گردیده است که در واقع از سیستم نوع اول (سیستم حداقل و حداکثر) تبعیت می‌کند.

نحوه اطلاع از میزان درآمد روزانه مجرم، علاوه بر ملاقات خصوصی با مجرم، از طریق منابع اطلاعاتی دیگر مثلاً با تحقیق در محل کار یا اداره مجرم (در صورتیکه کارمند اداره‌ای باشد) یا ملاحظه فیش حقوقی ایشان یا تحقیق در محل سکونت ایشان می‌باشد.

برای اعمال و اجرای جریمه روزانه به عنوان یکی از جایگزین‌های موثر مجازات حبس، دادگاه مکلف به رعایت یکسری شرایط و مقرراتی می‌باشد که از جمله آنها عبارتند از:

۱- در نظر گرفتن میزان درآمد محکوم علیه و هزینه‌های زندگی وی.

۲- تعیین جریمه نقدی روزانه با در نظر گرفتن شدت و نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن و سایر موارد مصرح قانونی از سوی دادگاه.

۳- محکوم علیه می‌بایست در مدت زمان تعیین شده در حکم، اقساط جریمه را بپردازد. چنانچه محکوم علیه نتواند در روزهای تعیین شده اقساط جریمه را بپردازد، با انقضای مدت معینه، اقساط جریمه حال شده و در صورتی که محکوم قادر به پرداخت مبلغ جریمه حال شده نیز نباشد، به حبس اعزام می‌شود. البته در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، ضمانت اجرای عدم پرداخت جزای نقدی روزانه را در همان قانون معین نکرده است. لکن با وحدت ملاک از قوانین دیگر که در خصوص عجز از پرداخت جزای نقدی تعیین تکلیف کرده است، می‌توان در این خصوص نیز استفاده کرد. که از جمله آن ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی می‌باشد که مقرر می‌دارد که در صورت عدم پرداخت جزای نقدی به وسیله محکوم علیه و یافت نشدن مالی غیر از مستثنیات دین از او، به موجب حکم دادگاه صادر کننده حکم به ازای هر پنجاه هزارریال یک روز بازداشت می‌شود. نکته دیگری که در خصوص جریمه روزانه قابل ذکر است این است که پرداخت جریمه نقدی روزانه با نظارت اجرای احکام می‌باشد و لذا نه تنها صدور حکم و تعیین میزان جریمه روزانه یک امر قضایی محسوب می‌باشد، بلکه اجرای حکم نیز با نظارت مقام قضایی می‌باشد. البته اجرای مجازات جزای نقدی روزانه با

مشکلاتی روبرو می‌باشد و مهمترین مشکل آن تعیین درآمد روزانه فرد از سوی دادگاه می‌باشد که به نظر می‌رسد، در صورت لزوم نیازمند ارجاع امر به کارشناس می‌باشد. البته میزان درآمد فرد یا در حکم دادگاه قید می‌شود. مثلاً قید می‌شود درآمد روزانه فرد بیست هزار تومان می‌باشد و لذا یک چهارم مبلغ فوق به مدت ۱۸۰ روز به عنوان جزای نقدی روزانه مورد حکم قرار می‌گیرد و یا اینکه به صورت کلی در حکم قید می‌شود و تعیین میزان درآمد روزانه توسط اجرای احکام انجام شود و البته با توجه به نص قانون که عنوان داشته که وصول مبلغ فوق الذکر با نظارت اجرای احکام می‌باشد، نظر اول بیشتر تقویت می‌شود.

البته مشکل دیگر در خصوص جریمه روزانه این است که تعیین جریمه بر اساس درآمد هر روز فرد، کاری مشکل است و حجم بسیاری از نیرو و امکانات را می‌طلبد چرا که در پایان هر روز می‌بایست درآمد آن روز فرد محاسبه شود و چه بسا که برای فردی که شغل ثابتی ندارد و هر روز درآمد ایشان متفاوت با روزهای دیگر باشد که البته حداکثر میزان درآمد روزانه یک فرد ثابت می‌باشد و برای حل مشکل فوق نیز می‌توان یک میانگین یا معدل در نظر گرفته شود. به هر حال تحقیقات بعمل آمده نشان داده است که میزان تکرار جرم افرادی که به یک مجازات مالی (مانند جریمه نقدی روزانه) محکوم شده‌اند نسبت به افرادی که به حبس محکوم شده‌اند کمتر می‌باشد. و همچنین این مجازات می‌تواند جریمه نقدی را به طور روزانه برآورد کند، مجازات را با یک میانگین ۲۵ درصد بیشتری از نظام پیشین ( جزای نقدی مقطوع یا ثابت) تحمیل کند. جریمه ها را با میزان بیشتری از نظام پیشین گردآوری کند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۸۹).

#### ۴-۲-۲-۲-۲ خدمات عمومی رایگان

همچنین من باب خدمات عمومی رایگان یا خدمات عام المنفعه میتوان گفت که در حقوق کیفری اکثر کشورها به عنوان یک مجازات مستقل پذیرفته شده است. این کیفر نه تنها فاقد معایب و اثرات سوء زندان می‌باشد، بلکه باعث رونق و رشد وضعیت اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و تربیتی جامعه می‌شود. انجام خدمات عمومی (کار) از

سوی محکوم علیه مترادف با بیکاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، بهره گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد آورده‌اند، است (بخش توجیهی مواد لایحه مجازات‌های اجتماعی، ۱۳۸۳، به نقل از: حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴).

مجازات خدمات عمومی یا کار عام المنفعه به عنوان یکی از جایگزین نوین حبس و مجازاتی مستقل در حقوق کیفری کشورها جای گرفت و اهداف و فواید زیادی را به دنبال داشته است. و از جمله این اهداف، شامل باز یکپارچه‌گی اجتماعی مجرم از طریق اولاً اجرای هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان و ثانیاً تضمین لازم جهت جبران خسارت و ترمیم اجتماعی با انجام کار بوسیله مجرم (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۲۷؛ نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۳).

جلوگیری از آثار زیانبار و مخربی که مجازات حبس از نظر روانی و اجتماعی و اقتصادی بر مجرم و خانواده ایشان و جامعه داشته است، ضرورت استفاده از این مجازات را بیش از پیش توجیه می نماید. در واقع این مجازات نه تنها باری بر دوش جامعه نبوده و هزینه‌ای در بر نداشته بلکه از مشکلات جامعه کاسته و یک منبع درآمدی برای جامعه می‌باشد تا بدین وسیله یک نیروی انسانی فعال دچار خمود و سستی نشده و از تمام ظرفیت و پتانسیل خود در جهت رفاه افراد جامعه و نیز خانواده خود استفاده کند.

مجازات خدمات عمومی با همه مزایا و امتیازاتی که نسبت به مجازات حبس و سایر مجازات‌های جایگزین دارد اما قلمرو اعمال آن را نمی‌توان بسیار گسترده و بی حد و مرز دانست. در واقع این خصیصه مشترک تمام مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد که در همه جرایم قابل اعمال نیستند. در خصوص جرایم مهم و خشونت بار اعمال جایگزین‌های حبس نه تنها مفید فایده نخواهد بود بلکه نتیجه معکوس داشته و آن انتظاری که از اعمال این مجازات‌ها می‌رود، جامعه عمل نخواهد پوشید، مجرمی می‌تواند بدون مجازات در محیط بسته و تحت کمترین



تدابیر امنیتی که محافظت از جامعه را در قبال مجرم برعهده دارد، مجازات شود که هنوز درجه‌ای از مطابقت با محیط اجتماع و ارزش‌ها و هنجارهای موجود در آن را داشته باشد.

روشن است که هیچ نظام کیفری را نمی‌توان یافت که به فرد محکوم شده به چند فقره قتل همراه با تجاوزجنسی اجازه دهد که حتی تحت تدابیر امنیتی در جامعه آزادانه بگردد. حتی اگر حاضر به ارائه خدمات عمومی شده باشد (میرشمس شهشهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸).

برخی کشورها، جانشین‌های جداگانه‌ای را برای مجازات زندان افراد بالاتر و پایین‌تر از ۱۸ سال در نظر گرفته‌اند. برای نمونه می‌توان از انگلستان و ولز یاد کرد که جانشین‌های زندان را برای افراد بالای ۱۸ سال به ۵ دسته تقسیم کرده است :

۱- بازپروری اجتماعی

۲- قرار مجازات اجتماعی (انجام خدمات عمومی)

۳- قرار بازپروری همراه با انجام خدمات عمومی (ترکیبی از دو مورد نخست)

۴- تحت نظر قرار گرفتن بهره‌ور آزادی مشروط یا فردی که تازه از زندان آزاد شده و قرار درمان و آزمایش اعتیاد

و جانشین‌های زندان در نظر گرفته برای مجازات افراد زیر ۱۸ سال عبارتند از :

برنامه نظارت فشرده، قرارهای نظارتی، قرار بازسازی یا بازپرداخت اجتماعی و... (میرشمس شهشهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹).

مجازات خدمات عمومی نیز مانند سایر جایگزین‌های حبس در مورد جرایم کوچک و متوسط قابل اجرا می‌باشد و در مورد جرایم مهم معمولاً حکم به خدمات عمومی داده نمی‌شود. و در مورد رده‌های سنی محکومینی که

مستحق برخورداری از این مجازات جایگزین می‌باشند باید گفت که در رده‌های سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان اجرا می‌شود و در مورد اطفال باید گفت که این مجازات نسبت به آنها فقط از سن ۱۶ تا ۱۸ سال به لحاظ ملاحظات حقوق بشری نیز اجرا می‌شود اما مدت آن از ۲۰ تا ۱۲۰ ساعت در طول حداقل یکسال کاهش می‌یابد (پی نادل، ۱۳۶۵، ص ۱۸۹).

یکی از حقوقدانان در خصوص قلمرو خدمات عمومی معتقد است: «در مورد قلمرو کار عام‌المنفعه، یادآوری این مطلب ضروری است که چنانچه موضوع حکم صادره جریمه نقدی باشد، در صورت ناتوانی محکوم از پرداخت آن، در نتیجه اعزام او به زندان می‌توان از کار عام‌المنفعه به عنوان جایگزین زندان استفاده کرد. اما تحمیل کار عام‌المنفعه به عنوان جایگزین مستقیم برای جریمه نقدی مجاز نیست. زیرا، جزای نقدی خود به عنوان جایگزینی برای مجازات زندان استفاده می‌شود. بدین ترتیب کار عام‌المنفعه تنها در صورتی باید مورد حکم قرار گیرد که کاملاً مشخص شود متهم در وضعیتی نیست که بتواند مبلغ جریمه را بپردازد. چنانچه متهم توانایی پرداخت جریمه را داشته باشد نباید حکم به خدمات عمومی داد (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱).

مجرمانی که برای اجرای خدمات عمومی گماشته می‌شوند می‌توانند مرد، زن، شاغل یا غیرشاغل و دارای پیشینه‌های بومی و فرهنگی متفاوتی باشند. برخی از آنها برای بار نخست مرتکب جرم شده‌اند و برخی مرتکب جرم‌های جزئی‌اند یا فقط از پرداخت مجازات مالی خود ناتوان هستند (میرشمس شهشهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲).

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مانند دو مواد سایر موارد جایگزین‌های حبس ذکر شده در قانون، در چهار مورد جرایم را تقسیم بندی نموده‌اند و در خصوص نوع و میزان مجازات قانونی جرایم مشمول، به ماده ۸۳ در بحث تعلیق مراقبتی ارجاع داده‌اند. بدین ترتیب که:

۱- جرایم موضوع بند ۱ ماده ۸۲ که مجازات قانونی آن حداکثر سه ماه حبس است، تا ۲۷۰ ساعت

۲- جرایم موضوع بند ۲ ماده ۸۲ که مجازات قانونی آن ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، ۲۷۰ تا ۵۴۰ ساعت.

۳- جرایم موضوع بند ۳ ماده ۸۲ که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است ۵۴۰ تا ۱۰۸ ساعت.

۴- جرایم موضوع بند ۴ ماده ۸۲ که شامل جرایم غیر عمدی می باشد که مجازات قانونی آنها بیش از یکسال حبس است. ۱۰۸۰ تا ۲۱۶۰ ساعت خدمات عمومی رایگان (کار عام المنفعه) می باشد.

لذا نوع مجازات هایی که می توانند مشمول مجازات خدمات عمومی شوند، از نوع مجازات های تعزیری و بازدارنده می باشند و به نظر می رسد که احکام فوق شامل حدود و قصاص و دیات نمی شود.

ماده ۱۶ لایحه قانون مجازات های اجتماعی مقرر داشته که «...دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و مهارت شخص به انجام خدمات عمومی حکم می دهد». در تبصره ۶ ماده مذکور عنوان داشته که «حکم انجام خدمات عمومی در مورد اشخاص زیر ۱۵ سال ممنوع است». در حالیکه قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ چنین صراحتی در مواد قانونی در مورد اطفال به چشم نمی خورد و بهتر بود که این تصریح قانونی در قانون مجازات اسلامی نیز پیش بینی شده بود.

برای صدور حکم به مجازات خدمات عمومی و نحوه اجرای آن شرایط و مقرراتی در نظر گرفته شده است که چهارچوب این شرایط در اغلب کشورهای جهان مشترک و یکسان است. این شرایط عبارتند از :

۱- پیش از صدور حکم محکومیت به انجام کار عام المنفعه، قاضی رسیدگی کننده به پرونده باید به دقت الزامات خدمات عمومی و به طور کلی ماهیت و چگونگی این تدبیر جایگزین را برای متهم تشریح کند و رضایت متهم را مدنظر قرار دهد و در صورت عدم رضایت متهم از صدور حکم به انجام کار عام المنفعه پرهیز شود. لذا

به عنوان یک قاعده کلی رضایت مجرم و توانایی او به انجام کار، شرط ضروری است و در صورت عدم رضایت او، دادگاه او را به زندان یا تدبیر جانشین مناسب دیگر محکوم خواهد کرد.

۲- قبل از محکوم کردن متهم به انجام خدمات عمومی، تمایل و توانایی موسسه محل انجام کار به پذیرش مجرم باید اثبات شود و از معرفی محکوم به موسسه‌هایی که بیش از نیاز واقعی خود محکوم پذیرفته‌اند و یا با وجود امکان کار، از پذیرش مجرمان خودداری می‌کنند، پرهیز شود.

۳- پرونده شخصیت درباره محکوم علیه تشکیل شود چرا که قاضی تا پیش از محکوم کردن متهم به انجام کارهای عام المنفعه، باید اطلاعات‌هایی را درباره پیشینه و وضعیت متهم به دست آورد. این اطلاعات را باید مامور تحقیق تهیه کند. دادستان نیز می‌تواند از مامور تحقیق تهیه اطلاعات بیشتری را درخواست کند. در نقاطی که مامور ویژه خدمات عمومی در دسترس باشد از او نیز در امر تحقیقات درخواست همکاری خواهد شد (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۲۱).

البته لازم به ذکر می‌باشد که تشکیل پرونده شخصیت تنها اختصاص به مجازات خدمات عمومی ندارد. بلکه در سایر مجازات‌های اجتماعی نیز لازم است. چراکه یکی از ویژگی‌های برنامه‌های جایگزین مجازات حبس، رعایت اصل فردی کردن مجازات است و رعایت این اصل مستلزم تشکیل و تکمیل پرونده شخصیت می‌باشد.

۴- اجرای مجازات خدمات عمومی مستلزم آگاهی و مشارکت نهادها و موسسات مختلف قضایی و محلی، مردم و نهادهای دولتی می‌باشد. بنابراین این مجازات، نمادی بارز از سیاست جنایی مشارکتی است زیرا اجرای فعال و موثر خدمات عمومی و اصلاح و درمان مجرمان مستلزم مشارکت مردم و نهادهای مدنی و آموزش و تبلیغات گسترده از طریق رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های قضایی و غیره می‌باشد. نهادهایی که ممکن است محکومان را در اختیار بگیرند: اعم از مراکز دولتی (از قبیل مدرسه، بیمارستان، مراکز خدمات درمانی) و سایر سازمان

های غیردولتی ( از قبیل انجمن خیریه، کمیته امداد، انجمن کمک به بیماران سرطانی، انجمن بیماری های هموفیلی) می باشد.

۵- اجرای موفقیت آمیز مجازات خدمات عمومی نیازمند وجود افراد متخصص و مجرب می باشد که یا به صورت اشخاص حقیقی می باشد و یا نهادهایی که مسئول اجرای این مجازات می باشد (اشخاص حقوقی) (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۹).

۶- دادگاه باید ساعت و مدت زمانی را که محکوم علیه باید به انجام خدمات عمومی بپردازد مشخص نماید. مدت مذکور متناسب با شدت و نوع جرم ارتكابی می باشد و شیوه معمول برای تعیین اهمیت و شدت جرم، مجازات قانونی آن جرم می باشد. مثلاً فرانسه برای جرایمی که مجازات قانونی آن تا یکسال حبس می باشد. مدت انجام کار عمومی ۱۸ ماه و بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت می باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۲).

در کشور اوگاندا چارچوب زمانی کار عام المنفعه به نسبت مدت محکومیت حبس می باشد. مثلاً یک تا سه ماه حبس، برابر با ۳۵ تا ۱۰۵ ساعت کار و ۹ تا ۱۲ ماه زندان برابر با ۳۱۵ تا ۴۲۰ ساعت کار (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۲۴).

در قانون مجازات اسلامی بر اساس مجازات قانونی جرایم و نوع آن (عمدی یا غیرعمدی) بودن، ساعات مجازات خدمات عمومی متفاوت می باشد.

۷- در صورت شاغل بودن محکوم باید مراقب بود که کار عام المنفعه باعث از دست دادن شغل او نشود زیرا در غیر این صورت یکی از اهداف مجازات خدمات عمومی که بازسازی اجتماعی مجرم است، عقیم خواهد ماند. در چنین موارد کار عام المنفعه می بایست پس از ساعات کار یا در آخر هفته مورد حکم قرار گیرد تا تداخل پیدا نشود چنانچه مجرم در طول مدت انجام خدمات عمومی کاری پیدا کند با توجه به کار جدید محکوم، می بایست حکم خدمات عمومی تغییر پیدا کرده و مورد تجدیدنظر واقع شود.

۸- در جریان اجرای حکم خدمات عمومی چنانچه محکوم شرایط مندرج در حکم را نقض کند به دادگاه صادرکننده حکم بازگردانده می‌شود تا دلیل ناکامی او را در اجرای حکم بررسی شود و چنانچه ادله ارائه شده از سوی محکوم موجه نباشد، قاضی می‌تواند محکوم را روانه زندان کند(آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۳۲).

۹- از آنجا که حکم به خدمات عمومی نیازمند رضایت محکوم علیه می‌باشد، لذا صدور حکم به صورت حضوری می‌باشد و با حضور متهم در جلسه دادگاه قاضی پس از تفهیم حق رد انجام خدمات عمومی به وی در صورت موافقت صریح او با این کیفر به صدور حکم خدمات عمومی مبادرت می‌ورزد. در غیر این صورت قاضی کیفر حبس صادر می‌کند(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۳).

در تبصره ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ شرایط اعمال و اجرای مجازات خدمات عمومی رایگان قید شده است که عبارتند از :

تبصره ۱: ساعت ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل بیش از ۴ ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از ۸ ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف گردد.

تبصره ۲: حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.

تبصره ۳: دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آئین نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.

تبصره ۴ : قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا ۳ ماه در طول دوره تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادر کننده حکم پیشنهاد دهد.

لذا در جمع بندی مطالب فوق الذکر، باید گفت که خدمات عمومی رایگان یا کار عام المنفعه یکی از مجازات های جایگزین مفید و موثر برای مجازات حبس می باشد. و نسبت به جایگزین های دیگر از امتیازاتی برخوردار می باشد. علاوه بر فقدان آثار زیانبار مجازات حبس، نسبت به سایر مجازات های جایگزین مثل جزای نقدی، جزای نقدی روزانه یا محرومیت از حقوق اجتماعی از موقعیتی ویژه برخوردار می باشد. چرا که در بحث محرومیت از حقوق اجتماعی در واقع مجرم یا محکوم را به نوعی از اجتماع جدا می سازیم و از بودن در کنار سایر افراد او را به نحوی از انحاء محروم می نماییم. و لذا فرد مجرم دچار مشکلات روحی و روانی گردیده و در واقع لکه ننگ ارتکاب جرم و مجازات بر پیشانی او حک می شود. هرچند که این مجازات (محرومیت از حقوق اجتماعی) نسبت به مجازات حبس، بسیار ارزشمندتر و موثرتر می باشد. در خصوص جزای نقدی و جزای نقدی روزانه نیز هرچند که دارای مشکلات و معضلات مجازات حبس و برخی ایرادات وارده به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی نمی باشد و برای جامعه نیز تا حدودی سودآور می باشد اما آن اثر تنبیهی و ارعابی که از یک مجازات انتظار می رود و نیز اثر اصلاحی مجازات، در این مورد کمرنگ تر می باشد چرا که فرد غنی و دارا که از پرداخت جزای نقدی ولو به مقادیر بسیار زیاد احساس کمترین معضل و خللی را نداشته و فرد فقیر و ندار نیز به لحاظ ناتوانی در پرداخت جزای نقدی می بایست روانه زندان شود و اصل تساوی مجازات ها نیز زیر سوال می رود لکن در مورد مجازات خدمات عمومی نه تنها برای جامعه سودآور بوده و یک نیروی کار رایگان در اختیار اقتصاد جامعه قرار می گیرد، بلکه مهمتر از آن آثار اصلاحی آن بر روی خود فرد مجرم است که موجبات بازگشت او را به اجتماع و در میان قلب جامعه فراهم می آورد. چرا که فرد مجرم نه تنها خود را از جامعه جدا ندانسته بلکه به عنوان فردی از افراد جامعه که تفاوتی با سایر افراد ندارد، به کار و فعالیت مشغول می شود و سایر افراد جامعه نیز دید متفاوتی نسبت به ایشان ندارند. با این حال صرف بحث های تئوری و نظری در این زمینه کفایت نمی کند بلکه عملی کردن این تئوری ها و برنامه ها و طرح ها نیازمند یکسری مقدماتی می باشد که در قسمت های قبل به صورت پراکنده بیان گردیده و از جمله بسترسازی های قانونی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و مردمی باشد که بدو

می‌بایست یک متن قانونی کامل و جامع صریح و روشن داشته باشیم و سپس با مشارکت نهادهای اجتماعی، دستگاه قضایی و نهادهای مردمی و همه افراد جامعه و ایجاد امکانات و تشکیلات لازم به اجرای مؤثر این برنامه‌ها جامعه عمل بپوشانیم.

### ۳-۲ پیشینه حبس در ایران و کشورهای دیگر

در ایران پیش از اسلام، حبس و محبس از جایگاه خاصی برخوردار نبودند و «مجازات محکومان» دارای معنای حقوقی و یا سیاسی ویژه‌ای نبود. هرچند که منابع و متون تاریخی از حبس شاهزادگان و مدعیان تاج و تخت و همچنین مخالفان حکومتی حکایت می‌کند که می‌توان دست‌گیری و حبس پیروان فرقه‌های دینی مانوی و مزدکی در دوران ساسانیان را از مصادیق وجودی این گونه محیط‌ها برشمرد. در دوران اسلامی و در زمان پیامبر(ص) و خلفای راشدین نیز، محبس و حبس دارای جنبه کیفری نبودند، هرچند که در کتاب و سنت، از مشروعیت حبس، محبس و محبوس به کرات یاد شده است. (صاحبی، لطفی، ۸۹، ص ۱). اما دوران خلافت بنی‌امیه را باید آغاز خروج جایگاه حبس و محبس از مسیر اصلی آن دانست که عملاً به محل آزار و شکنجه مخالفان حکومت‌ها و مجرمان تبدیل شد. از آن پس، جنبه‌های تربیتی، تادیبی و اصلاحی محبس نادیده گرفته شد و در تمام دوران عباسی این وضعیت ادامه یافت. گسترش تعداد زندان‌ها به معنای بهبود وضعیت داخلی آن‌ها شمرده نمی‌شد، و علاوه بر رنج و سختی‌های ناشی از شکنجه‌های محیط محبس باید از نامناسب بودن شرایط زیستی آن غافل نبود. در این بین، اقداماتی محدود در راستای بهبود وضعیت دل‌خراش محبس‌ها، توسط برخی از دولت‌مردان صورت گرفت که تنها برای مدتی کوتاه به تسکین سختی محیط‌های حبس و محبس‌های قرون نخستین اسلامی انجامید (صاحبی، لطفی، ۸۹، ص ۱).

با اینکه راجع به وضع زندانهای ایران در دوران باستان اسناد و مدارکی در دست نیست؛ اما آنچه مسلم است در قلعه‌ها، زندانهایی بنا می‌شد و پادشاهان و حکمرانان، مخالفان خود را در آنجا زندانی و سپس به وضع فجیع از



بین می‌بردند. حبس جزء مجازات نبود بلکه وسیله‌ای برای از میان بردن بی سر و صدای اشخاص بلند مرتبه‌ای بود که وجودشان برای کشور و یا پادشاه خطر داشت. پس از فتح مسلمانان نیز هر حاکم و صاحب نفوذ در حوزه قدرت خود، محلی را برای حبس کردن افراد بنا نموده و متهمان را در آنجا نگهداری میکرد. زندانیان وضع رقت باری داشتند. قدیمی‌ترین زندان بزرگ در تهران، زندانی به نام انبار شاهی بود که زیر نظر حاجب الدوله (رئیس تشریفات) اداره میشد. غذای زندانیان بسیار ناچیز بود. مردم به عنوان نذر، گاهی از سوراخ زندان غذا و خوراکی برای زندانیان می‌انداختند. اصلاح سر و صورت، حمام و نظافت وجود نداشت. زندانیان ده الی چهارده نفری به وسیله زنجیری که دارای طوق‌های متعدد آهنی بود به هم متصل می‌شدند و انتهای زنجیر را از سوراخ درب اطاق زندان به خارج برده و به وسیله میخ آهنی بزرگی مانند افسار به زمین می‌کوبیدند. در سال ۱۲۹۲ شمسی، دولت ایران به منظور سروسامان دادن به وضع نظمیه کشور، عده‌ای مستشار از کشور سوئد استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظام نامه محابس (آئین نامه زندانها) را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیئت دولت رسید. در این آئین نامه، زجر بدنی و زنجیر کردن زندانیان ممنوع گردید. در دوره سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی وقت، نظامنامه تشکیلات محابس و توقیف‌گاهها و وظایف مأموران و مستخدمان آنها تهیه و در ۳۱ شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی به تصویب هیئت وزیران رسید. در همان سال، نظامنامه (آئین نامه) اجرای حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذارده شد. در سال ۱۳۰۸ شمسی، اولین زندان ایران (زندان قصر) جهت نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ تحت تأثیر علل ناشی از جنگ جهانی دوم، به تعداد بزهکاران ایران مانند اکثر کشورهای جهان افزوده شد و زندانها را با کمبود جا مواجه ساخت. در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۷ اولین آئین نامه زندانها با توجه به اصول علم زندانها به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴ آئین نامه مذکور اصلاح شد؛ لکن به علت عدم امکانات، اکثر مفاد آن اجرا نگردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ تغییرات اساسی در ایران به وجود آمد. از جمله آن تغییرها، تغییر در زندانهای کشور بود، در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ آیین‌نامه زندانها تحت عنوان آیین‌نامه امور زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

جمهوری اسلامی ایران در جلسه ۲۳۷ شورای عالی قضایی تصویب و به مورد اجرا گذارده شد و تاکنون نیز باقی است (دانش، ۱۳۶۸، صص ۱۴۸-۱۵۲).

در اروپا در زمان‌های گذشته زندان محلی بوده که متهم را در آنجا نگهداری می‌کردند تا در روز دادرسی در دادگاه آنها را حاضر کنند. معمولاً زندان‌ها در زیر قصرها یا در قلاع بنا می‌شد و جایی تاریک و ناسالم بود. زندانیان وضع تاجر انگیز داشته و اکثراً محکومان در زندان‌ها جان می‌سپردند. روحانیون مذهب مسیح، اولین کسانی بودند که با ابراز تنفر از خونریزی، خواستار تعدیل مجازات شده و مجازات حبس را به جای کیفر اعدام توصیه کردند و برای اصلاح و تربیت زندانیان اقدام و از زندان‌ها بازدید به عمل آوردند. در سال ۸۱۷ میلادی در مجمع روحانیون مسیحی در روم، مقررات مربوط به اداره زندان‌ها تصویب و تاکید شد که زندان‌ها باید جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشند و برای نیل به این هدف، زندانیان باید به روش انفرادی نگهداری شده و به آنان کار دستی آموخته شود. اجازه خواندن کتب مذهبی را داشته باشند و روحانیون در زندان‌ها، زندانیان را ملاقات و با نصایح سودمند آنان را به راه راست هدایت کنند. در اجرای تصمیمات مذکور در همان سال اولین زندان به روش انفرادی در روم بنا شد. در سال ۱۲۶۶ میلادی مجمع عمومی روحانیون مسیحی به عنوان اینکه در روش انفرادی زندانی فرصت تامل و تفکر را دارد و از تنهایی زجر کشیده و از عمل خود نادم و پشیمان می‌شود و با تحمل مشقت روانش پاک و منزه می‌شود اجرای روش مذکور را تایید و تغییر نام زندان‌ها به ندامتگاه را تایید کردند. (بی‌نا، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

در سال ۱۵۷۷ در لندن قصر متروکی به نام بریدول برای نگهداری ولگردان اختصاص یافت. در این زندان کار الزامی و روش‌های تربیتی در مورد محکومان اجرا می‌شد. در سال ۱۵۹۹ در آمستردام، زندان خاصی جهت آموزش کار و تربیت مذهبی زندانیان افتتاح و از سال ۱۶۰۵ در این زندان روش انفرادی اجرا شد. در سال ۱۶۲۳ در ناپل زندانی برای تفکیک زنان از مردان، اطفال از بزرگسالان به روش انفرادی بنا شد. در سال ۱۶۶۷ در فلورانس دارالتادیبی جهت تربیت جوانان تاسیس شد. در سال ۱۷۰۳ در رم به امر پاپ کلمان پنجم زندانی برای

جوانان به روش انفرادی به نام سن میشل بنا شد که این جمله بر سر در آن حک شده است؛ تنبیه بزهکاران با مجازات بی فایده است باید با روش خاص آنان را تربیت کرد. در این زندان، جوانان پسر کمتر از ۲۰ سال و اطفال طرد شده و در خطر، به روش انفرادی توأم با کار نگهداری می‌شدند. در سال ۱۷۳۵ زندانی جهت نگهداری زنان به روش انفرادی در رم افتتاح شد. در سال ۱۷۸۷ در امریکا بنجامین فرانکلین که به اروپا مسافرت کرده و با افکار و عقاید هوارد و بنتام آشنا شده بود انجمن زندان‌ها را تشکیل داد و در سال ۱۷۹۰ در فیلادلفیا (ایالت پنسیلوانیا امریکا) اولین زندان انفرادی را بنا کرد. در سال ۱۷۹۷ در انگلستان اولین زندان به روش انفرادی افتتاح شد. اجرای روش انفرادی نتایج تاسف برانگیز داشت و اغلب زندانیان پس از تحمل چند سال مجازات، مبتلا به بیماری‌های روانی شدند. در سال ۱۸۱۶ در ایالت نیویورک زندان ابرن افتتاح شد و زندانیان روزها دسته جمعی با هم کار می‌کردند ولی حق حرف زدن با یکدیگر را نداشتند و شب‌ها را در انفرادی به سر می‌بردند. در سال ۱۸۱۵ در زندان سینگ روش ابرن (رژیم مختلط) اجرا شد. زندانیان روزها با هم کار می‌کردند و شب‌ها به طور انفرادی نگهداری می‌شدند. در فرانسه با تصویب قانون ۶ اکتبر ۱۷۹۱ مجازات حبس در سر ردیف سایر مجازات‌ها قرار گرفت و در قانون جزای ۱۸۱۰ سه نوع زندان با اعمال شاقه، دارالتادیب و بازداشتگاه پیش بینی شد ولی عملاً زندانیان و بازداشتی‌ها در یک زندان نگهداری می‌شدند. در سال ۱۸۴۰ در یک جزیره استرالیا، روش تدریجی در مورد تبعیدشدگان اجرا شد (seemorgh.com/culture، ۱۳۹۹).

در اروپای پیش از قرن نوزدهم، اثر چندانی از زندان به چشم نمی‌خورد. به ندرت برای کیفر دادن مجرم از زندان استفاده می‌شود. با این وجود، زندان به عنوان اقامتگاه اجباری بود برای آدم‌هایی که به هر دلیل نباید در جامعه حضور داشته باشند، فوکو می‌گوید: در ابتدای قرون وسطی تا پایان جنگ‌های صلیبی، وسعت قلمرو ملعون جذام خانه‌ها در سراسر اروپا چندین برابر شده بود، به قول متیو پاری در کل قلمرو مسیحیت ۱۵ هزار جذام‌خانه وجود داشت (ولیان، بی‌تا، ۷) فرآیند نگهداری جذامیان در جذام‌خانه‌ها در برخی کشورها تا پایان قرن هفدهم ادامه یافت، تا آنکه کم‌کم به طور شگفت‌انگیزی به ریشه‌کن شدن جذام انجامید. بی‌شک ریشه‌کن شدن جذام نه

حاصل روش‌های سنتی درمانی که حاصل تفکیک جذامیان و قطع ارتباط با کانون‌های عفونی جذام در مشرق زمین بعد از جنگ‌های صلیبی بود.

به هر حال نباید از نظر دور داشت در همین دوره همه شهرهای کوچک و بزرگ اروپا یک زندان محلی داشتند اما این زندان‌ها معمولاً بسیار کوچک بودند و نمی‌توانستند به طور همزمان بیشتر از سه یا چهار زندانی را نگهداری کنند. شب‌ها افراد مست را در آن نگه می‌داشتند تا مستی از سرشان بپرد. یا گهگاه به عنوان جایی که افراد متهم در انتظار محاکمه به سر می‌بردند، از آن استفاده می‌کردند. در شهرهای بزرگ‌تر اروپایی، زندان‌های نسبتاً بزرگ وجود داشتند. بیشتر افراد که وارد این زندان‌ها می‌شدند، جنایتکاران محکوم به مرگ بودند که در انتظار اعدام به سر می‌بردند. این موسسات با زندان‌هایی که از ابتدای قرن نوزدهم به بعد ساخته شدند، بسیار متفاوت بودند. وقتی جذام مدفون شد، جنون سر برآورد. جنون در چشم‌انداز اجتماع اروپایی چهره‌ی کاملاً آشنا داشت. انجمن‌های قدیمی دیوانگان، جشن‌ها، اجتماعات و سخنرانی‌ها لذتی تازه به افراد می‌داد. جامعه در ابتدای قرن هفدهم به نحو شگفت‌آوری پذیرای جنون بود. جنون در این جامعه در قلب اشیاء و انسان‌ها حضور داشت. نشانه‌ای ریشخند آمیز بود که معیارهای تشخیص حقیقت و وهم را در هم می‌ریخت و دیگر همچون گذشته تهدیدی تراژیک نبود؛ حیاتی بود که بیش از آنکه نگران‌کننده باشد آشفته بود، جنب و جوش مضحکی در جامعه بود و از تحرک خود خبر می‌داد. (ولیان، بی تا، ۷)

در طول قرن هفدهم، در سراسر اروپا مراکز وسیع اقامت اجباری تاسیس شد و شاید در عرض چند ماه از هر صد نفر ساکن پاریس یک نفر در آنجا محبوس شدند. می‌دانیم که قدرت مطلقه، احکام سلطنتی دایر بر حبس و تبعید را صادر می‌کرد و افراد را بی محاکمه و دلبخواهی در بند می‌کرد، ولی شاید ندانیم که این اعمال مبتنی بر کدام بینش حقوقی بود. از زمان پینل توک و واگنیتس دریافتیم دیوانگان یک قرن و نیم دربند بودند، تا آنکه روزی آنان را در تالارهای بیمارستان عمومی و سیاه چال‌های محبس یافتند و دانستند مدت‌ها با افراد محکوم به اقامت در موسسات کار اجباری انگلیس و آلمان آمیخته بودند. اما هیچ‌گاه نه موقعیت و جایگاه اجتماعی‌شان

به روشنی مشخص شد و نه اینکه چرا جامعه آن زمان میان فقرا، بیکاران، مجرمان و دیوانگان نزدیکی قائل بود. به گفته گیدنز: خاستگاه زندان‌های امروزی اروپا، نه زندان‌ها و سیاه‌چال‌های پیشین بلکه در خانه‌های کاری است که به آن بیمارستان هم می‌گفتند. خانه‌های کار در بیشتر کشورهای اروپایی از قرن هفدهم پدید آمد؛ دوره‌ای که فئودالیسم در حال فروپاشی بود و بسیاری از دهقانان نمی‌توانستند روی زمین کار پیدا کنند بنابراین آواره و سرگردان می‌شدند. در خانه‌های کار به آنها غذا داده می‌شد. آنها مجبور بودند بیشتر وقت خود را در این موسسات بگذرانند و سخت کار کنند. اما خانه‌های کار علاوه بر این به صورت مکان‌هایی درآمدی که گروه‌هایی دیگر نیز چنانچه کسی حاضر نبود از آنان مراقبت کند، وارد آن می‌شدند؛ بیماران، سالمندان، افراد عقب مانده و بیماران روانی. در این مراکز فقرا با هر جنسیت، سن و از هر مکان و منشاء اجتماعی و طبقاتی و در هر وضعیتی پذیرفته می‌شدند. این مراکز هم کسانی را که به میل خود می‌آمدند و هم آنانی را که به موجب حکم سلطنتی یا قضایی فرستاده می‌شدند، می‌پذیرفتند و به آنان جا و غذا می‌دادند. فوکو می‌گوید: از ابتدای امر روشن بود که این بیمارستان‌های عمومی موسسه‌های پزشکی نیستند. این بیمارستان‌ها سازمانی شبه قضایی بودند؛ موسسه‌ای اداری که در کنار سایر قدرت‌های موجود و خارج از محاکم به تصمیم‌گیری، قضاوت و اجرای حکم می‌پرداخت. به این منظور در مریضخانه عمومی و اماکن متعلقه آن به درخواست روسا، چوبه دار، غل، محبس و سیاه‌چال در اختیارشان بود و هیچ اعتراضی نسبت به احکام صادره از جانب آنان برای محدوده داخل بیمارستان قابل سمع نبود (میشل فوکو، ۵۱). فرآیند تاسیس این مراکز در سراسر اروپا مشابه و همسان نبود. مثلاً در انگلستان نهادهای مخصوص برای نگهداری مساکین زودتر از فرانسه و آلمان تاسیس شد. قانونی که در سال ۱۵۷۵ به منظور مجازات ولگردان و کمک به فقرا تصویب شد، تاسیس دارالتادیب را به تعداد دست کم یک واحد برای هر استان مقرر می‌کرد. دارالتادیب‌ها و بیمارستان‌های عمومی تا مدت‌های مدید باز هم برای حبس بیکاران و آوارگان به کار رفت. هر بار که بحرانی بروز کرد، شمار فقرا رو به افزایش می‌رفت و این مراکز اجباری دست کم برای مدت طولانی بار اقتصادی نخست شان را باز می‌یافتند. فرآیند رشد جامعه و شکل‌گیری نهادهای تخصصی

در سایه دولت‌های ملی، کم‌کم اثرش را در حوزه جرم و مجازات هم بر جای گذاشت. طی قرن هجدهم در اروپا زندان‌ها، آسایشگاه‌ها و بیمارستان‌ها به تدریج از یکدیگر مجزا شدند. اصلاح‌گران با مجازات‌های قدیمی مخالفت کردند و محرومیت از آزادی را شیوه موقری برای مقابله با فعالیت‌های تبهکارانه دانستند. با توسعه حقوق آزادی فردی در چارچوب نظام سیاسی کلی جامعه، قتل به عنوان بزرگ‌ترین جرم شناخته شد، زیرا کشتن فردی دیگر در واقع حمله نهایی به حقوق فردی است. (همان منبع) از آنجا که تصور می‌شد زندان در آموختن عادت به انضباط و هم‌نوایی به مجرمان موثر است، اندیشه مجازات در برابر عموم رفته رفته از میان رفت. یکی از سرفصل‌های مهمی که در تاریخچه زندان به وقوع پیوست، احکامی بود که بین دوازدهم تا شانزدهم مارس ۱۷۹۰ در فرانسه صادر شد. در این احکام است که برای نخستین بار می‌توان پژوهش‌گر حقوق بشر را یافت؛ ظرف شش هفته پس از صدور این حکم، همه افرادی که در قلعه‌ها، مراکز مذهبی، محبس‌ها، بازداشتگاه‌های شهربانی یا هر زندان دیگری چه به موجب حکم سلطنتی و چه بر مبنای حکم ماموران قوه مجریه در بند هستند، آزاد می‌شوند، مگر آنکه محکوم شده باشند، یا حکم توقیف‌شان صادر شده باشد، یا در یکی از محاکم به دلیل ارتکاب جرم مهمی علیه ایشان دعوایی اقامه، یا حکم حبس صادر شده باشد، یا به دلیل جنون در محبس باشند (صادقی، بی تا)، بنابراین از آن پس اقامتگاه‌های اجباری به طور قطعی و همیشگی به مجرمان خاص و دیوانگان اختصاص یافت اگر چه برای دسته اخیر (دیوانگان) ترتیبات خاصی اتخاذ شد که در نهایت به تاسیس آسایشگاه‌های مخصوص دیوانگان منجر شد و دیوانگان به طور رسمی از شمول مجرمان خارج شدند. (همان)

#### ۴-۲ بازدارندگی مجازات و پیشگیری از جرم

بازدارندگی از لحاظ لغوی برگرفته از مصدر بازداشتن و به معنای منع کردن و جلوی کسی یا چیزی یا کاری را گرفتن (عمید، ۱۳۶۳، ص ۲۷۱) می‌باشد و معادل آن در زبان انگلیسی، واژه (Deterrence) است که در معنای بازداشت، منع (آریانپورکاشانی، ۱۳۸۸، ص ۵۸۶)، و ایجاد تردید از طریق ترس و تهدید (حییم، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵) تعریف شده است. این مفهوم، در معنای اصطلاحی خود در عرصه جرم‌شناسی عبارت است از هراس برآمده از مجازات

که سبب می‌گردد، مجرم بالفعلی که تحت مجازات واقع می‌شود و مجرمان بالقوه ای که شاهد اجرای آن نسبت به مرتکب هستند، از جرم دوری کنند، چرا که با سنجش بخردانه‌ی موقعیت، نتایج ناخوشایند حاصل از جرم را بر ثمرات مطلوب آن برتر می‌بینند. بدین سان بازدارندگی تأثیری است که بر اراده‌ی اشخاص اعمال می‌شود و این عامل تأثیرگذار، گاه خود عمل مجازات و گاه تصوّر آن است، تصوّری که با انتظار وقوع یک شر مشابه می‌شود (فریدمن، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

در مسیر بازدارندگی، جامعه با مجازات کردن مجرمان دستگیر شده به مجرمان احتمالی هشدار می‌دهد که فکر ارتکاب جرم را از سر بدر کنند، چرا که همین سرنوشت در انتظار آنان نیز خواهد بود و این همان معنا بازدارندگی عمومی است، که محصول طلایی پیشگیری از جرم را با خود به ارمغان دارد، به علاوه خود مجرم نیز با تحمّل مجازات متوجّه خواهد شد که هرگاه در آینده باز هم مرتکب جرم شود، همین سرنوشت شوم و حتی شدیدتر از آن در انتظار اوست (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

بازدارندگی یکی از اهداف مجازات است، هدف تقلیل گرایانه‌ای که از دیرباز و در قالب یک نظریه توانمند و در بطن مدل تنبیهی و در چهارچوب کارکرد فایده‌مند کیفر تکوین یافته و با نگرستن به افق‌های پیش رو، اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته‌ای تاریک و انتقام از مجرم (آن‌چنان که در رویکرد سزادهی مطرح است) بلکه با هدف ساختن آینده‌ای روشن لازم می‌انگارد، بدین سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه‌ی جرم است، یعنی استفاده از مجازات به عنوان بازدارنده‌ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه‌ی دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد (تبیث، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲). بدین معنا که بازدارندگی در رویکردی هنجار محور خواستار تقویت ارزش‌هایی معین است و در همین راستا در یک بخش به مجازات متوسّل شده و در بخش دیگر دست به دامان تهدید به مجازات متخلف است (فریدمن، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

در تمامی کشورهایایی که همانند ایران از نظام حقوق رومی-ژرمنی(حقوق نوشته) پیروی می کنند، قانون، جایگاهی بس والا داشته و همسو با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هیچ جرم و مجازاتی بدون نصّ قانون وجود ندارد، بدین معنا که فقط قانون می تواند، جرم و به تبع آن مجازات را رقم زند، لذا بر مقتن است که اعمال مجرمانه و مجازات ها را به صورتی صریح در قانون احصا نماید(محسنی، ۱۳۸۲، صص ۳۱۷، ۳۱۸). بنابراین پیشگیری از جرم یکی از مبانی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات هاست، به طوری که بنتام معتقد است، قوانین کیفری بر اراده انسانی تأثیر روانی به جای می گذارد و موجب می شود انسان دانسته و سنجیده در اعمال خود گام بردارد و از پیش، پیامد آن را پیش بینی کند، پس عبرت انگیزی کیفرها اثر بازدارنده ای در بردارد، اثری که مشروط به آن است که فرد قادر باشد، پیش از ارتکاب جرم، سود و زیان خود را محاسبه کند و در این حال وجود قانونی روشن و دقیق و قابل فهم، برای پیشگیری از رفتارهای ضد اجتماعی ضروری و سودمند است(بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۳۸). یعنی تنظیم فهرستی از جرایم و مجازات ها و آگاه نمودن افراد جامعه نسبت به آن تأثیر نیکویی در پیشگیری از جرایم خواهد داشت(اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۳۷). بدین ترتیب، نخستین و مهم ترین رکن بهداشت حقوقی در کشور، همانا وجود قوانین کارآمد و مؤثر در پیشگیری از جرم است. بدین روی، قانون گذار یکی از نقش آفرینان مؤثر در نگارش سناریوی اربعایی اقدامات کیفری است، خصیصه اربعایی که در گذشته با تأکید فراوان نسبت به آن اغلب مجازات ها تا پایان قرن هجدهم هراس انگیز و بی نهایت شدید و توأم با شکنجه بودند، چرا که تصوّر می شد با این سازوکار می توان وحشت را در اجتماع پدید آورده و در نتیجه مانع از ارتکاب جرم گردید(معظمی، ۱۳۸۶، ص ۸۸).



فصل سوم

آزمون فرضیات

## ۱-۳ نحوه اعمال مجازات های جایگزین حبس

در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس شرایط و ساختارهایی را برای اجرای موثر آن نیاز داریم. در غیر اینصورت در اجرا، مشکلاتی را در برخواهد داشت و روش‌های جایگزین حبس به اهداف نخواهد رسید که در این فصل به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

به دلیل مشکلات عمده‌ای که مجازات حبس داشته و جامعه و سیاست‌گذاران را درگیر کرده است مورد انتقادات بسیاری واقع شده است و هزینه‌های سرسام‌آور زندان، شناخت تاثیرهای زیانبار انباشتن مجرمان در زندان بر زندانیان و خانواده آنان و اجتماع و افزایش تکرار جرم در میان زندانیان و غیره، سیاست‌گذاران را بر آن داشته است که نقش زندان را دوباره بررسی نموده و راه‌های جدیدی را کشف کنند (معظمی، ۱۳۸۵، ص ۶۵). از آنجاکه جایگزین‌های زندان نیز معضلات و مشکلات خاص خود را دارند باید ساختار معقول و مناسبی داشته باشند تا دادگاه‌ها بتوانند با اعتماد کامل به سودمند و موثر بودن، آن را اعمال کنند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۵۲). در اینجا پاره‌ای از پیش شرط‌های اعمال موثر مجازات های جایگزین حبس را از ابعاد مختلف بیان می‌کنیم.

### ۱-۱-۳ شرایط تقنینی

اصل قانونمندی جرم و مجازات یکی از اصول اولیه در حقوق کیفری هر کشور می‌باشد، مجازات‌های جایگزین حبس (اجتماع محور) نیز به هر حال ضمانت اجرای کیفری محسوب می‌شوند، و از این اصل پیروی می‌نمایند. البته برای تصویب قوانین مناسب در این زمینه قانونگذار باید اطلاعات جامع و صحیحی از وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و غیره داشته باشد. و از آنجا که اعمال مجازات های جایگزین (اجتماع محور) در متن جامعه می‌باشد تا حد زیادی وابسته به نوع جامعه‌ای است که در آن اجرا می‌شود. به همین دلیل در جوامعی که میزان خشونت و بزهکاری بالا می‌باشد و تاکنون مجازات‌های سنتی و سزاگرا اعمال می‌شده است تبدیل ناگهانی مجازات‌های سنتی به مجازات‌های اجتماع محور نه تنها نمی‌تواند چاره‌ساز باشد، بلکه موجب افزایش جرایم و

بزهکاری در جامعه می‌شود. و شناخت صحیح دولت و قانونگذار از گونه بزهکاران موجود در جامعه، نوع جرایم ارتكابی، آمار دقیق بزهکاری، تفکیک زمان و مکان و رقم سیاه بزهکاری نیز در تصویب قانون مربوطه موثر می‌باشد. مساله دیگر در وضع قوانین مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس، مساله توسعه شبکه کیفری می‌باشد. توسعه شبکه کیفری موجب افزایش دامنه مداخله کیفری می‌شود. در کیفرهای سنتی مثل حبس، شلاق و جزای نقدی محکوم‌علیه پس از تحمل مجازات از حوزه اقتدار دستگاه قضایی خارج شده و دستگاه‌های دولتی نظارتی بر وی ندارند، لکن در مجازات‌های اجتماع محور (جایگزین حبس) فرد در طول اجرای مجازات تحت نظارت ماموران مراقبتی و نظارتی قرار دارد. لذا این امر باعث افزایش کنترل اجتماعی بر افراد و توسعه شبکه کیفری خواهد شد. ره‌آورد توسعه شبکه، محروم شدن نظارت دولت و گرفتاری بیشتر افراد می‌باشد. زیرا توسعه شبکه جرم زاست و بر اساس نظریه برچسب زنی، با کنترل اجتماعی بیشتر و واکنش نسبت به متخلفان به عنوان مجرمان، افراد دچار مشکل می‌شوند. همچنین بزهکارانی که در انجام نتایج ترمیمی کوتاهی کنند دوباره به دادرسی ارجاع می‌شود و ناگزیر از تحمل کیفرهای سنتی هستند (شفیعی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). لذا جهت از بین بردن یا محدود کردن این مشکل قانونگذار از زمان تدوین قانون می‌بایست با رعایت حدود وظایف و اختیارات ماموران نظارتی موجب نقض حقوق شهروندی و بشری محکوم علیه نگردد (یکرنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷، ص ۹۹).

جهت تاثیر بهتر روش‌های جایگزین حبس، قانونی صریح و مشخص نیاز داریم. که نوع روش جایگزین، چگونگی انتخاب و اجرای آن، افراد و نهادهای مسئول اجرای این برنامه‌ها و تکالیف و وظایفی که برعهده دارند و غیره را مشخص کند در صورت نداشتن قانونی با خصایص فوق صحبت از ایجاد روش‌های جایگزین حبس، جایگاه و عملکرد آن و فرهنگ سازی آن میان اقشار مختلف افراد جامعه و نهادهای مسئول و درگیر اجرای این برنامه فایده‌ای نخواهد داشت. چرا که در غیر اینصورت مغایر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها بوده و موجب ناامنی در جامعه می‌گردد (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۹۳).

## ۲-۱-۳ شرایط اقتصادی

شرایط اقتصادی مناسب جهت اجرای سیاست‌های جایگزین حبس مهمترین پیش شرط پس از تصویب قانون می‌باشد زیرا نداشتن شرایط اقتصادی جهت پیشبرد اهداف قانون سبب می‌شود مواد قانونی در حد مکتوب باقی بماند و در مرحله اجرای موفقیتی نخواهد داشت. علی‌رغم اینکه مجازات‌های جایگزین باعث کاهش هزینه‌های نگهداری پرخرج زندانیان می‌شود اما نمی‌توان منکر این واقعیت شد که این مجازات‌ها نیز هزینه‌های خاص خود را دارند. تهیه امکانات و ساز و کارهای لازم برای اعمال این مجازات‌ها، هزینه‌های دستمزد ماموران نظارتی و مراقبتی، هزینه آموزش کارکنان و قضات و ... لذا در هنگام تصویب قانون باید منابع مالی برای اجرای آن پیش بینی شود (یکرنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

یکی از مهمترین دلایلی که برای استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس وجود دارد، پایین بودن هزینه‌های آن نسبت به زندان است (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۵۵). اما یکی از موانعی که در مسیر پذیرش مجازات‌های جایگزین حبس (اجتماع محور) وجود دارد که بایستی قبل از اجرا مرتفع شود، هزینه بر بودن اتخاذ راهکارهای غیر زندان بدون ارائه امکانات، تسهیلات و حمایت‌های جانبی در عمل بی‌فایده خواهد بود. در حقیقت مسائلی مانند تهیه مسکن و سرپناه برای افرادی که از این ضرورت اولیه محرومند، اختصاص کمک هزینه یا مستمری ماهانه برای پاسخگویی به حداقل نیازهای معیشتی فرد و افراد تحت سرپرستی او، تامین نیازهای پزشکی، دارویی و بهداشتی فرد، ایجاد تسهیلات لازم در برقراری ارتباط افراد زندانی که محل زندگی آنها از محل اجرای برنامه‌ها دور می‌باشد، با فرزندان و سایر افراد خانواده و رسیدگی به وضعیت معیشتی و تحصیلی کودکان ضروری می‌باشد (معظمی، ۱۳۸۵، ص ۸۲).

### ۳-۱-۳ شرایط آموزشی

در جوامع امروزی که افراد نسبت به گذشته از سطح فکری بالاتری نسبت به حقوق خود قرار دارند و نسبت به عواقب و اثرات ارتکاب جرایم توسط افراد دید متفاوتی دارند همچنان عده‌ای با تفکرات گذشته در جامعه زندگی می‌کنند. انسان‌ها در علمی مانند حقوق از بعد فردی و جمعی مورد توجه قرار می‌گیرند. بنابراین عقیده و نظر شهروندان در هر پدیده جدید، بویژه آن جا که به حقوق آنان مربوط می‌شود حائز اهمیت است. امروزه بویژه در حد فاصل جوامع مکانیک و ارگانیک کیفرهای سنتی مثل حبس و شلاق هنوز هم وسیله‌ای برای نشان دادن قدرت دولت و برقراری امنیت در جامعه و تشفی خاطر بزه‌دیده می‌باشد. لذا در این جوامع مجازات‌های جایگزین و اجتماع محور به لحاظ اینکه سرسختی مجازات‌های سنتی را ندارد در ابتدا مورد قبول واقع نخواهد شد. در این جوامع گمان می‌رود که دولت‌ها و نظام عدالت کیفری با اعمال این مجازات‌ها قصد آسان‌گیری مرتکبان جرایم را دارند. لذا پذیرش این مجازات‌های جایگزین توسط مردم از پیش نیازهای ضروری اعمال کیفرهای جانشین حبس می‌باشد. اطلاع رسانی و آگاهی مردم از اینکه ضمانت اجراهای سنتی در عمل نتوانسته موجب اصلاح واقعی شود و شمار زیاد زندانیان دولت را دچار مشکل کرده است (یکرنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳). در راستای اجرای برنامه‌های سیاست جایگزینی حبس، نه تنها آموزش عموم افراد جامعه بلکه آموزش دست اندرکاران نظام عدالت کیفری علی‌الخصوص قضات در راستای عدم استفاده گسترده و غیرضروری از مجازات حبس و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در موارد مجاز قانونی، حائز اهمیت می‌باشد. دادن آموزش لازم به نهادها و موسسات و افراد مسئول اجرای این برنامه نیز در اجرای موفقیت آمیز مجازات‌های جایگزین موثر می‌باشند. به عنوان مثال جریمه‌های نقدی که باید دریافت شوند، خدمات عام‌المنفعه سازماندهی شده و مورد نظارت قرار گیرند و سرویس‌های میانجیگری در کشورهایی که برای مصالحه‌ی خارج از دادگاه جایگاه خاصی قائل شده‌اند باید سازمان یابد. همه این اقدام‌ها نیازمند مأمورانی است که بتوانند هدف‌های مورد نظر هر یک از این جایگزین‌ها را فراهم کنند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۵۳). در همین راستا در قسمت راهکارهای اجرایی بیانیه

ابیجان درباره جایگزین های مجازات زندان به صراحت بیان شده است. «لازم است برنامه هایی جهت آگاه سازی همگان برای دانستن این که عدالت چیست و چه باید باشد و نیز در مورد آگاه سازی مردم نسبت به عیب های ناشی از عملکرد ناقص هر یک از دستگاه هایی که در روند فرایند قضایی دخالت دارند، ترتیب داده شود.

آگاه سازی مزبور شامل برنامه هایی می شود که در مکان های آموزشی و عمومی، که در آن جا هر کسی فرصت بیان دیدگاه و طرح پرسش های خود را دارد، ترتیب داده شود. همچنین وسایل ارتباط جمعی در ایفای نقشی سازنده تشویق شوند و برنامه های تبلیغاتی برای عدالت را پشتیبانی کنند.» (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

#### ۴-۱-۳ شرایط اجتماعی

کاملاً واضح و مبرهن است که اجتماع و نحوه نگرش جامعه به بزهکار تاثیر مستقیم بر روی اصلاح و یا خطا کار شدن وی دارد. بنابراین آگاه کردن مردم از جایگاه و عملکرد جایگزین ها شرط ضروری مقبولیت آنهاست و حکومت ها موفق به معرفی چنین مجازات های بینابینی نخواهند بود مگر آنکه مطمئن شوند که توده مردم آن را پذیرفته و از آن پشتیبانی می کنند (آشوری، ۱۳۸۲، صص ۵۵-۵۴). فرهنگ سازی در میان اقشار مختلف افراد جامعه و نهادهای مسئول و عوامل اجرای این برنامه ها نقش بسزایی در اجرای موفق این طرح خواهد داشت. به عبارت دیگر به اقشار مختلف افراد جامعه و نهادهای مسئول اجرای آن می بایست تفهیم شود که چرا به جایگزین کردن روشهایی برای حبس تاکید می شود؟ چگونه اجرا خواهد شد؟ دارای چه ویژگی ها و فوایدی می باشد؟ چه معایب و ایراداتی دارد؟ مزایای بکارگیری آن در مقابل کیفر حبس چه چیزهایی هستند؟ در چه مواردی این روشها و برنامه ها، جایگزین حبس می شود؟ آیا در تمام موارد یا برخی موارد؟ چه مجرمانی مستحق برخورداری از این روش می باشند؟ چه جرائمی و با چه مجازاتی؟ (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۹۱) البته بستر سازی اجتماعی و فرهنگ سازی در این زمینه به نوعی با بستر سازی آموزشی و بالا بردن سطح آگاهی مردم ارتباط مستقیم دارد. هر چه قدر سطح آگاهی مردم و بینش سیاسی و اجتماعی یک جامعه بالا برود و آموزشهای

صحیح و لازم در خصوص سیاست‌های جایگزین حبس به اقشار مردم و سیاستگذاران و مجریان این برنامه‌ها داده شود به همان میزان سطح فرهنگی آن جامعه نیز بهبود می‌یابد و زمینه اجرای سیاست‌های جایگزین بهتر فراهم می‌شود. چراکه فرهنگ هر جامعه بستری برای آماده سازی و رشد و باروری ایده‌ها و باورهای آن جامعه می‌باشد. هرچند در برخی از کشورها پشتیبانی مردم و جامعه مدنی از جایگزین‌های حبس بسیار است، لکن در برخی دیگر متاسفانه دیدگاهی بدبینانه و سراپا شک و تردید نسبت به جایگزین‌ها حاکم است که ارتباط با فرهنگ آن‌ها دارد.

## ۲-۳ رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به مجازات‌های جایگزین حبس

ناکارآمدی حبس در اصلاح و درمان مجرمین، تبدیل شدن زندان به محیطی برای یادگیری رفتارهای مجرمانه، هزینه بالای نگهداری زندانیان و آسیب‌پذیری خانواده زندانی از حبس و تعارض آن با اصل شخصی بودن مجازات، ایراداتی است که به مجازات حبس از نظر حقوقی وارد است. مجموعه این عوامل سبب شده است تا اقدامات گسترده‌ای در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مجازات‌های جایگزین حبس انجام گیرد. جایگزین‌هایی که فاقد آثار مخرب و زیانبار و معایب گفته شده مجازات زندان بوده و در نیل به اهداف سیاست جنایی حکومت‌ها که همان اصلاح و بازپروری مجرم و بازگشت او به جامعه و حفظ نظم و امنیت در جامعه (پیشگیری خاص و عام)، جلوگیری از تکرار جرم، جبران خسارت بزه دیده و بسیاری از اهداف دیگر و در نهایت ارتقاء نظام عدالت کیفری موفق و موثر بوده و ناکارآمدی و کاستی‌های مجازات حبس را جبران کند. هدف از محکوم کردن متهم به مجازات زندان، نه اعمال رنج و عذاب بر وی، بلکه تضمین آرامش و امنیت جامعه است. ولی در عمل ما شاهد گرفتاریهای زندانی هستیم. در حالی که زندان باید فقط در سلب آزادی از محکوم خلاصه شود. زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می‌شود. این مجازات علاوه بر محکوم، بر خویشان و نزدیکان و بویژه همسر و فرزندان او نیز تحمیل می‌شود. و صد البته سرانجام منجر به فروپاشی کانون خانواده خواهد شد. نقض حقوق بشر در زندان بسیار مشاهده می‌شود. تورم در جمعیت زندانیان

یا اشباع زندانها، سوء تغذیه، نبود مراقبتهای پزشکی، شیوع بیماریهای واگیر و عفونی، تجاوزهای جنسی، فساد رفتاری، شیوع بیماریهای ویروسی و مرگبار همچون ایدز، از جمله آثار این نقض حقوق انسانی است. فقدان پرسنل آموزش دیده، مجرب و متخصص و نبود منابع مالی کافی در زندانها و نیز عدم هماهنگی در دستگاه عدالت جزائی، منجر به اطاله دادرسی و تاخیر در رسیدگیهای کیفری و اجرای عدالت می شود.

مکتبهای مختلف کیفری دیدگاههای متفاوتی را در مورد فلسفه مجازاتها مطرح کردهاند ولی به طور کلی می توان هدفهای پیچیده و گاه آشتی ناپذیر کیفرها را پیرامون سه محور بازدارندگی، سزادهی و بازسازی خلاصه کرد (شهیدزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳). کیفرهای جایگزین حبس (مجازاتهای جامعه محور یا اجتماعی) نیز از این قاعده مستثنی نبودهاند و تفاوت عمده و اصلی مجازاتهای جایگزین حبس (مجازاتهای اجتماعی) با سایر مجازاتها این است که بستر اجرای این مجازاتها در جامعه و با مشارکت نهادهای دولتی و مردمی می باشد. در نظام تقنینی ایران، در خصوص کیفرهای جایگزین حبس، تاکنون متن قانونی مدون، به این شکل که در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲، پیش بینی شده است، وجود نداشته است. البته لایحه قانون مجازات های اجتماعی در سال ۱۳۸۴ نیز مجازاتهای جایگزین حبس و ارکان و شرایط آن را بیان کرده بود که به مرحله تصویب نرسیده است. لکن اقدام قانونگذار در پیش بینی مجازاتهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی که قانون مادر در حقوق کیفری محسوب می شود، یک نقطه عطفی در نظام تقنینی ایران بوده است. البته برخی از این کیفرهای اجتماعی در حقوق ما پیشینه دارند برای نمونه محرومیت از حقوق اجتماعی (ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی) یا در خصوص جریمه روزانه باید گفت که اندیشه قسطبندی جریمه اکنون در قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۷۷ و قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ وجود دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴) لکن در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مجازاتهای جایگزین با چهره کاملاً جدید ظاهر شدهاند که در این جا ویژگیهای این قواعد را از دید قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار می دهیم.



## ۱-۲-۳ ویژگی های مجازات های جایگزین حبس

مجازات‌های جایگزین حبس طوری اعمال می‌شوند که مانع زندگی عادی محکوم نشوند و فرد ضمن اینکه در اجتماع مثل بقیه مردم زندگی می‌کند، مجازات خود را نیز تحمل می‌کند. محکوم احساس نمی‌کند از جامعه طرد شده است و خود را قربانی آن نمی‌داند، بلکه هنوز احساس مسئولیت نسبت به هم‌نوعانش در وی خاموش نشده و با گذشت مدت زمانی به اجتماع بر می‌گردد. از ویژگی‌های این نوع مجازات می‌توان به این موارد اشاره نمود:

### ۱-۱-۲-۳ مشارکتی و جامع بودن

یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس، جامع بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند. در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در ماده یک به صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات‌های اجتماعی اشاره شده بود. امروزه به نقش مردم در فرایند عدالت کیفری بیش از پیش توجه می‌شود و در کنار سازمان‌ها و نهادهای رسمی، مردم نیز در تأمین منافع جامعه نقش به‌سزایی دارند مجازات‌های اجتماعی کیفی‌هایی هستند که محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی بوده و دارای خصایص اصلاحی هستند که در درون اجتماع برای گروهی از مجرمین با نظارت و مراقبت اجتماع و نهادهای مدنی اعمال و اجرا می‌شوند. در مفهوم سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارتخانه‌ها عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیستند، بلکه پاسخ‌های ارائه شده از سوی جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می‌شوند. به دیگر سخن دولت و جامعه مدنی در قالب هیئت اجتماع عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه می‌شوند و مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می‌افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن

کارایی آن به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد مربوط می‌شوند.

### ۲-۱-۲-۳ دو سویه و توافقی بودن

از مهمترین خصیصه‌های مجازات‌های جایگزین حبس، دو سویه و توافقی بودن آن است؛ یعنی علاوه بر اراده مقام قضائی، اراده بزهکار نیز لازم است تا این جایگزین‌ها قابلیت اعمال داشته باشند، این رویکرد، اراده بزهکار را در عرض اراده مقام قضائی قرار می‌دهد و آن را از حالت عمودی و یکسویه خارج می‌کند. بر این اساس بزهکاران به عنوان یکی از طرفین توافق کیفری فرایند دادرسی، نقشی فعال به شمار می‌روند و این حق را دارند که به بررسی ابعاد پیشنهاد مقام‌های قضائی مبادرت ورزند، چندان که می‌توانند پس از ارزیابی این پیشنهاد نسبت به قبول یا رد آن اظهار نظر کنند.

### ۳-۱-۲-۳ تعیین و اجرای آن از سوی دادگاه

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز بر این اصل تاکید شده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود».

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها یکی از مهمترین و مطمئن‌ترین اصولی است که ضرورت وجود آن نه تنها هیچگاه نفی نشده و اعتبار آن روزافزون و توجه به آن بسیار است. در مقررات اسلامی نیز بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تاکید شده است. در آیه ۱۵ سوره اسرا آمده است « مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا » حکومت قانون برابر است با امنیت افراد و این امنیت متصور نیست مگر با بقا و دوام قانون و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها یعنی حکومت قانون برای تضمین احترام به آزادی‌های فردی و رعایت مصالح اجتماعی. با این اصل می‌توان گفت که هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را جرم بشناسد و اعمال هیچ مجازاتی ممکن

نخواهد بود مگر اینکه قانون آن اجازه را داده باشد. قاضی دادگاه نیز با توجه به اصل فوق می‌بایست عمل ارتكابی مجرم را با قانون جزا تطبیق دهد و منطبق با آن اقدام کند (نوربها، ۵۳، ۱۳۸۶-۵۴).

به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اصول ۱۶۶، ۱۵۹، ۱۵۶، ۶۱، ۳۴ و ۱۶۷ ق.ا در همین خصوص می‌باشند و در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مانند سایر مجازات‌ها، تعیین آن می‌بایست به موجب حکم دادگاه صالح و اجرای آن زیر نظر مرجع قضایی و قاضی اجرای احکام باشد و یا به عبارت دیگر سیستم حاکم بر آن یک سیستم کاملاً قضایی می‌باشد و هم در مرحله صدور حکم و هم در مرحله اجرای حکم می‌بایست توسط قضات مربوطه صورت پذیرد. هرچند که در مرحله اجرای احکام پاره‌ای از نهادهای دولتی و موسسات عمومی و نهادهای مدنی و مردمی مشارکت دارند اما مسئول اجرای حکم، قاضی اجرای احکام می‌باشد. در غیر اینصورت چنانکه تعیین و اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در اختیار سازمان‌ها و نهادهای دیگر غیر از دادگستری قرار می‌گرفت، ممکن بود اثرات سوئی را در برداشت و هم به حقوق متهم و هم به حقوق جامعه لطمات جبران ناپذیری وارد می‌شد و هدف از اجرای مجازات‌های جایگزین حبس عقیم می‌ماند. در مواد ۶۳ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ بر این موضوع تاکید نموده است و در مواد مختلف به دادگاه و قاضی اجرای احکام برای صدور و اجرای حکم مجازات‌های جایگزین اشاره شده است (imna.ir).

#### ۴-۱-۲-۳ ضرورت گذشت شاکی خصوصی

از دیگر ویژگی‌های مجازات‌های جایگزین حبس که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به آن تصریح شده است، ضرورت گذشت شاکی می‌باشد. در ماده ۶۴ قانون آمده است که «مجازات‌های جایگزین حبس عبارتست از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتكاب آن، آثار ناشی از جرم،

سن، مهارت، وضعیت و شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود». در ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری یکی از موارد صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت می‌باشد. در ماده ۸ قانون فوق‌الذکر آمده است که در مواردی که تعقیب امر جزایی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موقوف می‌شود، هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند، اجرای حکم موقوف می‌شود و چنانچه قسمتی از حکم اجرا شده باشد، بقیه آن موقوف و آثار حکم مرتفع می‌شود، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی آمده است که «در جرایمی که با گذشت متضرر از جرم، تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم موقوف می‌گردد، گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد. همچنین عدول از گذشت مسموع نخواهد بود که در واقع این ماده شرایط گذشت را بیان می‌کند. ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بیان می‌کند که «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف‌نظر نماید، محکوم‌علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات تجدیدنظر نماید، در این مورد دادگاه به درخواست محکوم‌علیه در وقت فوق‌العاده رسیدگی نموده و مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف خواهد داد. این رأی قطعی است». برای اعلام گذشت تشریفات خاصی تعیین نشده است و متضرر از جرم به هر ترتیبی که ممکن باشد می‌تواند انصراف خود را ابراز دارد. اعلام گذشت با جملاتی از قبیل: گذشت می‌کنم، رضایت می‌دهم، شکایتم را پس گرفتم، سازش کردم، دیگر شکایتی ندارم و نظایر اینها که عرفاً نشان‌دهنده انصراف متضرر از تعقیب دعوی کیفری و وجود مصالحه بین مدعی خصوصی و متهم است (آخوندی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۸). گذشت ممکن است به صورت ۱- حضوری (شفاهی) باشد که در این صورت مرجع رسیدگی کننده اعلام گذشت را در صورت جلسه می‌نویسد و گذشت کننده آن را امضاء می‌نماید یا در صورت بی‌سواد بودن، انگشت می‌زند. یا اینکه ۲- گذشت کتبی باشد که مقام رسیدگی کننده می‌بایست در

صحت انتساب آن به گذشت کننده دقت نظر بعمل آورد. گذشت معمولاً پس از اعلام شکایت صورت می‌گیرد ولی ممکن است مقدم بر آن نیز باشد که در این حالت حق شکایت متضرر از جرم ساقط می‌شود، ولی اگر مبادرت به شکایت کرد، متهم می‌تواند به همان گذشت اولیه استناد کند. گذشت قبل از وقوع جرم موثر در مقام نیست زیرا از جمله مصادیق رضایت برای ارتکاب جرم است نه از موارد گذشت به معنای واقعی کلمه، رضایت مجنی علیه ممکن است گاهی باعث زوال عنصر قانونی جرم گردد (صانعی، ۱۳۷۲، صص ۲۵۱-۲۳۳) و همچنین گذشت کننده می‌بایست اهلیت داشته باشد، چرا که اعلام گذشت و استرداد شکایت استیفای حق است و بنابراین صغار، مجانین و اشخاص غیر رشید نمی‌توانند شخصاً اعلام گذشت نمایند. و این امر بر عهده اولیای قانونی آنها می‌باشد (آخوندی، ۱۳۸۶، صص ۲۴۰-۲۳۰).

در قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی آمده است که هرگاه متضرر از جرم متعدد باشند، تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنها شروع می‌شود ولی صدور قرار موقوفی تعقیب موکول به گذشت تمام شاکیان می‌باشد. با توجه به مطالبی که در باب گذشت شاکی یا متضرر از جرم بیان شده است اینگونه استنباط می‌شود که منظور قانونگذار از گذشت شاکی، در خصوص جرایم غیرقابل گذشت می‌باشد، چرا که در خصوص جرایم قابل گذشت با گذشت شاکی پرونده مختومه شده و قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و لذا قید آن در قانون، نقض غرض می‌باشد. لذا در خصوص جرایم غیرقابل گذشت در صورت گذشت شاکی، مجرم مستحق برخورداری از مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد. همانطور که در مرحله اجرای جرایم غیرقابل گذشت، با گذشت شاکی، محکوم علیه مستحق تخفیف می‌باشد و در اینجا نیز مجازات‌های جایگزین در واقع نوعی تخفیف به حال مجرم می‌باشد.

## ۵-۱-۲-۳ وجود جهات تخفیف

قابل تعلیق، تخفیف و تعقیب: از دیگر ویژگی‌های جایگزین‌ها این است که چنانچه به واسطه مانع خارجی، خارج از اراده محکوم یا به واسطه معذوریتی مربوط به محکوم، امکان اجرای آن موقتاً ممکن نباشد، قابل تعلیق است یکی دیگر از ویژگی‌های مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی، ضرورت وجود جهات تخفیف می‌باشد که در ماده ۶۴ به آن اشاره شده است. سابقه تاریخی مبحث تخفیف مجازات به قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ برمی‌گردد که طبق مواد ۴۴ و ۴۵ مکرر، حسب مجازات‌های مختلف در موارد جنایات و جنجه‌ها تخفیف قائل می‌شدند. در مواد ۴۵ و ۴۵ قانون اصلاحی سال ۱۳۵۲ نیز تخفیف مجازات پیش بینی شده بود که در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ در ماده ۳۵، با توجه به تغییرات حاصله در انواع مجازات‌ها و با استفاده از اصلاحات قانون سال ۱۳۵۲ اعمال کیفیات مخففه را فقط در تعزیرات پذیرفت. ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ که جانشین ماده ۳۵ قانون مجازات اسلامی شده، تغییراتی در ماده سابق ایجاد کرده است، از جمله، مجازات‌های بازدارنده را در کنار مجازات‌های تعزیری قابل تخفیف دانسته و به علاوه تبدیل مجازات‌های تعزیری و بازدارنده را به نحو موسع پذیرفته است (نوربها، ۱۳۸۶، صص ۳۸۶-۳۸۵). طبق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد. جهات مخففه عبارتند از:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است، موثر باشد. ۳- اوضاع و احوال خاص که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم. ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد. ۵- وضع خاص متهم یا سابقه او ۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.

تبصره ۲- در مورد تعدد جرم نیز دادگاه می‌تواند جهات مخففه را رعایت کند.

تبصره ۳- چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد.

در فصل چهارم قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به مبحث تخفیف مجازات و معافیت از آن اختصاص یافته است. در ماده ۳۷ آمده است: در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به شرح ذیل تقلیل یا تبدیل کند:

۱- تقلیل حبس به میزان یک یا دو درجه

۲- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

۳- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

۴- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا تبدیل به انواع دیگر

ماده ۳۸ مقرر می‌دارد که جهات تخفیف عبارتند از :

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

۲- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال یا اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

۳- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

۵- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

۶- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

۷- خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم

۸- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره یک : دادگاه مکلف است جهات تخفیف را در حکم خود قید کند.

تبصره دو : هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد. ملاحظه می‌شود که جهات تخفیف مذکور در قانون جدید از نظر مفهوم و محتوا با جهات قید شده در ماده ۲۲ قانون مجازات قبلی یکسان بوده و تنها در عبارات ظاهری تغییراتی مشاهده می‌شود. در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ یکی از شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس را وجود جهات تخفیف دانسته است که به شرح فوق مفصلاً جهات تخفیف بیان شده است. و نکته قابل توجه این است که گذشت شاکی که یکی از شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد، یکی از جهات تخفیف موضوع ماده ۳۸ قانون می‌باشد. لذا منظور م ۶۴ از وجود جهات تخفیف، وجود جهاتی به غیر از گذشت شاکی (سایر جهات مندرج در ماده ۲۲ ق.م.ا) می‌باشد. چرا که میان عبارت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، از نظر ادبیاتی (واو) عطف می‌باشد که بیانگر لزوم جمع شدن هر دو شرط می‌باشد.

#### ۶-۱-۲-۳ اصل تناسب

همه مجازات‌ها دارای خصایص و ویژگی‌های مشترک می‌باشند تا هدف‌های اعمال آن تأمین گردد. یکی دیگر از ویژگی‌های مجازات‌های جایگزین حبس، لزوم رعایت اصل تناسب بین جرم ارتكابی و مجازات می‌باشد.



از جمله این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱- رنج آور باشد ۲- رسوا کننده مجرم باشد ۳- میزان آن معین باشد ۴- قطعی و حتمی باشد ۵- همگانی باشد (پیشگیری عام) ۶- فردی باشد ۷- جبران کننده صدمات و خسارت زیان دیده باشد ۸- قانونی باشد.

در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است که مجازات‌های جایگزین حبس با ملاحظه نوع جرم، کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌گردد که بیانگر لزوم رعایت اصل تناسب در تعیین مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد و اصل تناسب دارای شاخصه‌های مختلفی می‌باشد. عدم رعایت اصل تناسب موجب می‌شود که مجازات‌های جایگزین در رسیدن به اهداف خود که در وهله اول اصلاح و بازپروری مجرم و بازگشت او به اجتماع می‌باشد ناکام بمانند و اجرای عدالت در سیستم قضایی یک کشور مخدوش شود و این عدم تناسب ممکن است نسبت به یک مجرم حرفه‌ای و خشن با اعمال مجازات‌های سبک و نسبت به مجرمین تازه‌کار و در ارتباط با جرایم کم اهمیت با اعمال مجازات‌های سنگین و خشن باشد. در تبصره ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی آمده «دادگاه در ضمن حکم به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند». به منظور رعایت اصل تناسب دادگاه می‌تواند از ابزاری مانند تحقیقات محسوس و نامحسوس در خصوص وضعیت اخلاقی و سوابق فرد مجرم و تشکیل پرونده شخصیت استفاده کند.

و همچنین یکی از ویژگی‌های مجازات این است که می‌بایست با جرم ارتكابی هماهنگی و تناسب داشته باشد. مجازات بیشتر از حد ممکن نه تنها مناسب نیست بلکه با اصل عدالت که مهمترین هدف مجازات است تنافی پیدا می‌کند. زیرا، زیاده‌روی در مجازات همان بی‌عدالتی قضایی است و همچنین مقدار مجازات نباید کمتر از مقدار موثر باشد، به گونه‌ای که مجرم سختی اندک مجازات را بر شیرینی لذت بخش ارتکاب جرم ترجیح دهد (زراعت، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴). مجازات‌ها جبران کننده هستند و شدت مجازات‌ها در حد امکان با توجه به مقتضیات، چگونگی نوع جرم، شخصیت مجرم و میزان خسارت وارده مشخص می‌شود (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۳۵۴).

## ۷-۱-۲-۳ الزامی یا اختیاری بودن صدور آنها

صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس در برخی موارد برای دادگاهها تکلیفی و اجباری می‌باشد. گاهی نیز اختیاری می‌باشد که موارد اختیاری و اجباری بودن صدور حکم مجازات‌های جایگزین حبس در قانون آمده است و در این قسمت به ذکر این موارد می‌پردازیم، ضمناً تذکر این نکته نیز مفید فایده می‌باشد که با توجه به اینکه مجازات‌های جایگزین حبس در واقع مجازات مساعدتر و نوعی تخفیف به حال مرتکب جرم می‌باشد. لذا همانند تخفیف مجازات که در برخی موارد اختیاری (م ۲۲ ق.م.ا) و گاهی نیز اجباری و تکلیفی می‌باشد (تبصره ماده ۵۵۴ ق.م.ا). مجازات‌های جایگزین حبس نیز از قاعده فوق تبعیت می‌کند. مواردی که صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس (موضوع ماده ۶۴ ق.م.ا) الزامی می‌باشد عبارتند از:

۱- ماده ۶۵: قانون مجازات اسلامی: مرتکبین جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا سه ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند.

۲- ماده ۶۶ مرتکبین جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر این‌که به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح ذیل باشند و از اجراء آن پنج سال نگذشته باشد:

الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری؛

ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

۳- ماده ۶۸: مرتکبین جرائم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. مگر این که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس اختیاری است. (البته این ماده در قسمت صدر مربوط به موارد الزامی و در قسمت ذیل مربوط به موارد اختیاری می‌باشد).

۴- ماده ۶۹: مرتکبین جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. که موارد ذکر شده فوق مربوط به همه مجازاتهای جایگزین صرفنظر از نوع آن بوده و مشترک می‌باشند.

به موجب قانون مجازات اسلامی ۹۲ مواردی که صدور حکم به مجازاتهای جایگزین حبس از سوی دادگاه اختیاری می‌باشد، عبارتند از :

۱- ماده ۶۷: دادگاه می‌تواند مرتکبین جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۵) اعمال مجازاتهای جایگزین حبس ممنوع است.

۲- در قسمت ذیل ماده ۶۸، در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد، حکم به مجازاتهای جایگزین حبس، اختیاری است.

منظور از اختیاری بودن این است که دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند مجازات اصلی جرم ارتكابی که حبس می‌باشد را مورد حکم قرار دهد، یا اینکه مجازاتهای جایگزین پیش‌بینی شده در قانون را اعمال کند. البته تشخیص این امر که کدام یک از مجازاتها به مصلحت مجرم و جامعه می‌باشد، با قاضی صادرکننده رأی می‌باشد. معمولاً قانونگذار در ادبیات قانون نویسی هرکجا کلمه می‌تواند را به کار می‌برد حاکی از اختیاری بودن می‌باشد و هر جا فعل حال استمراری را به کار می‌برد منظور اجباری بودن و تکلیفی بودن می‌باشد که در بحث تخفیف و سایر موارد متفرقه قانون مجازات اسلامی فعلی، این موارد مشاهده می‌شود.

## ۸-۱-۲-۳ امکان صدور دو نوع مجازات به طور همزمان در یک حکم و امکان صدور همزمان

### مجازات های جایگزین با مجازات های تتمیمی یا تبعی

مجازات‌ها در یک طبقه بندی به مجازات‌های اصلی، تکمیلی (تتمیمی) و مجازات‌های تبعی تقسیم می‌شوند. مجازات‌های اصلی که در حقوق کلیه جوامع، ابزار اساسی عکس‌العمل کیفری است و ممکن است به تنهایی یا با مجازات‌های تکمیلی و تبعی مورد حکم قرار بگیرد. در واقع مجازات اصلی مجازاتی است که قانونگذار برای جرم معینی پیش بینی کرده و مستقیماً مورد حکم قرار می‌گیرد و ضمانت اجرای خاص اوامر و نواهی قانون جزایی است. مجازات‌های تبعی در واقع هر مجازات سالب حقوق اجتماعی و مدنی (به حکم قانون) را که ناشی از محکومیت جزایی و از آثار آن باشد می‌توان در حکم مجازات تبعی تلقی نمود، بدون اینکه نیاز به تصریح آن در حکم دادگاه باشد، به خودی خود و به حکم قانون و به تبع مجازات اصلی بر محکوم‌علیه بار می‌شود. مانند ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی (محرومیت حقوق اجتماعی) و ماده ۸۸۰ قانون مدنی در خصوص محرومیت قاتل از ارث که بدون ذکر در حکم قتل عمدی مستوجب قصاص، بر محکوم علیه قاتل تحمیل می‌گردد. مجازات تکمیلی یا تتمیمی مجازاتی است که توسط مرجع قضایی می‌بایست در حکم دادگاه قید شود ولی بر خلاف مجازات‌های تبعی که همیشه اجباری است، برخی از مجازات‌های تتمیمی اجباری و برخی از آنها اختیاری است (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۰۴). در ماده ۸۷ آمده است که «دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود».

مجازات‌های تبعی به تبع مجازات‌های اصلی بر فرد محکوم تحمیل می‌شود و در مفاد حکم قید نمی‌شود و به نظر می‌رسد که قانونگذار مسامحتاً در ماده ۸۷ مجازات‌های تبعی را نیز بیان کرده است، زیرا مجازات‌های تکمیلی هستند که در حکم دادگاه قید می‌شوند و اینکه منظور از ذیل ماده مدت مجازات جایگزین حبس می‌باشد یا مدت مجازات تبعی یا تکمیلی می‌باشد، جای بحث است و البته اینکه در صدر ماده به مجازات جایگزین حبس اشاره کرده است و در ذیل آن به مجازات‌های تبعی و تکمیلی و در انتها به مجازات مذکور اشاره کرده است و لذا چون کلمه «مجازات» در آخر ماده مفرد می‌باشد به نظر می‌رسد که به مجازات جایگزین صدر ماده اشاره دارد، نه مجازات‌های تبعی و تکمیلی. همانگونه که در خصوص مجازات حبس امکان اینکه قاضی دادگاه، همزمان با مجازات اصلی حبس محکوم را به مجازات‌های تکمیلی نیز محکوم کند وجود دارد و به مجازات‌های تبعی نیز در جرایم عمدی با شرایط قانونی محکوم می‌شود. بنابراین در مجازات‌های جایگزین حبس نیز که مجازات‌های مستقلی می‌باشند، این امکان وجود دارد. (بی‌نا، ۱۳۹۰، ص ۶۹)

در تبصره ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ آمده است: «دادگاه در ضمن حکم به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند، دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد». مفهوم مخالف این تبصره آن است که امکان صدور حکم به دو نوع از مجازات‌های جایگزین حبس به صورت همزمان وجود دارد و به بیش از دو نوع مجازات جایگزین نمی‌توان حکم داد. مثلاً صدور حکم به مجازات دوره مراقبتی و جزای نقدی روزانه، جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان. البته قسمت ذیل تبصره با قسمت صدر آن مرتبط می‌باشد و لذا می‌بایست تناسب و سنخیت بین جرم ارتكابی و مجازات‌های جایگزین وجود داشته باشد و مجازات‌های تعیین شده با آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت و شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تناسب داشته باشد و صدور حکم به دو نوع مجازات جایگزین حبس معمولاً در خصوص جرایم سنگین‌تر و مجرمین خطرناک‌تر می‌باشد.

## ۹-۱-۲-۳ تکلیف دادگاه بر تعیین مدت مجازات حبس ضمن صدور حکم

یکی دیگر از ویژگی‌های مجازات‌های جایگزین حبس، لزوم تعیین مدت مجازات حبس ضمن صدور حکم می‌باشد چرا که تعیین مجازات‌های جایگزین حبس و مدت آنها طبق مواد ۸۳ تا ۸۶ قانون، بر اساس مجازات قانونی جرایم که همان مجازات حبس است می‌باشد. مثلاً در خصوص دوره مراقبت در ماده ۸۳ آمده است، که در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه، و ضمانت اجرای عدم انجام دستورات و اجرای مفاد حکم از سوی محکوم علیه در ماده ۸۱ آمده است که با پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می‌گردد. لذا دادگاه صادرکننده حکم می‌بایست در حکم صادره، میزان مجازات حبس را ضمن صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس تعیین کند تا در مرحله اجرای احکام در صورت تخلف محکوم یا موارد دیگر ضمانت اجرا مشخص شده باشد و با رأی دادگاه مجازات حبس اجرا شود. ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین خواهد کرد تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود. البته مواردی که در نهایت مجازات حبس اجرا می‌شود با توجه به ماده فوق‌الذکر عبارتند از:

۱- تعذر اجرای مجازات جایگزین حبس، که این تعذر یا مربوط به شخص محکوم به علت شرایط فیزیکی و روانی و غیره (بیماری و سایر علل قهری) می‌باشد یا تعذر از سوی نهادهای مجری حکم و ادارات و سازمان‌های ذیربط می‌باشد که در هر دو صورت اجرای مجازات حبس به جای مجازات جایگزین حبس دور از انصاف می‌باشد چرا که هدف از وضع مجازات‌های جایگزین حبس اصلاح مجرم و جامعه و کاهش ایرادات وارده به حبس می‌باشد و لذا چنانچه در اجرای این مجازات‌ها با مشکلی برخورد می‌کنیم که یا مربوط به فرد مجرم و خارج از اراده ایشان می‌باشد که در این صورت مستحق کمک بیشتر است و یا ناشی از جامعه و دستگاه‌های اجرایی و قضایی می‌باشد که در این صورت مجرم یا محکوم نباید بار این تعذر را به دوش بکشد و راهی حبس

شود. البته در تبصره ۴ ماده ۸۴ در خصوص خدمات عمومی آمده که «قاضی اجراء احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق کرده یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.» البته به نظر می‌رسد که با توجه به فلسفه وضع مجازات‌های جایگزین حبس منظور تعذر اجرا مواردی می‌باشد که ناشی از فعل عمدی و ارادی مجرم یا محکوم بوده نه اینکه خارج از اراده محکوم و یا مربوط به نهادهای اجرایی و یا ناشی از علل قهری باشد. چنانکه در ماده ۸۲ پیش بینی شده است «چنانچه اجراء تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده بعد از رفع مانع اجراء می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد شده باشد مجازات اصلی اجراء خواهد شد.»

۲- تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی: در خصوص تخلف از دستورات در قسمت بالا اشاره شده است و در ماده ۷۰ در این خصوص تعیین تکلیف شده است. در خصوص دستورات در فصل نهم مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس به نوع دستورات آن اشاره‌ای نشده است و در ماده ۸۳ در بحث دوره مراقبتی که به دستورات اشاره شده است، عنوان داشته که «...دوره مراقبت دوره‌ای است... به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد...». در فصل پنجم در بحث تعویق صدور حکم در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، ۸ مورد از دستوراتی که دادگاه صادرکننده قرار تعویق مراقبتی، مرتکب را ملزم به اجرای یک یا چند مورد از آنها می‌نماید ذکر شده‌اند که عبارتند از :

۱- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص،

۲- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین،

۳- درمان بیماری یا ترک اعتیاد،

۴- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه،

۵- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری،

۶- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن،

۷- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه،

۸- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

در خصوص ماهیت بازداشت بدل از جزای نقدی نظریات متعددی مطرح شده است. برخی معتقدند که «بازداشت ما به ازای جزای نقدی، کیفر حبس نیست که مشمول قواعد محکومیت‌های کیفری سالب آزادی نظیر آزادی مشروط شود بلکه ضمانت اجرا و وسیله وصول مطالبات دولت است، به همین دلیل به موجب تبصره ۳ ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱، هرگاه محکوم علیه پس از تحمل نصف مدت بازداشت بدل از جریمه نتواند جزای نقدی را بپردازد و به موجب حکم دادگاه صادرکننده حکم جزایی نیز معسر شناخته شود از زندان آزاد می‌شود از این رو بازداشت بدل از جریمه، جایگزین جزای نقدی محسوب نمی‌گردد» (اردبیلی، ۱۳۸۴، صص ۱۷۱-۱۷۰). و در تایید این نظر برخی معتقدند که «اگرچه از نظر سیاست کیفری مناسب، جزای نقدی به عنوان جایگزین زندان توصیه می‌شود، مع‌هذا اجرای حکم جزای نقدی، در صورت عجز محکوم علیه از پرداخت، منتهی به تبدیل آن حبس می‌گردد و در واقع تبدیل آن به حبس، وسیله تهدید و اجبار محکوم علیه به پرداخت جریمه است» (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۶۸). برخی نیز معتقدند که «زندان بدل از جزای نقدی در ایران همانند آلمان و ایتالیا جایگزین جزای نقدی است زیرا مدت زمان زندان بر اساس ملاکی که قانونگذار معین می‌کند از بابت جزای نقدی محسوب شده و از میزان آن می‌کاهد تا جایی که تمامی جزای نقدی



مورد حکم از بین می‌رود، آنگاه محکوم علیه از زندان آزاد خواهد شد. بدین ترتیب حکم صادره به شکل تحمیل بازداشت بدل از جزای نقدی اجرا شده محسوب می‌شود» (امیری، ۱۳۷۶، صص ۶۶-۶۵).

نظریات فوق در مواردی است که جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی مورد حکم قرار گیرد نه به عنوان مجازات جایگزین حبس، موضوع قانون مجازات اسلامی و مستند قانونی آن ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌باشد. لکن در خصوص جزای نقدی که به عنوان جایگزین حبس می‌باشد. در واقع مجازات اصلی جرم، حبس بوده است و از باب رعایت حال متهم و مصالح دیگر تبدیل به جریمه نقدی شده است و لذا میزان مجازات قانونی آن جرم (مدت حبس) نیز در حکم قید می‌شود تا چنانچه متهم مستحق برخورداری از این مساعدت نباشد، دوباره مجازات اصلی (حبس) اجرا شود.

#### ۱۰-۱-۲-۳ قابل بازگشت بودن و تصریح و تفهیم آثار تخلف از مفاد حکم به محکوم

یکی دیگر از ویژگی‌های جایگزین‌های حبس این است که قابل برگشت هستند و آن نیز در صورتی است که محکوم به تعهدات مقرر عمل نکند که در این صورت، همان مجازات اولیه که حبس است، دوباره به اجرا در می‌آید، در واقع ضمانت عدم اجرای صحیح جایگزین‌های حبس، اعمال همان حبس مقرر در حکم است. یکی دیگر از مشخصات میان مجازات‌های جایگزین حبس، تفهیم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم دادگاه می‌باشد. در تبصره ماده ۸۱ آمده است که «دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را صریحاً قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید».

علت وضع تبصره فوق‌الذکر را می‌توان اینگونه تعبیر کرد که با توجه به قاعده قبح عقاب بلا بیان و اصل قانونی بودن جرم و مجازات و آیات قرآنی و سایر قواعد حقوقی که بر قبیح بودن مجازات کسی قبل از اعلام جرم بودن

آن دلالت می‌کند، لذا در خصوص تبصره فوق نیز قانونگذار خواسته تا بدواً ضمانت اجرای عدم انجام دستورات دادگاه و عدم اجرای مفاد حکم نیز به محکوم تفهیم و در حکم دادگاه قید شود تا محکوم با علم و اطلاع کافی اقدام کند. چرا که عدم انجام دستورات و اجرای مفاد حکم همانگونه که در قسمت‌های قبل توضیح دادیم دارای عواقب و ضمانت اجرا می‌باشد که در وهله اول یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم اضافه می‌شود و در صورت تکرار جرم مجازات حبس اجرا می‌شود و لذا محکوم می‌بایست از این ضمانت اجرا آگاهی داشته باشد و چه بسا که همین ضمانت اجراها بازدارنده بوده و فکر تخلف را از سر محکوم بیرون می‌کند و همچنین در بعد مثبت قضیه نیز نتیجه و آثار و پاداش انجام دستورات و اجرای حکم نیز به محکوم تفهیم می‌شود. مثلاً در ماده ۸۰ آمده است که چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای حکم برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد. البته تفهیم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم باید کتباً در رای دادگاه قید شود تا جای هیچگونه شک و شبهه‌ای مبنی بر عدم آگاهی محکوم باقی نماند.

### ۳-۳ موارد منع اعمال مجازات های جایگزین حبس و تغییر در آن

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی، مواردی را که اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع می‌باشد پیش بینی نموده است و همچنین گاهی بنا به پاره‌ای از مصالح و احوال امکان تغییر در مجازات‌های جایگزین حبس به اشکال مختلف (تخفیف، تعدیل، تشدید و توقف) وجود دارد. رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات یکی از اصول مسلم حقوق جزا می‌باشد. یعنی مجازات یک مجرم باید با جرم ارتكابی، شخصیت مجرم، اوضاع و احوال، میزان آسیب و خسارت وارده به زیان دیده و آسیب وارده به جامعه و سایر معیارها تناسب داشته است و قانونگذار در خصوص مجازات‌های ارفاق‌آمیز یا تاسیسات ارفاق‌آمیز مانند تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط یا تخفیف مجازات، مواردی را نیز قید کرده که مستحق برخورداری از این ارفاق قانونی نمی‌باشند. مثلاً ماده ۳۰ ق.م.ا. که در خصوص جرایم اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری، جعل و سوء استفاده از سند مجعول، خیانت در امانت

یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم‌ربایی، این جرایم را قابل تعلیق ندانسته است یا نداشتن محکومیت قطعی به حد یا محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو و غیره (ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی) را شرط اعمال تعلیق اجرای مجازات دانسته است. در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس نیز هر چند یک تأسیس ارفاق‌آمیز نسبت به محکوم می‌باشد اما محدوده اعمال این مجازات‌ها مشخص بوده و بی‌حد و مرز نمی‌باشد و چه بسا در مواردی اعمال مجازات حبس نسبت به محکوم علیه موثرتر باشد. و در جرایم خشونت‌بار و مهم و در خصوص مجرمین خطرناک و به عادت اعمال مجازات حبس موثرتر می‌باشد و چه بسا آزاد گذاشتن این افراد در اجتماع تحت عنوان مجازات‌های جایگزین حبس، موجب بروز مشکلات عدیده‌ای برای سایر افراد جامعه و سلامت اجتماع شود هرچند که مجازات حبس نیز در این موارد تنها حکم یک داروی مسکن را دارد و نمی‌شود اینگونه افراد را تا ابد در حبس و دور از اجتماع نگه داشت. یکی از حقوقدانان در این زمینه می‌گوید: «مجازات به ویژه زندان هنوز در جامعه ایران و جامعه‌های دیگر به منزله یکی از مولفه‌های مهم حقوق کیفری کارآیی دارد و به راحتی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. بنابراین برای بهبود زندان‌ها باید چاره‌اندیشی کرد. حذف مسأله راه حل نیست، بلکه بر مشکلات ما خواهد افزود. در جهت رهایی از آثار سوء و منفی در زندان، باید در جهت بکارگیری درست آن گام برداشته شود. باید برای بهینه کردن زندان و بهبود آن چاره‌اندیشی کرد» (منصورآبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶).

در این قسمت مواردی را که اعمال مجازات‌های جایگزین حبس به موجب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ ممنوع می‌باشد بیان می‌کنیم.

### ۱-۳-۳ ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

در خصوص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تعریف صریح و روشنی ننموده‌اند و بیشتر به ذکر مصادیق و حدود و ثغور آن پرداخته‌اند. آنچه که از جرایم علیه امنیت به ذهن متبادر می‌شود، همان جرایم علیه حاکمیت و اساس نظام می‌باشد که به موجب قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد آن

ممنوع است، م ۷۱ مقرر می‌دارد «اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.» و یک مفهوم کلی و عمومی از آن استنباط می‌شود که البته این مفهوم در خصوص همه جرایم عمومی و حکومتی که با شکایت شاکی رسیدگی به آن شروع می‌شود و با گذشت شاکی مختومه نمی‌شود (مثل کلاهبرداری، خیانت در امانت)، تا حدودی به ذهن متبادر می‌شود، چرا که در همه جرایم عمومی، به نوعی به نظم عمومی جامعه و نظام حاکم بر آن و اعتماد مردم (در مفهوم کلی و عمومی) لطمه وارد می‌شود و به همین دلیل علی‌رغم صرف نظر کردن شاکی پرونده، حاکمیت و دولت همچنان پیگیر بوده و مسترد نمودن شکایت و اعلام گذشت توسط شاکی موجب مختومه شدن پرونده نمی‌شود و مجرم از باب جنبه عمومی بزه در صورت وجود ادله کافی محکوم می‌گردد. اما در جرایم علیه امنیت، این صدمه و لطمه از ناحیه مجرم مستقیماً بر پیکره حکومت وارد می‌شود و البته شاید گاهی در جرایمی مثل قطاع‌الطریق و اسلحه کشیدن در برابر مردم، هر چند نسبت به یک شخص یا گروهی اثر مستقیم دارد. لکن اثر غیر مستقیم آن بر حکومت بیش از اثر مستقیم آن می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، در کتاب تعزیرات، قانونگذار ۱۵ ماده یعنی از مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ را به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی اختصاص داده است. در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، نیز فصل دوم از مواد ۱۷ تا ۲۸ ذیل عنوان «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» ذکر شده‌اند. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در حقوق کیفری همه کشورها یک قسمتی را به خود اختصاص داده است و جزء جرایم مهم کشور محسوب می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۷). حاکمیت ملی همواره مهم‌ترین ارزش برای ملت‌ها بوده است و با توجه به تلاش حکام در جهت حفظ قدرت و حاکمیت خود و خطراتی را که جرایم علیه امنیت می‌توانند برای حاکمیت و استقلال ایجاد کنند از قدیم الایام مقررات سختی راجع به جرایم علیه امنیت وجود داشته است. که برخی از این مقررات از نظر زمانی مقدم بر مقررات راجع به سایر جرایم و مقررات مربوط به حقوق جزای عمومی بوده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). در ایران باستان قوانینی که برای خیانت پیشگان و فراریان از جنگ وضع شده بود بسیار سخت و از جمله این بود که موجب

هلاکت همه خویشانش می‌شده است(صانعی، ۱۳۷۲، ص ۸۵-۸۴؛ راوندی، ۱۳۶۸، صص ۹-۱). خیانت به وطن، تجاوز به حرمت کاخ شاهی، نزدیک شدن به کنیزان شاه، نشستن بر تخت و بی‌ادبی نسبت به خاندان سلطنتی کیفر مرگ را در پی داشته است. در اینگونه حالات گناهکار را مجبور می‌کردند که زهر بنوشد یا او را به چهار راه میخ کشیده و به دار می‌آویختند یا سنگسار می‌نمودند یا بدن او را در خاک می‌کردند یا سرش را میان دو سنگ بزرگ می‌کوفتند(راوندی، ۱۳۶۸، ص ۱۲). در کشورهای اروپایی مثل فرانسه و انگلستان نیز خائن به کشور به شدیدترین مجازات محکوم می‌شد. (سر بریدن، قطعه قطعه کردن بدن و سوزاندن اجساد خائنین) و چه بسا کشورها در موارد بسیار به دلیل اهمیت این جرایم از بسیاری از اصول پذیرفته شده حقوق جزا در سطح بین المللی عدول می‌کنند. بعنوان مثال ماده ۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ که محاکمه و مجازات ایرانیان و بیگانگانی را که در خارج از قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم مندرج در متن ماده که از جمله جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی و استقلال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، شوند، طبق قوانین جزایی ایران پیش‌بینی کرده است که این امر مغایر اصل درون مرزی یا سرزمینی بودن حقوق جزا می‌باشد. به هر حال از مجموع این مطالب اینگونه استنباط می‌شود که جرایم علیه امنیت، مستقیماً با استقلال، تمامیت ارضی و امنیت کشور سروکار دارند. مثل جاسوسی برای دشمن یا تحریک نظامیان به فرار از مقابل دشمن یا تسلیم شهر یا هواپیما به دشمن، همکاری با دولت خارجی متخاصم یا اخفای دشمن یا معرفی جاسوس به کشور بیگانه که سه مورد اخیر موضوع مواد ۵۰۸ و ۵۱۰ قانون تعزیرات می‌باشد. گاهی جرایم علیه امنیت بدون برخورد با استقلال و تمامیت ارضی تنها به هرج و مرج و اغتشاش در داخل کشور می‌انجامد مثل تحریک مردم به کشتار موضوع ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات، که جرایم دسته اول جزء جرایم ضد امنیت خارجی و جرایم دسته دوم جزء جرایم ضد امنیت داخل کشور تلقی می‌شود(میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، صص ۲۴، ۱۷ و ۲۶).

لذا با توجه به مطالب گفته شده و حساسیت و اهمیت اینگونه جرایم و لزوم برخوردی جدی از سوی حاکمیت با اینگونه جرایم و مجرمین، معمولاً ارفاق‌هایی مانند تعلیق اجرای مجازات و نیز اعمال مجازات‌های جایگزین شامل

اینگونه جرایم نمی‌شود. مگر اینکه در خود قانون یکسری معافیت‌ها و تخفیفاتی برای مجرمین پیش‌بینی شده باشد مانند م ۵۰۷ در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، همکاری موثر با ماموران دولتی یا اطلاع دادن به ماموران در خصوص اسامی اشخاص دخیل در فتنه و فساد قبل از تعقیب، از سوی فرد مجرم از موجبات معافیت از مجازات‌های قانونی آن جرم می‌باشد. مگر اینکه شخص مرتکب جرم دیگری شده باشد که فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد. علت ممنوعیت اعمال مجازات‌های جایگزین در خصوص اینگونه جرایم، اهمیت آن می‌باشد چرا که اینگونه جرایم، امنیت جامعه و به تبع آن امنیت و آسایش مردم را به مخاطره می‌اندازد و مردم نیز انتظار برخورد جدی با اینگونه جرایم را دارند و آزاد گذاردن اینگونه افراد نه تنها موجب ایجاد هرج و مرج و اغتشاش مجدد در جامعه و متزلزل شدن ارکان نظام و حاکمیت می‌شود و آن اهدافی که از مجازات‌های جایگزین حبس انتظار می‌رود، ناکام می‌ماند، بلکه برای مردم جامعه نیز خطرناک است لذا در اینگونه جرایم (در مواردی که مجازات قانونی حبس می‌باشد) اعمال حبس موثرتر در اصلاح و بازپروری مجرم و جلوگیری از تکرار جرم و حفظ امنیت جامعه می‌باشد.

## ۲-۳-۳ ارتکاب جرایم عمدی متعدد

از موارد ممنوعیت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، ارتکاب جرایم عمدی متعدد می‌باشد. در این خصوص ماده ۷۲ مقرر می‌دارد « تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.» ماده ۶۶ نیز مقرر می‌دارد « مرتکبین جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر این که به دلیل ارتکاب جرم عمدی به شرح زیر دارای سابقه محکومیت کیفری باشند و از اجرای آن پنج سال گذشته باشد:

۱- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری؛

۲- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

در ماده ۶۶ قانون آمده است که « دادگاه می‌تواند مرتکبین جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود ماده ۶۵ اعمال مجازات های جایگزین ممنوع است.» در خصوص ارتکاب جرایم عمدی متعدد، علت ممنوعیت اعمال مجازات های جایگزین حبس، آن است که ارتکاب جرایم متعدد عمدی از سوی یک نفر حاکی از متجری بودن مجرم و عادت کردن او به ارتکاب جرم می‌باشد و این حالت، حالت خطرناک مجرم می‌باشد. لذا، هرچند مجازات حبس دارای آثار و معایب فراوانی می‌باشد و توسل کشورها به مجازات های جایگزین حبس برای کاهش یا از بین بردن آثار مخرب حبس و اصلاح و پیشرفت نظام عدالت کیفری کشورها و در نهایت برقراری عدالت در جامعه می‌باشد، عدالت به این مفهوم که با هر کس هر آنچه که در حد و ظرفیت اوست، برخورد شود. عدالت یعنی خانواده مجرم فدای او نشود، آینده مجرم فدای حال و گذشته او نشود. یعنی فرصت دوباره زندگی کردن و اجتماعی شدن به مجرم داده شود. عدالت یعنی حق زیان دیده ستانده شود و حق جامعه و مردم جامعه از مجرم گرفته شود و نیز صدمات و آسیب‌های وارده به بزه‌دیده و جامعه جبران شود. هرچند اعمال مجازات‌های جایگزین دارای فواید بسیار و اهداف واضح و روشنی می‌باشد، لکن در مورد مجرمین خطرناک و به عادت، نه تنها هیچگونه تاثیر مثبتی نداشته بلکه نتیجه معکوس خواهد داد. لذا در مورد مرتکبین جرایم عمدی متعدد اعمال مجازات‌های جایگزین که به نوعی ارفاق و تخفیف به حال مجرم می‌باشد، ممنوع است. در خصوص تعلیق اجرای مجازات، یکی از شرایط اعمال تعلیق اجرای مجازات، نداشتن سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به

علت ارتکاب جرم‌های عمدی با هر میزان مجازات، نداشتن محکومیت قطعی به مجازات حبس بیش از یکسال در جرایم عمدی، محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال می‌باشد.

البته در ماده ۶۶، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس اجباری بوده و در ماده ۶۷ اختیاری می‌باشد و در هر دو ماده شرط ممنوعیت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس داشتن سابقه محکومیت کیفری با شرایط مقرر در قانون می‌باشد .

### ۳-۳-۳ ارتکاب جرایم عمدی با مجازات قانونی بیش از یکسال حبس و تخفیف آن به کمتر از

#### یکسال

یکی از موارد منع اعمال مجازات‌های جایگزین حبس موضوع ماده ۷۳ می باشد که مقرر می دارد:

در جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یکسال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یکسال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.

در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس، مشخص شده است که با نهاد تخفیف متفاوت می‌باشد و دو مقوله جدا از هم می‌باشند. البته در جایی که یک نوع از تخفیف مجازات، تبدیل مجازات قانونی به مجازات دیگری که مناسب تر به حال متهم باشد، به نوعی با مجازات‌های جایگزین حبس دارای وجه مشترک می‌باشد. اما واقعیت این است که تاسیس تخفیف موضوع ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با مجازات‌های جایگزین حبس متفاوت بوده و البته وجود جهات تخفیف یکی از شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد که جهات تخفیف در ماده ۳۸ ق.م.ا. سال ۱۳۹۲ بیان گردیده است. لذا در صورتیکه مجازات قانونی جرم عمدی بیش از یکسال حبس باشد و دادگاه با استفاده از جهات تخفیف مجازات را به کمتر از یکسال تخفیف دهد، امکان اعمال مجازات‌های جایگزین حبس وجود ندارد چرا که مجازات‌های جایگزین حبس یک نوع مجازات ارفاق‌آمیز به حال



مجرم می‌باشد لذا نمی‌شود همزمان از دو ارفاق قانونی برای مجرم استفاده کرد و هم مجازات قانونی مجرم را تخفیف داده و هم جایگزین حبس را اعمال کرد. کما اینکه در بحث تخفیف مجازات در تبصره ۲ ماده ۳۲ ق.م.ا. آمده است «چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در موارد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد». لذا در این مورد نیز چون وجود جهات تخفیف برای اعمال مجازات‌های جایگزین حبس لازم می‌باشد، دادگاه نمی‌تواند از این جهات هم برای تخفیف مجازات و هم اعمال مجازات‌های جایگزین حبس (تخفیف مضاعف) استفاده کند.

البته در متن ماده مشخص نشده که حداقل مجازات قانونی بیش از یکسال حبس است یا حداکثر، که با توجه به مفاد آن و قواعدی که در بحث تخفیف وجود دارد می‌توان سه فرض را در این خصوص مطرح کرد. فرض اول، منظور قانونگذار این است که حداقل مجازات یکسال و حداکثر بیش از یکسال می‌باشد. چون منظور از تخفیف مجازات در جرایمی که مجازات آنها دارای حداقل و حداکثر می‌باشد، کمتر از حداقل می‌باشد (حکم به مجازات از حداقل تا حداکثر اختیار قاضی می‌باشد). البته فرض دوم را اینگونه می‌توان استنباط کرد که منظور قانونگذار جرایمی می‌باشند که مجازات آن دارای حداقل نبوده و تنها حداکثر مجازات قانونی آن مشخص شده باشد. مثلاً در ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص محو یا شکستن مهر و پلمپ در خصوص مجازات مستحفظ آمده است که مجازات مستحفظ در صورتی که جرم به واسطه اهمال او واقع شود، یک تا شش ماه حبس یا حداکثر ۷۴ ضربه شلاق می‌باشد که در اینجا حداقل مجازات شلاق یک ضربه می‌باشد و قاضی اختیار دارد که مجرم را از یک ضربه تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم کند و اعمال تخفیف نیز در اینخصوص کمتر از حداکثر مجازات می‌باشد. مثلاً اگر مجازات قانونی جرمی حداکثر سه سال حبس باشد، قاضی می‌تواند با اعمال تخفیف کمتر از سه سال تا یک روز محکوم نماید. و حالت سومی که متصور می‌باشد این است که حداقل و حداکثر مجازات بیش از یکسال می‌باشد و دادگاه با اختیار حاصله و وجود جهات تخفیف به کمتر از یکسال حکم حبس دهد. که در اینصورت امکان اعمال مجازات جایگزین وجود ندارد، که این فرض با مفاد ماده ۷۳ سازگارتر می‌باشد چرا که

زمانیکه قانونگذار مجازات قانونی را بیش از یکسال بیان کرده است، لذا نمی‌توان گفت که منظور این است که حداقل مجازات یکسال باشد، چون حداقل مجازات نیز جزء مجازات قانونی می‌باشد. و همچنین فرض دوم نیز منتفی می‌باشد چرا که این مبحث در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد و هر جا در قانون مجازات اسلامی، مجازات جرمی حبس باشد، قانونگذار از سیستم حداقل و حداکثر پیروی کرده است و بعید به نظر می‌رسد که حداقل مجازات را تعیین نکرده باشد.

### ۳-۳-۴ تخفیف و تبدیل

ماده ۷۷ مقرر می‌دارد « قاضی اجرای احکام مجازات‌های جایگزین حبس که به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار خواهد داشت می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجراء حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند». در ماده ۸۰ نیز مقرر می‌دارد « چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای حکم برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد». در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ موادی پیش‌بینی شده که مجازات‌های جایگزین حبس، مورد تغییر واقع شود و این تغییر به صورت تخفیف، تشدید یا تبدیل به مجازات جایگزین دیگر می‌باشد یا اجرای مجازات جایگزین موقتاً متوقف می‌شود در خصوص تبدیل مجازات‌های جایگزین حبس به مجازات دیگر به نظر می‌رسد که منظور از تبدیل در اینجا در واقع نوعی تخفیف باشد و همانطور که در بحث تخفیف در مباحث قبلی توضیح دادیم یکی از شقوق تخفیف، تبدیل مجازات قانونی به مجازات دیگری است که مناسب تر به حال متهم باشد و در واقع نیازی به بیان تبدیل به صورت جداگانه نبوده است چرا که عنوان تخفیف، تبدیل را در بردارد. اما در خصوص اینکه مجازات‌های جایگزین حبس از نظر درجه شدت و اهمیت و مناسب‌تر بودن به حال متهم چگونه طبقه بندی می‌شوند جای بحث دارد. و اگر از ترتیبی که در قانون مجازات اسلامی در بیان و تعریف مجازات‌های جایگزین حبس به کار رفته است، استفاده کنیم باید بگوییم که به ترتیب اهمیت و شدت مجازات ابتدا دوره مراقبت، بعد

خدمات عمومی رایگان، بعد جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی از اهمیت برخوردارند. یعنی خدمات عمومی رایگان از دوره مراقبتی سبک‌تر و مناسب‌تر به حال متهم است و همین‌طور جزای نقدی از خدمات عمومی و جزای نقدی روزانه از جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی از جزای نقدی کم اهمیت‌تر و سبک‌تر می‌باشند و اجرای آنها برای متهم آسان‌تر می‌باشد. البته شاید این ترتیب تا حدودی صحیح به نظر برسد، ولی نمی‌شود در همه موارد ساری و جاری دانست. شاید پرداخت جزای نقدی برای مجرمین متمکن راحت‌ترین کار باشد و حاضر باشند چند برابر این مبلغ را بپردازند و خدمات عمومی رایگان انجام ندهند یا در دوره مراقبتی قرار نگیرند ولی از آن طرف، همین پرداخت جزای نقدی یا جزای نقدی روزانه برای مجرمین کم بضاعت دشوارترین مجازات می‌باشد و چه بسا که به لحاظ عجز و ناتوانی از پرداخت آن مجدداً به زندان معرفی شوند و برای اینگونه افراد خدمات عمومی رایگان و یا دوره مراقبتی مناسب‌تر می‌باشد و یا محرومیت اجتماعی با شرایطی که در قانون آمده است، برای مجرمین سخت‌ترین مجازات باشد. لذا در بحث تبدیل مجازات به مجازات سبک‌تر و مناسب‌تر می‌بایست قاضی صادرکننده رای، جمیع اوضاع و احوال را مدنظر قرار دهد. البته پیشنهاد تخفیف و تبدیل مجازات از سوی قاضی اجرای احکام به قاضی صادرکننده رای داده می‌شود. و این منوط به این است که محکوم، مفاد حکم دادگاه را رعایت نموده به گونه‌ای که حاکی از اصلاح رفتار وی باشد. البته تبدیل مجازات جایگزین حبس به مجازات دیگر ممکن است از باب تخفیف و اعمال مجازات مناسب‌تر نسبت به مجازات قبلی نباشد، بلکه علل دیگری از جمله وضعیت جسمانی محکوم و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی یا مواردی از این قبیل داشته باشد که در تبصره ۴ ماده ۸۴ پیش‌بینی شده است. البته در ماده ۸۰ شرایط اعطای تخفیف قید شده است و در صورت رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام فقط برای یکبار، بقیه مدت مجازات تا نصف آن تقلیل می‌یابد. ولی در خصوص تبدیل مجازات، قانونگذار به ماده ۷۷ و تبصره ۴ ماده ۸۴ در مبحث خدمات عمومی رایگان بسنده کرده است و در مواد دیگر غیر از مواد فوق در خصوص شرایط و نحوه تبدیل مجازات بحث نکرده است. میزان تخفیف

نیز همانطور که در ماده ۸۰ آمده است، تا نصف بقیه مدت مجازات می‌باشد و همانگونه که از متن ماده فهمیده می‌شود، اعطای تخفیف یا تبدیل مجازات اختیاری است و از کلمه «می‌تواند»، این نتیجه استنباط می‌شود ولی اختیار دادگاه در اعطای تخفیف تا نصف بقیه مدت مجازات می‌باشد. مثلاً در دوره مراقبتی که محکوم علیه به یکسال دوره مراقبتی محکوم شده است و شش ماه از حکم را سپری کرده است که قاضی اجرای احکام تقاضای تخفیف را می‌دهد. دادگاه صادرکننده رای در صورت وجود سایر شرایط می‌تواند تا سه ماه مجازات دوره مراقبتی را تقلیل دهد و دادگاه نمی‌تواند بیش از سه ماه مجازات را تخفیف دهد چرا که در متن ماده «تا نصف» را بیان کرده است که خود نصف را نیز شامل می‌شود (غایت داخل در معنی می‌باشد). البته «تا نصف» اختیاری می‌باشد که یا نصف مجازات باقیمانده یا کمتر از آن تخفیف دهد (از یک روز تا سه ماه در مثال فوق تخفیف دهد) ولی بیش از نصف اختیاری ندارد و اختیار دادگاه در محدوده تعریف شده قانون می‌باشد و فقط یکبار اختیار اعطای تخفیف را دارد و بیش از یکبار اختیاری ندارد.

بحث دیگری که مطرح می‌شود این است که منظور از اصلاح رفتار چیست و چه اعمالی حاکی از اصلاح رفتار می‌باشد؟ آیا صرف اجرای دستورات دادگاه و مفاد حکم حاکی از اصلاح رفتار می‌باشد؟ به نظر می‌رسد که اصلاح رفتار یک مقوله کلی و درونی می‌باشد. چنانچه در متن ماده ۸۰ آمده است صرف رعایت مفاد حکم دادگاه حاکی از اصلاح رفتار نیست بلکه گاهی ممکن است محکوم برای رهایی از شرایط فعلی و گذراندن دوره محکومیت، اجباراً مفاد حکم را رعایت کند ولی از درون اصلاح نشده باشد و تغییرات رفتاری در ایشان مشاهده نشود، اما هدف از اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، اصلاح مجرم و بازپروری ایشان می‌باشد. و منظور از اصلاح، اصلاح درونی و رفتاری ایشان می‌باشد به گونه‌ای که از کرده خود پشیمان و تبدیل به انسان دیگری شده باشد که حتی فکر ارتکاب جرم نیز دیگر سراغش نیاید. به عبارت دیگر تحول درونی در او ایجاد شود که در مقوله توبه نیز این تحول درونی شرط می‌باشد و چنین توبه‌ای است که ساقط کننده حد می‌باشد. اما پی بردن به حالات درونی انسان، از سوی انسان دیگر ممکن نیست و تنها خالق یکتا، آگاه به حال و احوال انسانهاست.

لکن از حالات ظاهری، حرکات ظاهری و رفتار فیزیکی فرد می‌توان پی به حالات درونی او برد. هرچند این ملاک نسبی است و مطلق نمی‌باشد (بحث ریا) لکن در مقوله تخفیف نیز قاضی اجرای احکام که ناظر بر اجرای مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد؛ با مشاهده اعمال و رفتار فرد و تلاش او برای جبران خسارت زیان دیده، رفتار با سایر افراد جامعه، رفتار او در محل کار یا رفتار او با سایر محکومین می‌تواند پی به اصلاح رفتار محکوم ببرد. همانطور که در بحث آزادی مشروط نیز اصلاح رفتار زندانی شرط می‌باشد.

### ۵-۳-۳ تشدید

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ قانونگذار در خصوص تشدید مجازات حساسیت زیادی به خرج داده است. قانونگذار در ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، به صورت کلی به عنوان تشدید اشاره کرده است: «قاضی اجرای احکام مجازات‌های جایگزین حبس که به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار خواهد داشت می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند».

در ماده ۸۱ آمده است «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد».

مشاهده می‌شود که شرایط تشدید مجازات و علل آن در قانون مصوب با آنچه که در عموماً حقوق جزای عمومی بحث شده است، متفاوت است. در واقع علت تشدید در قانون جدید، تخلف از اجرای مفاد حکم دادگاه یا انجام دستورات دادگاه می‌باشد که تشخیص تخلف با قاضی اجرای احکام می‌باشد و حدود تشدید نیز مشخص شده است که برای اولین بار یک چهارم تا یک دوم بر مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار مجازات، حبس اجرا می‌گردد. در واقع در قانون جدید تشدید به آن معنایی که در حقوق جزای عمومی مورد

بحث است، نمی‌باشد. بلکه در واقع به نوعی ضمانت اجرای انجام دستورات دادگاه و اجرای مفاد حکم می‌باشد. همانطور که در بحث تعلیق اجرای مجازات نیز اینگونه ضمانت اجرا آمده است. البته از لحن ماده اینگونه استنباط می‌شود که پس از احراز تخلف و پیشنهاد قاضی اجرای احکام، تشدید مجازات از سوی دادگاه در حدود قانونی الزامی می‌باشد و قاضی در تشدید مجازات از یک چهارم تا یک دوم مختار می‌باشد. لکن بیشتر از یک دوم نمی‌تواند مجازات را تشدید نماید.

سوال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا امکان جمع بین تشدید و تخفیف مجازات وجود دارد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که به نظر می‌رسد منعی در این خصوص وجود ندارد. در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ در تبصره ۲ ماده فوق آمده است که در مورد تعدد جرم نیز دادگاه می‌تواند جهات مخففه را رعایت کند، با توجه به اینکه یکی از علل تشدید مجازات، تعدد جرم می‌باشد، به نظر می‌رسد که تشدید و تخفیف مجازات قابل جمع می‌باشند. دادگاه ابتدا در صورت لزوم با ذکر دلایل تشدید، مجازات را تشدید خواهد کرد و آنگاه با ذکر موارد تخفیف آن‌ها را تا حد مناسب تخفیف خواهد داد و اشکالی از این نظر وجود ندارد (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۴۰۸). البته قانونگذار در ماده ۳۷ در مبحث تخفیف و نیز در مواد مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس در این خصوص سکوت کرده است. منظور از دستورات دادگاه همان دستورات مربوط به دوره مراقبتی می‌باشد که به بحث تعویق مراقبتی ارجاع شده است.

### ۳-۳-۶ توقف موقت

یکی دیگر از مواردی که از موجبات تغییر مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد، توقف موقت اجرای مجازات می‌باشد که قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند (ماده ۷۷) در خصوص علت توقف موقت اجرای حکم، در ماده ۸۲ آمده است که «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه

گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرانشده بعد از رفع مانع اجراء می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد شده باشد مجازات اصلی اجراء خواهد شد.» همچنین در ماده ۷۸ آمده است « محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مغل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای مجازات جایگزین حبس اطلاع دهد».

در خصوص مجازات خدمات عمومی رایگان در تبصره ۴ ماده ۸۴ آمده است : « قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق کرده یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد» و معمولاً توقف موقت اجرای مجازات به علت وجود مانعی می‌باشد که خارج از اراده محکوم می‌باشد مانند تغییر شغل یا تغییر محل اقامت یا بیماری و یا مشکلات خانوادگی و مانند اینها که غیر ارادی بوده و در واقع به صورت عمدی و جهت جلوگیری از اجرای حکم یا توقف آن نمی‌باشد. چرا که در صورت عمدی بودن ایجاد موانع از سوی محکوم، در قسمت ذیل ماده ۸۲ تعیین تکلیف کرده است و مجازات اصلی اجرا می‌شود. البته تشخیص این موارد نیز با قاضی مجری حکم می‌باشد و ایشان پیشنهاد توقف موقت اجرای مجازات را به قاضی دادگاه می‌دهد و از هر قسمتی از حکم که اجرای آن متوقف شده بعد از سپری شدن مدت توقف، مابقی حکم به اجرا گذارده می‌شود. البته بهتر بود که قانونگذار حداکثر مدت توقف اجرای مجازات را مشخص می‌کرد، همانطور که در بحث خدمات عمومی رایگان تا سه ماه مشخص کرده است. چرا که توقف موقت به مدت زیاد، هرچند موقت باشد، اما اثرات اجرای مجازات کم رنگ می‌شود و آن اثراتی را که اجرای سریع و به موقع مجازات می‌گذارد، را ندارد. لذا چنانچه مانع ایجاد شده طولانی شود، بهتر است به جای توقف موقت، مجازات مورد حکم تبدیل به مجازات دیگری که نسبت به محکوم قابل اجرا باشد، شود. همانطور که در بحث خدمات عمومی در تبصره ۴ ماده ۸۴ آمده است.

### ۷-۳-۳ لغو مجازات های جایگزین حبس

با توجه به اینکه اجرای مجازات‌های جایگزین شرایط خاص را می‌طلبد طبیعی است در مواردی که تشخیص داده شود این مجازات نمی‌بایست در مورد فردی ادامه داشته باشد لغو شود که در مباحث قبلی توضیحاتی بیان شد و در بحث تشدید مجازات و توقف موقت به آن اشاره شده است. مثلاً در مبحث تشدید مجازات، موضوع ماده ۸۱، در صورت تکرار تخلف برای بار دوم، مجازات حبس به موقع به اجرا گذارده می‌شود و مجازات جایگزین حبس لغو می‌شود. یا در ماده ۸۲ چنانچه ایجاد مانع به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای توقف اجرای مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود و مجازات جایگزین حبس لغو می‌گردد. معمولاً لغو مجازات‌های جایگزین حبس ناشی از افعال عمدی محکوم می‌باشد که موجب اختلال در اجرای حکم مجازات جایگزین می‌شود و با این کار محکوم استحقاق خود را در برخورداری از مجازات‌های جایگزین حبس از دست می‌دهد و مجازات اصلی در مورد او اجرا می‌شود. مثلاً تغییر عمدی محل سکونت به منظور ایجاد مانع در اجرای حکم و عدم اطلاع عمدی به قاضی مجری حکم از موجبات لغو مجازات جایگزین حبس و اجرا مجازات اصلی طبق مواد ۷۸ و ذیل ماده ۸۲ می‌باشد. البته در تبصره ماده ۸۱ آمده است که «دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را صریحاً قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید». لذا در بحث تخفیف یا تشدید مجازات یا تبدیل مجازات، دادگاه صادرکننده رأی می‌بایست در حکم خود آثار تبعیت و تخلف از حکم دادگاه که همان بحث تخفیف و تشدید و لغو می‌باشد را بیان کند تا برای محکوم عذر و بهانه‌ای مبنی بر عدم اطلاع، علی‌الخصوص در باب تشدید و لغو مجازات جایگزین وجود نداشته باشد. هر چند ذکر مجازات‌های جایگزین حبس در قالب فصل جداگانه در قانون مجازات اسلامی، یک تحول بزرگ در سیستم تقنینی کشور و در راستای ارتقاء نظام عدالت کیفری و حقوق کیفری کشور و همگام سازی با مجامع بین‌المللی و حقوق بین‌المللی می‌باشد لکن می‌بایست حدود و ثغور این مجازات‌ها و امکانات و شرایط اجرای آن به صورت دقیق‌تر و واضح‌تر بیان



می‌شد تا موجب بروز اختلاف نظر در مراجع قضایی در مرحله صدور حکم و اجرا نمی‌شد. هر چند هر متن قانونی ولو بسیار صریح و واضح باشد، در مرحله اجرا موجب ایجاد تعدد نظر و اختلاف رویه است که مباحث فراوانی را می‌طلبد ولی حداقل دقت بیشتر در قانون نویسی و مشخص کردن حدود و شمول مواد، از اختلافات بعدی می‌کاهد و قضات در مرحله صدور حکم و اجرا کمتر متوسل به تفسیر قضایی می‌شوند.

### ۵-۳ تاثیر جایگزین های حبس بر بازدارندگی از جرم

همواره در طول تاریخ بزهکاری و ارتکاب جرم و جنایت به عنوان پدیده‌ای غیر انسانی و ضد ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی شناخته شده و تبهکاری به عنوان تکان دهنده‌ترین آسیب اجتماعی در روابط میان فرد و جامعه مطرح بوده است. واکنش‌های فردی و اجتماعی نیز پیوسته در برابر اعمال تبهکارانه خطاکاران ترافیعی و تنبیهی نمود یافته و در قالب اعمال مجازات‌های گوناگون تجلی پیدا می‌کرده است. به همین خاطر پیش‌بینی و اجرای قوانین و مقررات جزائی در هر جامعه، به عنوان وسیله‌ای برای صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی موضوعی است که همه دانشمندان و حقوقدانان آن را برای تنظیم روابط بین افراد و برقراری نظم و امنیت و اجرای عدالت کیفری ضروری می‌دانند. در این راستا واکنش متناسبی که جامعه در مقابل جرم بر بزهکار تحمیل می‌نماید آزادی تن و تحمیل کیفر حبس‌های کوتاه مدت یا بلند مدت بر مجرمین می‌باشد. از طرف دیگر تحمیل کیفر حبس بر محکومین در جهت اصلاح و تربیت و تهذیب اخلاقی آنها به اجرا گذاشته می‌شود. جرم، برآورده نکردن انتظارات مدون مربوط به موقعیت و نقش‌های اجتماعی است که برای آن، مجازات مشخصی تعیین شده، جرم انجام فعل و یا ترک فعلی است که قانونگذار برای پیشگیری از وقوع آن مجازات مشخصی تعیین نموده است. بخشی از پیشگیری از وقوع جرم با تعیین مجازات و تنبیه متناسب با جرم مجرمین و اعمال آن است. مجازات تاثیر بازدارندگی بر ارتکاب به جرم و تکرار آن را دارد. مجازات، تهدید محرومیت از پاداش، جریمه و یا کیفری است که متناسب با هنجارها و ارزش‌های رعایت نشده مورد انتظار از یک کنشگر در یک موقعیت اجتماعی به او تحمیل می‌شود. مجازات، تنبیه کنشگری است که نقش خود را به خوبی ایفا نکند و به

طور کلی دو نوع رسمی و غیررسمی است. نوع غیررسمی مدون نشده و عموماً در نظارت اجتماعی غیر رسمی توسط دیگر کنشگران اعمال می‌شود. مانند اعتراض و یا تمسخر فردی که زباله در خیابان بریزد. نوع رسمی مجازات مشخص و مدون است که توسط مراجع ذیصلاح رسمی اعمال می‌گردد. مانند جریمه فردی که زباله در خیابان میریزد توسط پلیس. مجازات رسمی کیفر مدون تخطی از نقش است که به وسیله دستگاه قضائی و ضابطین آن اعمال می‌شود.

مجازات‌های جایگزین حبس برای رفع مضرات حبس و مفید و کارآمدتر نمودن مجازات‌ها به وجود آمده‌اند. مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس مجازات‌های جایگزینی هستند که با توجه به نقش‌های مجرم، سرمایه‌های او، میزان خسارت و لطمه‌ای که به جامعه و زیان‌دیدگان وارد کرده‌اند و با مشارکت دیگر نهادهای دولتی، عمومی و مردمی به مجرمین اعمال می‌شود. کیفر حبس دارای برخی ویژگی‌ها و اهدافی می‌باشد که مانع از ارتکاب جرم شده و در مقابل نیز از پیامدهایی برخوردار است که تاثیر منفی بر مجرم و جامعه می‌گذارد. زندان موجب ارتقا اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری شده و تا اندازه ای باعث بازدارندگی عمومی از ارتکاب جرم می‌شود. از نظر آنها در شرایط فعلی مجازات زندان نسبت به سایر مجازات‌ها از قطعیت بیشتری برخوردار بوده و قابلیت اجرای بیشتری دارد. البته بیشتر آنان معتقدند که همچنان مجازات زندان موجب ناتوانسازی مجرمین خطرناک می‌شود و خطرات وجود آنها را از جامعه را از بین می‌برد و در نهایت مجازات زندان به دلیل نظارت بر مجرم می‌تواند در شرایطی و برای مجرمینی خاص، دارای کارکردهای مثبتی باشد. مجازات زندان موجب افزایش فرهنگ‌های بزهکاری و یادگیری رفتار مجرمانه زندانیان با عضویت در این خرده فرهنگها، همکاری‌های بانندی پس از آزادی و حرفه‌ای شدن مجرمین ساده از دیگر پیامدهای منفی زندان می‌باشد که در ارتکاب مجدد جرم تأثیر دارد. خوردن برچسب منحرف به فرد زندانی پس از آزادی، وارد شدن آسیب روانی، جسمانی، اقتصادی و خانوادگی به مجرم، تکرار جرم و از بین رفتن جنبه ارعابی زندان، بی اعتمادی به قانون و دستگاه قضایی از سوی خود مجرم و افراد جامعه پیامدهای منفی مهمی است که متخصصین به آن اشاره کرده‌اند. با توجه به همین معایب کیفر

حبس، بحث از مجازات‌های جایگزین مطرح می‌شود. حقوقدانان برای جایگزین‌های حبس به شرط اجرای صحیح، دقیق و اصولی، ویژگی‌های مثبتی قائل شدند که می‌تواند موجب کاهش جرم در جامعه شود؛ از جمله برآورده ساختن اهداف مجازات نظیر: اصلاح مجرم، به این معنی که با جامعه سازگار شده و به عنوان شهروندی متعهد در جامعه فعالیت کند. بازدارندگی، هم برای مجرم و هم برای افراد جامعه، مساعدت و سرپرستی وی، تقویت حس مسئولیت پذیری، افزایش تعهد مجرم به جامعه، افزایش حضور وی در جامعه، مشارکت جامعه مدنی در اجرای مجازات و ویژگی‌هایی که پیامدهای منفی حبس را دارا نمی‌باشد.

درمورد میزان بازدارندگی جرم در مجازات‌های جایگزین طی مطالعه مقالات و پژوهش‌هایی که از زمان تصویب قانون مصوب ۹۲ بصورت میدانی و طرح پرسشنامه و بررسی آرای دادگاهها صورت گرفته نتایجی بدست آمده که شایسته است به آن اشاره داشته باشیم. درمقاله‌ای تحت عنوان میزان بازدارندگی مجازات‌های جایگزین حبس از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ در شهرکرد آمار بدست آمده درمورد بازگشت به جرم توسط مجرمان سرقت و افترا و غیره تحت تبدیل مجازات به جزای نقدی ۳۰ درصد افراد بازگشت به جرم داشته‌اند. بازگشت به جرم توسط مجرمان سرقت و افترا و غیره تحت طرح امید ۷/۶ درصد اعلام شده است ( طرح امید یک سری کلاس‌هایی است که در آن افراد خطا کار نسبت به خطایی که انجام داده اند آگاه می‌شوند تا از تکرار آن پیشگیری شود ) درمورد مجرمان سرقت و افترا و غیره تحت معرفی به سامانه الکترونیکی همبند هیچ‌گونه بازگشت به جرمی اعلام نشده است. بازگشت به جرم توسط مجرمان موادمخدر تحت نظارت سامانه الکترونیکی پابند بدون بازگشت به جرم مواد مخدر بوده‌اند و همچنین بازگشت به جرم توسط مجرمان موادمخدر تحت محرومیت از حقوق اجتماعی نشان می‌دهد بازگشت به جرم وجود ندارد (بیگی، ۹۸). از آمارهای بدست آمده از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که نظارت و پیگیری مجرمان می‌تواند نقش بسزایی در بازدارندگی داشته باشد کما اینکه بسیاری از مجرمین به دلایلی مانند مشکلات روحی و یا فقر و مسائل دیگر دست به ارتکاب جرم می‌زنند که با حل مشکل اصلی مانند

جلسات مشاوره و درمان بیماران روحی و یا حل مشکلات مالی در مورد مجرمینی که تحت فشار مالی مجرم شده اند در کنار استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس می‌شود نتیجه‌ی قابل قبولی گرفت.

### ۶-۳ میزان استقبال قضات از مجازات‌های جایگزین:

من باب میزان استقبال قضات دادسراها از مجازات‌های جایگزین و استفاده از آن در صدور احکام جهت بدست آمدن نتیجه‌ی مشخص با توجه به روش تحقیق در این پژوهش که به صورت میدانی نبوده به مطالعه‌ی گزارشات خبرگزاری‌ها و آمارهای اعلام شده از صدور احکام جایگزین در این بازه زمانی ۹ ساله اکتفا نموده و با اشاره به چند مورد از این گزارش‌ها به بررسی عملکرد قوه قضائیه در این مورد می‌پردازیم:

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا فرمودند: امروز شاهد صدور احکام خوبی در زمینه مجازات جایگزین حبس هستیم و مجازات حدود ۴۵ درصد جرایم ما حداکثر زیر ۲ سال حبس است. یعنی این تعداد پرونده‌ها را می‌توان با مجازات جایگزین سزا داد و در مسیر اصلاح متهم گام برداشت (ایسنا، ۹۷).

قاضی و بازپرس رسولی آذر: در پاسخ به این سوال که با توجه به آثار زیانبار مجازات حبس، چرا قضات کشور در انتخاب مجازات‌های جایگزین آن خلایقیت لازم را به کار نمی‌گیرند؟ فرمودند: نگرش قاضی در تعیین مجازات تاثیر بسزایی دارد. قضاتی که این قانون را اجرا می‌کنند هنوز تربیت شده و پرورش یافته سیستم سابق هستند. بنابراین قاضی که به بازدارندگی و اصلاح و تربیت و بازپروری مجرمین اعتقاد و یا مطالعات کافی ندارد به مسئله مجازات جایگزین حبس نیز توجهی نمی‌کند دادستان تهران در اقدامی بسیار بجا معاونین خود و بسیاری از قضات را به بازدید دوره‌ای از زندان‌ها مکلف می‌کنند تا متوجه شوند که تصمیمات آنها چه بستری را فراهم می‌کند. در عین حال قضاتی هم که علاقمند به اصلاح و تربیت و پیشگیری از جرم هستند نباید افراط کنند و برای هر مجرمی هم مجازات جایگزین حبس تعیین نکنند تا قاطعیت از بین نرود. قضات باید در تعیین

مجازات‌ها تمرکز به خرج دهند و وقت بیشتری بگذارند. انواع جایگزین‌های مجازات حبس نیز در قانون تعیین شده است. (رادپو گفتگو، ۹۷).

حجت الاسلام و المسلمین سید کاظم موسوی در گفت‌وگو با میزان، با اشاره به اینکه کاهش جمعیت کیفری و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس یکی از اولویت‌های اساسی این مجموعه در استان است، گفت: بر اساس آمار موجود در سال گذشته بیش از هشت هزار و ۴۸۴ حکم جایگزین حبس در فارس صادر شده است. رئیس کل دادگستری استان فارس اضافه کردند این میزان حکم جایگزین حبس معادل ۲۲ درصد از محکومیت‌های حبس در سال گذشته است (خبرگزاری میزان، ۱۴۰۱).

صدور ۱۲۰۰ حکم جایگزین حبس تنها در سال ۹۹ از سوی یک قاضی (خبرگزاری میزان، ۱۴۰۰): این خبرنگار دهنده استقبال تنها یک قاضی از جایگزین‌های حبس می‌باشد که به شخصه قدم مثبتی در اصلاح مجرمان می‌تواند داشته باشد اما همانطور که می‌دانیم تنها یک قاضی کافی نیست

باتوجه به مطالب عنوان شده می‌توان گفت مجازات‌های جایگزین حبس باوجود گذشت ۹ سال از تصویب قانون هنوز توسط قضات استقبال قابل توجهی نداشته که این مساله می‌بایست مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

نتیجه گیری و

پیشنهاد ها

## نتیجه گیری:

باتوجه به مطالعات صورت گرفته و مطالب گفته شده درمورد مجازات‌های جایگزین حبس و بررسی آمارهای موجود براساس آرای قضایی که در تحقیقات حقوقدانان ذکر شده می‌توان نتیجه بدست آمده از این تحقیق را به این صورت بیان نمود:

زندان از قدیم الایام بعنوان نوعی مجازات در قوانین کشورها بوده است که باگذشت زمان و بالارفتن سطح تفکر افراد و بررسی‌های حقوقدانان ایرادات و عواقب این جزا درکنارنکات مثبت آن نمود پیدا کرده و حتی ایرادات آن بیشتر از سودمندی آن شده است. به همین دلیل صاحب‌نظران به دنبال جایگزینی برای حبس رفته‌اند. در ایران نیز در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی مجازات‌های جایگزین حبس رسمیت یافت. باتوجه به مطالعات صورت گرفته و بررسی مطالب به سوالات طرح شده در تحقیق پاسخ می‌دهیم:

## الف) سوالات اصلی

۱. نظام جایگزین حبس به چه نحوی ممکن است بر پیشگیری از تکرار جرم موثر واقع شود؟ در پاسخ به سوال مطرح شده می‌توان گفت در صورتی نظام جایگزین حبس موفق به پیشگیری از تکرار جرم خواهد شد که با تدابیر لازم و پیگیری همه جانبه دستگاه‌های مربوطه اجرا شود. به عنوان نمونه از ایراداتی که مانع به هدف رسیدن این طرح می‌باشد حبس زدایی باهدف کاهش تعداد زندانیان است که هرچند محاسن خود را دارد اما به این دلیل که صرفاً هدف کاهش جمعیت کیفری است ممکن است در مواردی استفاده شود که هدف مورد نظر را در پی نداشته باشد. پس زمانی نظام جایگزین می‌تواند موثر باشد که از ابتدای اجرای آن بر روی مجرم تا آزادی و بازگشت به زندگی و اجتماع توسط ارگان‌های مختلف حمایت شود.

۲. چه میزان از محکومین به جایگزین‌های حبس مرتکب تکرار جرم می‌شوند؟ درمورد این سوال می‌توان اینگونه پاسخ داد که براساس مطالعات انجام شده آمار مشخص رسمی در دسترس نبوده اما در تحقیقات صورت

گرفته در یک بازه زمانی مشخص (سال ۹۳ تا ۹۷) در یک شهرستان مجرمان سرقت و افترا و غیره تحت تبدیل مجازات به جزای نقدی ۳۰ درصد افراد بازگشت به جرم داشته‌اند. بازگشت به جرم توسط مجرمان سرقت و افترا و غیره تحت طرح امید نیز ۷/۶ درصد اعلام شده است. این آمار نشان می‌دهد مجازات جایگزین از نوع تبدیل به جزای نقدی هدف مورد نظر را در پی نداشته که می‌تواند دلایلی چون بی ارزش بودن مبلغ جریمه مورد نظر در مقابل جرم ارتكابی و نداشتن جنبه تادیبی را داشته باشد.

### ب) سوالات فرعی

۱. جهت تاثیر بهتر جایگزین‌های حبس چه ملاک‌هایی می‌بایست اعمال گردد؟ مجازات‌های جایگزین با هدف اصلاحی درمانی بصورت ریشه‌ای و بنیادین و نه صرفاً جهت پایین آوردن جمعیت کیفری بلکه در جهت شناخت روح مجرم و تغییر و اصلاح نگرش او نسبت به عمل ارتكابی و درکنار آن تغییر نگرش جامعه نسبت به محکومین قطعاً تاثیر بسزایی در پیشبرد هدف نظام جایگزین حبس خواهد داشت کما اینکه اشاره شد در طرح امید که مجرم را در کلاس‌هایی نسبت به عمل ارتكابی آگاه می‌کنند میزان بازگشت به جرم آمار پایین‌تری داشته است.

۲. مجازات‌های جایگزین تا چه اندازه از طرف قضات مورد استقبال قرار گرفته است؟ در مورد پاسخ به سوال استقبال قضات از جایگزین‌ها به آمارهای اعلام شده در خبرها رجوع شده و نتیجه‌ی بدست آمده شامل موفق نبودن طرح تا به حال بوده است زیرا که قانون حدود ۹ سال پیش تصویب شده است و انتظار می‌رود بعد از گذشت این مدت زمان از سوی قضات استقبال بیشتری می‌شد که باتوجه به سختی‌هایی که پیش روی قضات در تصمیم‌گیری و صدور این احکام وجود دارد، درکنار استقبال قابل ملاحظه عده کمی از قضات که خبرساز شده است همچنان می‌بایست تدابیر بیشتری در این زمینه به کار گرفته شود.



## الف) فرضیه های اصلی

۱. به نظر می‌رسد جایگزین‌های حبس با تدبیر قضات و انتخاب به جا و در مورد مجرمین خاص اگر صورت پذیرد و همزمان در جامعه فرهنگ‌سازی شود موجب کاهش تکرار جرم خواهد شد: با توجه به توضیحات داده شده در مورد فرضیات تحقیق میتوان گفت فرضیه اول تایید شده و با فرهنگ‌سازی و تدابیر قضات موجب کاهش تکرار جرم شده است.

۲. به نظر می‌رسد مجازات‌های جایگزین حبس در بین مجرمان با سابقه کیفری که با نیت قبلی مرتکب جرم شده‌اند و مجرمینی که مورد بازپروری و بازپذیری جامعه قرار نگیرند تاثیر زیادی نخواهد داشت و مجدداً مرتکب جرم خواهند شد: در مورد این فرضیه به نظر می‌رسد فرضیه رد می‌شود زیرا که در مطالب بدست آمده ذکر شد که بسیاری از مجرمان سرقت افترا و... بعد از طرح امید بازگشت به جرم نداشته‌اند.

## ب) فرضیه های فرعی

۱. جهت تاثیر بهتر جایگزین‌های حبس می‌بایست مجرم بعد از اعمال مجازات هر چند جایگزین همچنان تحت نظر مددکاران و مشاوران متخصص قرار داشته و تدابیری وجود داشته باشد تا ادامه زندگی را بصورت مردم عادی و بدون اثرات مخرب مجرمیت بتواند سپری کند: براساس مطالب بیان شده این فرضیه تایید شده است.

۲- به نظر می‌رسد با توجه به اختیاری بودن این نوع مجازات و اینکه جایگزین‌ها قوانین تازه تصویب می‌باشند هنوز در حد انتظار مورد توجه قرار نگرفته‌اند: این فرضیه نیز تایید می‌شود و انتظار بیشتری می‌رود.

## پیشنهادها:

باتوجه به مطالب بیان شده جهت پیشبرد اهداف مجازات‌های جایگزین امید است پیشنهادهای زیر گامی هرچند کوچک در این زمینه باشد:

۱. شفاف‌سازی و شناسایی دقیق مشکلات و موانع بوجود آمده از زمان تصویب قانون ۹۲ تا به امروز توسط متخصصین و دست‌اندرکاران قضایی و ارائه آمار مشخص به جهت عیب‌یابی و اصلاح ایرادات می‌تواند کمک بسزایی در کاهش تکرار جرم داشته باشد.

۲. توجه و اهمیت جدی‌تر و استفاده تخصصی‌تر و با برنامه‌ای خاص در قالب یک بخشنامه قانونی از پرونده شخصیت متهمان و گسترش آن نسبت به تمامی متهمان نه فقط متهمان احصا شده در قانون و حتی‌الامکان حضور و اظهارنظر روان‌درمانگر و جرم‌شناس در جلسات رسیدگی به منظور تصمیم‌گیری درست‌تر نسبت به صدور حکم توسط قاضی.

۳. باتوجه به اطلاعات بدست آمده در طول این ۹ سال قوه قضائیه اقدام به آموزش قضات در این مورد کرده است اما همچنان نیاز به آموزشی موثرتر احساس می‌شود زیرا که انتظار بیشتری از استقبال قضات نسبت به صدور این احکام می‌رود که این منظور با از بین بردن سختی‌های کار قضات و بحث در مورد چالش‌های قانونی و رسیدن به وحدت رویه در مورد مباحثی که قضات نظرات مختلف دارند ، می‌تواند حاصل شود.

۴. پیشنهاد دیگری که در این زمینه می‌توان ارائه داد بحث آموزش و آگاهی افراد نسبت به جرم و مجازات از سنین پایین به خصوص در مدارس و نحوه برخورد با اطفال بزهکار توسط همسن‌های وی و بازپذیری وی بعد از اجرای مجازات می‌باشد. زیرا که در کنار اجرای مجازات جایگزین که میتواند مضرات زندان را نداشته باشد رفتارهای پس از اجرای مجازات نیز تاثیر بیشتری خواهد داشت. بعنوان مثال کودکی که مرتکب جرم شده و مجازات جایگزین در موردش اجرا شده هرچند آن مجازات در مقابل زندان بسیار سازنده‌تر است اما اگر آن کودک بعدها توسط همسن‌هایش مورد تمسخر قرارگیرد و یا بنابه خواسته خانواده‌ها در جمع همسن‌ها پذیرفته نشود قطعاً تاثیرات بسیار مخربی بر اون خواهد گذاشت که ارتکاب جرایم سنگین‌تری در سنین بالاتر را می‌تواند در پی داشته باشد.

۵. استفاده از تجربیات موفق سایر جوامع در زمینه مجازات جایگزین و تطبیق آن با فرهنگ و عرف جامعه خودمان .

۶. مشارکت صدا و سیما از طریق ساخت برنامه‌هایی در جهت شناسایی مجازات جایگزین حبس، بازپذیری محکومان به جایگزین‌ها توسط جامعه و آموزش نحوه برخورد با این افراد در جامعه جهت پیشگیری از تکرار جرم.

۷. بعنوان سخن آخر می‌توان بر پیشنهادها و نظراتی که قبلاً ارائه شده اما در عمل هنوز به قدر کفایت رضایتمند نبوده تاکید و تکرار داشت مانند فردی کردن مجازات، آموزش افسار جامعه در تمامی سطوح، پرونده شخصیت، آگاه‌سازی و در نهایت تلاش گسترده‌تر مرکز مراقبت‌های پس از خروج که زمان زیادی از تشکیل و خدمات این مرکز می‌گذرد اما نیازمند به روز شدن و پیگیری‌های جدی‌تر است.

## فهرست منابع

### کتاب ها

۱. آخوندی، محمود، ۱۳۸۶، آئین دادرسی کیفری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش.
۳. آنسل، مارک، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
۵. بکاریا، س، ۱۳۷۴، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. بولک، ب، ۱۳۸۴، کیفرشناسی، ترجمه ی نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۷. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، ۱۳۸۶، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات فردوسی.
۸. راوندی، مرتضی، ۱۳۶۸، سیر قانون و دادگستری در ایران، تهران، نشر چشمه.
۹. زراعت، عباس، ۱۳۸۰، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات (حقوق جزای عمومی)، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۰. صانعی، پرویز، ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش.
۱۱. صفاری، علی، ۱۳۸۶، کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات جنگل.
۱۲. صالحی امیری، سید رضا، ۱۳۸۸، مفاهیم و نظریه های فرهنگی، تهران، نشر ققنوس، چاپ دوم
۱۳. غلامی، حسین کیفرشناسی، ۱۳۹۵، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۱۴. فرهنگ انگلیسی آریان پورکاشانی، ۱۳۸۸.

۱۵. فرهنگ لغت حییم، ۱۳۷۶.
۱۶. فرهنگ لغت عمید، ۱۳۶۳.
۱۷. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۵، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، تهران، نشر میزان.
۱۸. گودرزی‌بروجردی، محمدرضا؛ مقدادی، لیلا، ۱۳۸۴، کیفرشناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی (تجربه ایران و دنیای معاصر)، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۹. محمدی، داوود، ۱۳۸۴، مجازات‌های جایگزین، نقدی بر کیفر زندان - چالش‌ها و راهکارها، انتشارات عود.
۲۰. میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۸۶، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان.
۲۱. محسنی، مرتضی، ۱۳۸۲، دوره‌ء حقوق جزای عمومی (دو مجلد)، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۲. نوربها، رضا، ۱۳۸۶، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر دادآفرین.

#### مقالات

۱. آشوری، محمد، ۱۳۷۶، «عدالت کیفری»، مجموعه مقالات، جلد اول، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۲. پی نائل، ژ، ۱۳۶۵، «کیفرهای جانشین و جرم شناسی»، ترجمه‌ی: علی حسین نجفی ابرندآبادی، فصلنامه حق، شماره ۶.
۳. تبیت، مارک، ۱۳۸۴، «فلسفه حقوق»، حسن رضایی خاوری، چاپ اول، مشهد، موسسه فرهنگی قدس.
۴. ترنر، س؛ پتر سیلیا، ج؛ پیپر دشنز، ا، ۱۳۸۷، «ارزیابی برنامه نظارت فشرده برای بزهکاران مواد مخدر در تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط»، ترجمه مهرداد رائیجیان اصلی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.
۵. ژانایوولاسال، علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، «جایگزین‌های سلب آزادی، ویراورد ترازنامه اجرای آنها در حقوق فرانسه».
۶. جعفری، محسن، ۱۳۹۹، «بررسی اهمیت و موانع اجرای مجازات جایگزین حبس در ایران»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، سال چهارم، شماره سی و هشتم.
۷. زید شفیعی، مونا، ۱۳۸۵، «میانجیگری کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۸. شهیدزاده، ژ، ۱۳۸۵، «راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها با تکیه بر قرار کفالت»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.

۹. صاحبی عبدالعلی، لطفی، علیرضا، ۱۳۹۸، «مروری بر تاریخ حبس در قرون نخستین اسلامی»، انتشارات مسکویه، دوره ۴، شماره ۱۲.
۱۰. عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا، ۱۳۸۶، «زمینه‌های اجرایی مجازات اجتماعی»، مجله حقوقی عدالت آراء، شماره ۸.
۱۱. میشل فوکو، ترجمه فاطمه ولیانی، ۱۳۹۶، «الفاظ و اشیا، باستان‌شناسی علوم انسانی»، تهران، انتشارات ماهی.
۱۲. فریدمن، دیوید، ۱۳۸۰، «حقوق و اقتصاد»، مجله اقتصادی، ترجمه پیمان شاد فر، ش ۲، ص ۴۳.
۱۳. قربان‌نیا، ناصر، ۱۳۷۷، «فلسفه مجازات»، مجله نقد و نظر، شماره ۱۵ و ۱۶.
۱۴. کیانی، محمد، ۱۳۸۷، «تعدد و تکرار جرم»، مشاهیر دانش.
۱۵. رحمانیان، احمد، ۱۳۹۵، «مزایای استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس»، مجموعه مقالات همایشی علمی کاربردی مجازات‌های جایگزین حبس.
۱۶. معظمی، شهلا، ۱۳۸۵، «جانشین‌های مجازات زندان برای زنان»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.
۱۷. معظمی، شهلا، ۱۳۸۶، «پیشگیری جرم‌شناختی»، فصلنامه مجد، شماره اول.
۱۸. منصورآبادی، عباس، ۱۳۸۵، «زندان، راه حل یا مشکل»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.
۱۹. میرشمس شهشهانی، مرتضی، ۱۳۸۵، «خدمات عمومی ارائه شده مجرمان در استرالیا غربی»، مجموعه مقالات، همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان.
۲۰. یکرنگی، محمد؛ ایرانمنش، مهدی، ۱۳۸۷، «کیفرهای اجتماع محور، از نظریه تا عمل با تاکید بر پیش نیازهای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.

## تقریرات

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۱، تقریرات علوم جنایی، جلد اول، به کوشش مهرداد رائیجیان اصلی و شهرام ابراهیمی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

1. <https://www.mizan.news>
2. <https://www.isna.ir>
3. <http://radiogoftogoo.ir>
4. <https://seemorgh.com>، نگاهی به تاریخ جرم و مجازات در طول تاریخ
5. <https://imna.ir>

#### منابع غیرمستقیم:

این قسمت شامل منابعی است که مطالعه‌ی آن به نگارش مطالب کمک کرده است.

۱. امیری، سعید، ۱۳۷۶، جزای نقدی و بررسی آن در قوانین موضوعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲. بی‌نا، ۱۳۹۰، سیاست کیفری ایران در خصوص مجازات های جایگزین حبس با رویکرد لایحه قانون مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد بندرانزلی
۳. تیرگر فاخری، نریمان، ۱۳۷۷، موارد جایگزین مجازات سالب آزادی و روشهای آن در حقوق کیفری ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۴. خاکسار داوود، غلامی حسین، ۱۳۹۷، سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات های جایگزین حبس، پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی علامه طباطبایی
۵. خالقی، ابوالفتح، ۱۳۸۰، جایگاه قانونی و عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۶. زید شفیعی، مونا، ۱۳۸۵، میانجیگری کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۷. غلامی، حمید، ۱۳۹۲، نقد و بررسی مجازاتهای جایگزین حبس در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده علوم انسانی

۸. هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۲، تعلیق مراقبتی مجازات، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.



## **Abstract**

Despite the negative consequences for individuals, society and the government, imprisonment has a high share in court rulings and at the same time has little effect on preventing recidivism. Alternative punishments of imprisonment are considered as the most obvious attempt to eliminate this shortcoming ... This study examines the ability to prevent the crime of alternatives to imprisonment. Alternative punishments of imprisonment are influenced by the ideas of different schools and It arose in line with the many criticisms leveled at the punishment of imprisonment. Imprisonment as a punishment has not only not been effective in achieving the goals of correction and treatment, but has also had significant harmful consequences. Today, criminal justice systems have shifted from pure criminalism to new approaches to correction and treatment and social reconstruction of criminals, and new perspectives on criminology and criminal sociology are based on the fact that the use of prison is considered only as a last resort to deal with dangerous criminals. It requires a radical change in the attitude of the judiciary and, of course, a change in the culture of society that other negative punishments have failed due to its many harms and the application of alternatives (new social punishments) is the best way to apply targeted correctional punishments. The present study tries to investigate the effect of alternatives on deterrence of crime. After studies, we have come to the conclusion that alternatives to prison will certainly have more effects on correction of criminals and prevent the recurrence of crime, but this is not achievable unless the principles and conditions are observed. Especially from all members of society, whether the courts and stakeholders, or ordinary people who are not expected to have a role.

Keywords: Punishment, Imprisonment, Alternative Punishment, Repeat Crime

**Damavand Higher Education Institute**

Thesis for graduation with a master's degree in criminal law and criminology

**subject:**

The system of alternative punishments in the Islamic Penal Code of 1392 and its  
deterrent effect

**Supervisor:**

Dr. Amir Massoud Mazaheri Sichani

**University student:**

Fatemeh Roghani

Second semester 1400-1401